

فرارسیدن عید رضوان را به همه بهائیان جهان شادباش گفته و آرزومند است صلح، عدل و انصاف سراسر گیتی را فراگیرد.

۲۴ آوریل یادبود قربانیان ارامنه که یکی از
صفحات سیاه تاریخ بشریت است
را گرامی می‌داریم

ایران شهر فرهنگی - شماره ۶

- سرمقاله/بیژن خلیلی: ژست روشنفکرانه با تئوری متحجرانه در قبال بهائیان ۴
پرونده / مهدی آقامانی: ۱۷۱ سال خدمات جامعه بهائی ۶
پرونده / بادی از بهائیان که به ایران خدمت کردند ۱۳
پرونده / امجد محمدی: چرا این همه نفرت کینه علیه بهائیان ۲۰
گفتگو / مزده حبیبی: او هر سال در لحظه تحویل سال از نو... ۲۲
نقد و نظر / روحوانی نمایش حکومت زمان خان ۲۵
تاریخ معاصر به روایت تمبر / پرویز کاردان: کلکسیونرهای تمبر ۲۶
داستان طنز / حسین لی: اندر حالات و مقامات دوکی اول... ۲۸
مکتوبات فدوی / حمیدرضا رحیمی: معامله زیان آور ۳۰
یک سبد حکایت / محمود افهمی: دست کسی رو شدن ۳۲
در قلمرو فرهنگ / محمدرضا شفیعی کدکنی: ملک الشعراء بهار... ۳۴
روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران ۳۶
اقتصاد و بین الملل / امین اکبری: کره، یک ملت، دور ژیم، دو اقتصاد ۴۶
اقتصاد و بین الملل / امین اکبری: اگر اسد همچنان بماند ۴۸
سفر در آمریکا / مهدی آقامانی: ایالت می‌سی‌سی‌پی ۵۰
ایران شهر پزشکی - ضمیمه رایگان دوم
تغذیه / ۵ ویتامین اصلی و منابع آنها ۵۴
روانشناسی کودک / آغوشی کوچک برای تازه وارد ۶۰
روانشناسی کودک / «ای‌دی‌اچ‌دی» چیست؟ ۶۲
پوست و زیبایی / ۴ وضعیت قرمز در آرایشگاه ۶۴
پوست و زیبایی / آرایش قدم به قدم چشم ۶۶
جدول ایران شهر - شماره ۴۷
جدول‌های کلاسیک، شرح در متن، سودوکو، زنجیره و... ۷۰
حل جدول‌های شماره ۴۵ ۱۲۲
راهنمای حل جدول ۱۲۶
مسابقه همراه با جایزه ۱۲۹

ما باور داریم آگاهی مقدمه آزادی است



ایران شهر

شماره ششم، آوریل - می ۲۰۱۳

IRANSHAHR Magazine

Is published by Ketab Corp.

بنیانگذار و مدیر مسئول: بیژن خلیلی

زیر نظر شورای نویسندگان

مشاورین بازرگانی: شیدخت حکیم زاده،

مهتاب خواجه خلیلی، پروین وجدانی

ناشر: شرکت کتاب

KETAB Corporation

1419 Westwood Blvd,

Los Angeles, CA 90024. USA

818.908.0808

800.908.0808

Fax: 818.908.1457

www.iranshahrweekly.com

ketab1@ketab.com

© Copyright 2013

- مطالب منتشر شده در ایران شهر نشانگر عقیده و آرای نویسندگان آن است و الزامی و نظر ایران شهر محسوب نمی‌شود.
- مسئولیت صحت محتوای آگهی‌های منتشر شده در این ماهنامه با صاحبان آگهی است و ایران شهر در این خصوص مسئولیتی ندارد.
- استفاده از مقالات، طرح‌ها و ایده‌های منعکس شده در این مجله فقط با اجازه کتبی امکان پذیر است.
- ایران شهر در حک و ویرایش مطالب وارد مختار است.
- مطالب و تصاویری که برای ما می‌فرستید مسترد نمی‌شود.

مجله فرهنگی ایران شهر

پرونده شماره آینده خود را به جامعه ارامنه

ایرانی تبار و نقش آنها در رونق جامعه ایرانی

اختصاص داده است.

ایران شهر شماره ۷ - در ماه می منتشر می‌شود

از علاقمندان به مشارکت در این پرونده دعوت می‌شود با

ایران شهر تماس حاصل نمایند.

برای پشتیبانی از ما، ایران شهر را مشترک شوید

ژست روشنفکری با تئوری متحجرانه در قبال جامعه بهائی

بیژن خلیلی

ما شرمگینیم!

یک و نیم قرن سرکوب و سکوت کافیت!

به نام نیکی و زیبایی، به نام انسان و به نام آزادی
به عنوان انسان ایرانی، از آنچه طی یک و نیم قرن گذشته در ایران، در حق
شما بهاییان روا شده است، ما شرمگینیم
ما بر این باوریم که هر ایرانی باید بتواند «بی هیچگونه تمایزی، بویژه از
حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر،»
و همچنین منشاء قومی یا «اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر
از تمام حقوق و همه آزادی‌های ذکر شده» در منشور جهانی حقوق بشر
بهره‌مند شود، اما بهاییان ایران از اولین روزهای ظهور آیین بهائیت، تا به
امروزه به خاطر باورهای دینی خود از بسیاری از حقوق انسانی محروم
بوده‌اند.

بنا به شواهد و مستندات تاریخی، از ابتدای شکل‌گیری آئین بابی و سپس
بهائی در ایران، هزاران تن، تنها به دلیل این باورهای دینی خود، به تیغ
تصعب و خرافه به قتل رسیده‌اند. تنها در نخستین دهه میلاد این آیین،
نزدیک به بیست هزار تن از وابستگان آن در شهرهای مختلف ایران به قتل
رسیانند.

ما شرمگینیم از اینکه در آن دوران صدایی در مخالفت با این کشتار
بربرمنشانه ثبت نشده است و
ما شرمگینیم از اینکه تا به امروز نیز صداها در محکومیت این جنایت
هولناک جسته و گریخته و نارسا بوده است.

ما شرمگینیم از اینکه علاوه بر سرکوب شدید نخستین دهه‌های حضور
بهاییان، در صد سال گذشته نیز، این گروه از هموطنان ما مورد حمله‌های
ادواری قرار گرفته، منازل و محل کار آنها به آتش کشیده و تخریب شده
و به جان و مال و ناموس آنها تجاوز شده اما جامعه روشنفکری ایران در
مقابل این فاجعه خاموش مانده است.

ما شرمگینیم از اینکه طی سی سال گذشته قتل بهاییان، تنها به جرم
باورهای دینی‌شان شکل قانونی به خود گرفته و بیست از دویست بهایی
به قتل رسیده‌اند و

ما شرمگینیم از اینکه گروهی از روشنفکران فشار علیه بهاییان را تئوریزه کرده‌اند.
ما شرمگینیم از سکوت خود در مقابل اینکه بسیاری از سالمندان بهایی
پس از ده‌ها سال خدمت به ایران، از دریافت حقوق بازنشستگی محروم

گمان می‌کنم یکی از روزهای بهار ۱۳۵۲ خورشیدی بود که به یکباره در
کتابخانه دانشکده مهندسی دانشگاه پهلوی شیراز هیاهویی در گرفت چرا که
کپی برگی‌هایی از کتاب «ایران در آستانه انقلاب مشروطیت» باقر مومنی که
تازه تجدید چاپ شده بود در زیر شیشه‌های میز کتابخانه توسط برویچه‌های
بهائی قرار داده شده بود و این به تیش قبای اعضای انجمن اسلامی دانشگاه به
شدت برخورد کرده بود و خلاصه قشقرقی بپا بود. اهمیت موضوع در این بود که
شاید برای نخستین بار (حداقل برای من) که می‌دیدم که بهائیان نیز برخلاف
دستور صریحی که به آنها داده شده است که در امور سیاسی دخالت نکنند،
خواستار بودند حقانیت جنبش باب را از طریق این کتاب و باقر مومنی که
یکی از اعضای حزب توده بود و چپ بود و مخالف دستگاه و مورد توجه
روشنفکران، به ثبوت برسانند و در چهره یکایک آنها که خیره می‌شدی یک
نوع برق پیروزی را در چشمانشان می‌خواندی. موضوع با دخالت پلیس
دانشگاه و جمع آوری صفحات کتاب از زیر شیشه‌ها به پایان رسید ولی
خاطره آنروز و روزهای پس از آن هیچگاه از ذهن من بیرون نرفت. چرا که
این حرکت قند را در دل من نیز آب کرده بود که بالاخره اقلیت بزرگ بهائی
نیز بر علیه ظلم و ستم اکثریت برخاسته و می‌خواهد دروغ‌ها و وارونه‌نشان
دادن حقیقت را بر ملا کند هر چند با توجه به سکولار بودن حکومت آن زمان،
اقلیت‌ها ترجیح می‌دادند که با عدم سر و صدا و آرام به موفقیت‌های خود
بیفزایند و با کسب دانش و خدمت به هم میهنان‌شان این شهروندی درجه
دوم را به شهروندی درجه اول تبدیل کنند و احترام همگانی را بدست بیاورند
غافل از این که این آرامش پیش از توفان است و اهریمنان چه در کسوت
آخوند و چه در کسوت روشنفکر خواب‌های دیگری برای ایران و ایرانی
-دائسته و ندائسته- دیده‌اند و می‌خواهند ایران را به عهد جهل و جنون و
جنایت برگردانند.

من این جا روی سخنم با آخوند جماعت نیست، با فلسفی و خمینی و
انجمن حجتیه تبهکار نیست، چرا که از آن‌ها جز این انتظار نیست که با
بهائیان به عنوان دگر اندیش بستیزند. روی سخنم با آن دسته از روشنفکرانی
است با همه آگاهی‌هایی که از شقاوتی که بر بهائیان رفته است داشته‌اند
هرگز در طرف ستم دیده نایستادند و هنوز هم که هنوز است برخی از آنها
با همان اندیشه بشر ستیزشان، بهائیان را و بقیه اقلیت‌ها را خوار می‌دارند.
در فوریه سال ۲۰۰۹، بیانیه‌ای با عنوان «ما شرمگینیم»* از سوی گروهی از
روشنفکران در خارج از ایران منتشر شد که متن اعلامیه به این شرح است:

هستند.

توسط حکومت وقت جا زد و چه کسی است که نداند فریب توده ناآگاه اگر در گذشته فقط توسط ملایان انجام می‌شد اینک هم توسط ملایان و هم توسط برخی از روشنفکران انجام می‌شود.

در همان مقاله برای آقای حاج سیدجوادی نوشتم

چرا یکبار دست به قلم نبردید و به اهل منبر که بهائیان را به ناسزا می‌گرفتند و خونشان را حلال اعلام می‌کردند، و با فتوای خود عوام‌الناس را بر جان و مال آنان مسلط می‌کردند، اعتراض نکردید؟ اگر از ادیخواه هستید، چرا در همان اوان حکومت اسلامی، یک بار دست به قلم نبردید و از حقوق پامال شده و خون‌های به ناحق ریخته شده بهائیان - که تنها به دلیل دگراندیشی به مرگ محکوم شدند - دفاع نکردید؟ آن زمان که عرق روشنفکری و مبارزه شما از «نقض حقوق

مدنی و سیاسی» کجا رفته بود؟

آقای حاج سیدجوادی و بسیاری از قماش او حتی پس از اعلامیه «ما شرمگینیم» قدم به جلو نگذاشتند و از ملت ایران از سوئی و از سوی دیگر از جامعه بهائی پوزش نخواستند، برای داشتن ملتی سربلند و آزاد باید که راه بازگشت این افراد به سوی ملت باز باشد.

شاید که این دستبسته اثری بنماید.

پانویس:

* تاریخ پانزده بهمن ۱۳۸۷ - سوم فوریه ۲۰۰۹ و انتشار مجدد همراه با امضاهاى جدید: بیست و پنج بهمن ۱۳۸۷ - سیزده فوریه ۲۰۰۹، بیانیه‌ای از سوی جمعی روشنفکران ایرانی (۲۵۰ نفر) با عنوان «ما شرمگینیم» منتشر شد.

ما شرمگینیم از خاموشی خود در مقابل اینکه هزاران جوان بهایی، به دلیل باورهای دینی خود و صداقت در بیان این اعتقادات، از امکان تحصیل در دانشگاه‌ها و مدارس آموزش عالی ایران محروم هستند.

ما شرمگینیم از سکوت خود در مقابل اینکه کودکان بهایی به دلیل باورهای دینی والدین خود، در مدارس و معابر مورد تحقیر قرار می‌گیرند. ما شرمگینیم از خاموشی خود در مقابل این واقعیت دردناک که در میهن ما فشار و تحقیر علیه بهائیان به طور سیستماتیک اعمال می‌شود، تعدادی فقط به خاطر این باور دینی در زندان به سر می‌برند و خانه‌ها و محل کار آنها مورد حمله و تخریب قرار می‌گیرد و گاه حتی آرامگاه‌های مردگان این گروه از هموطنان ما از تعرض به دور نمی‌ماند.

ما شرمگینیم از سکوت خود در برابر سیاهه طولانی، اندوه بار و دهشتناک حق‌کشی‌های نهادینه شده در قوانین کشور ما علیه بهائیان، و بی‌عدالتی‌ها و فشارهای دستگاه‌های رسمی و غیررسمی در مورد این گروه از هموطنان ما شرمگینیم به دلیل اعمال جنایت‌ها و بی‌عدالتی‌ها و ما شرمگینیم به دلیل سکوت خود در برابر این اعمال.


هم چنان که ملاحظه می‌فرمایید یکی از بندهای این اعلامیه، تئوریزه کردن فشار علیه بهائیان توسط روشنفکران است و برآستی این روشنفکران کیانند.

من در ایرانشهر شماره ۱۵۸ - ۱۴ دسامبر ۲۰۰۱ با عنوان «علی اصغر حاج سید جوادی و نیم قرن ادعاهای پوچ و تحلیل‌های توخالی» نشان داده بودم که آقای حاج سیدجوادی که عضو کمیته حقوق بشر ایران پیش از انقلاب بود چگونه در دوران پیش از انقلاب با تجزیه و تحلیل‌های ضد بشری خود اقلیت بهائی و یهودی را مسئول غصب حاکمیت ملت ایران

فرم تقاضای اشتراک

تاریخ:.....

جدول هزینه اشتراک مجله فرهنگی ایران‌شهر

اروپا	کانادا	داخل آمریکا	
\$ 150	\$ 120	\$ 60	۱۲ شماره
----	----	-----	-----

NAME: _____
 LAST NAME: _____
 ADDRESS: _____
 SUITE#: _____
 CITY: _____
 STATE: _____
 ZIP CODE: _____
 TEL: _____

شما می‌توانید با انتخاب گزینه مورد نظرتان در جدول اشتراک وجه آنرا از طریق چک به حساب KETAB CORP. پرداخت نمایید و یا با تماس با ما از طریق کارت‌های اعتباری خود وجه مورد نظر را انتقال دهید. لازم به ذکر است شرایط ارسال و زمان دریافت مجلات تابع شرایط پست ایالات متحده خواهد بود.

اینجانب ضمن مطالعه اطلاعات فوق، متقاضی اشتراک مجله جدول ایران‌شهر از شماره برای مدت ۱۲ شماره می‌باشم.

امضا

برای اشتراک، فرم فوق را تکمیل نموده و به همراه چک به آدرس مجله ارسال فرمایید و یا با دفتر مجله تماس بگیرید

نگاهی به ظرفیت‌های آیین بهائی

۱۷۱ سال خدمات جامعه بهائی



است. جایی که عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیری در آیین بهائی می‌باشد و برای جلوگیری از به وجود آمدن انشعاب و تفرقه در آیین بهائی تشکیل شده است. از آنجا که در کتاب اقدس رسماً تشکیل بیت‌العدل اعظم به عنوان یکی از ارکان آیین بهائی مقرر گشته است، عبدالبهاء و شوقی افندی، بیت‌العدل اعظم را عالی‌ترین هیأت قانون‌گذاری امر بهائی و مرجع کل نفوس جهت اتحاد عالم بهائی در زمان نبود «ولی امرالله» در این دین، قرار دادند. تعداد اعضای بیت‌العدل ۹ نفر هستند، که هر ۵ سال یک بار از طریق انتخاباتی آزاد، برگزیده می‌شوند. پس از مرگ ولی امرالله، اولین انتخابات بیت‌العدل اعظم الهی در سال ۱۹۶۳ میلادی برگزار شد. لازم به یادآوری است که مقر این موسسه را شخص بهاء‌الله (بنیانگذار آیین بهائی) در سال ۱۸۹۰ میلادی و در طی لوح کرمل انتخاب کرده بود.

اما دلیل اشاره به این ساختمان زیبا و باغ آرام چیست؟ در سال‌های اخیر اکثر مطالبی که در حوزه نشریات فارسی مستقل (البته در خارج از ایران) درباره بهائیان به رشته تحریر درآمده است بیشتر بر پایه آرامگاه‌های ویران شده، سنگ قبرهای شکسته، جوانان از تحصیل

این باغ آرام و ساختمان مجلل در دامنه کوه کرمل در بندر حیفا در غرب اسرائیل بی شک تصویری است که آیین بهائی برای آینده جهان ترسیم می‌کند.

جهانی پر از صلح و آرامش که در آن دموکراسی و احترام به حقوق بشر راه را برای توسعه پایدار وحدت و یکپارچگی انسان‌ها هموار می‌کند.

نه اشتباه نکنید؛ نویسندگان این سطور بهائی نیست. بلکه در مقام روزنامه‌نگاری مستقل

سعی دارد تا با نگاهی به دور از حب و بغض‌های معمول و بر اساس اصولی که باورهای جامعه بهائی را تشکیل داده است، تصویری عینی از جامعه بهائیان جهان که این روزها در آغاز صد و هفتاد یکمین سال پیدایش این آیین، نزدیک به هفت و نیم میلیون نفر از ساکنان کره زمین را تشکیل می‌دهند، به دست دهد.

ساختمان مجلل باغ زیبای دامنه کوه کرمل در حقیقت بیت‌العدل اعظم



دکتر مهدی آقازمانی
(جامعه‌شناس)



بازمانده، کارمندی که به دلیل بهائی بودن از ارگان و ادارات و موسسات دولتی و خصوصی اخراج شده اند، زندانیانی که تنها جرمشان بهائی بودن است و ده‌ها ظلم دیگری که به جامعه بهائیان ایران شده‌است، شکل گرفته است.

اما این همه سیمای آیین بهائی نیست. جامعه بهائیان جهان در طول ۱۷ دهه‌ای که از عمر این آیین می‌گذرد، دستاوردهای بزرگی به جامعه جهانی و صد البته به ایران هدیه کرده است. دستاوردهایی که در سالیان بعد از وقوع انقلاب ایران یا مصادره شدند و یا به هر شکل و عنوانی، سعی شد هر نوع ارتباطی بین آنها و بهائیان انکار گردد.

اما حقیقت اینجاست که آیین بهائی در آستانه ورود به سومین سده حیات خود تا سه دهه دیگر حالا می‌رود تا در هیئت یک مذهب جهانی برپایه خردگرایی و علم‌پذیری و به دور از هرگونه خرافات مسیری را در مقابل بشر باز کند که به اتحاد و صلح بیانجامد. سیمایی که آیین بهائی از آینده جهان ارائه می‌کند مانند دامنه کوه کرمل در بندر حیفا همانند گلستانی است که جان آدمی در فضای عطرآگین آن مست از همدلی و برادری است.

حضرت عبداله‌بهاء فرزند به‌الله (بنیانگذار آیین بهائی) در خطابه‌ای معروف ضمن تایید همه آیین‌ها و ادیان گذشته رمز بقای بشریت را در

دل وحدت انسانی نهفته می‌داند و می‌گوید:

«هرکس به وحدت بشر خدمت کند در درگاه احدیت مقبول است... حضرت موسی خدمت به وحدت عالم انسانی نمود، حضرت مسیح وحدت عالم انسانی تأسیس کرد، حضرت محمد اعلان وحدت انسانی نمود... بهاء‌الله تجدید تعالیم انبیاء فرمود... برای شما تأییدات الهیه می‌طلبم.»

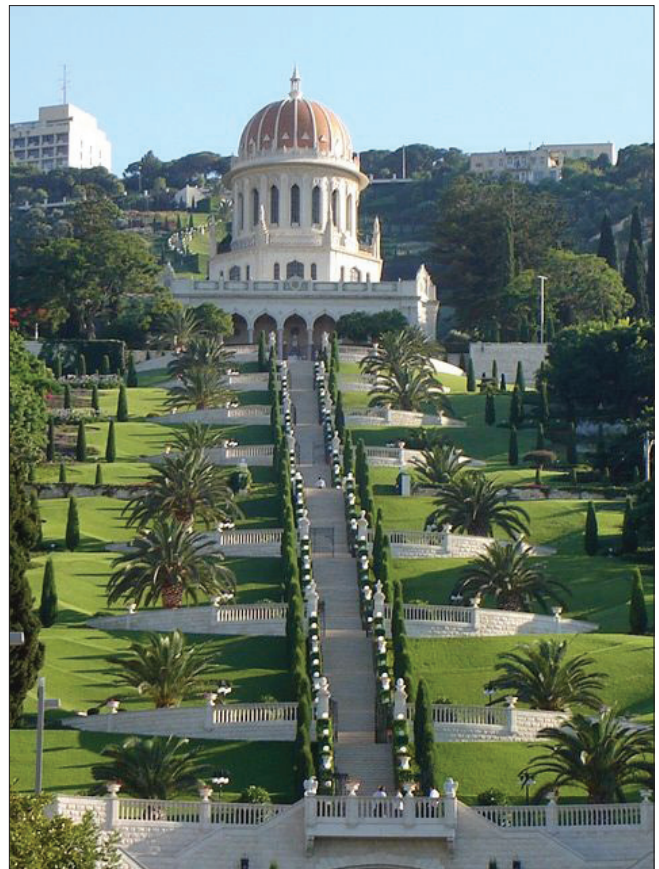
این نگاه اما با مفاهیم پیروی کورکورانه از سنن و آیین گذشتگان در تضاد است تا آنجا که جایی دیگر عبداله‌بهاء در مصاحبه‌ای در لندن بر این نکته پافشاری می‌کند که:

«از تقلید دست بردارید. دین باید سبب الفت و محبت باشد. اگر سبب عداوت گردد عدم دین به از وجود آن است.»

یکی از مهمترین نکات در بازشناسی آیین بهائی، زمان ظهور و نشر آن در دو سده اخیر است. آیین بهائی درست در زمانی پا به عرصه وجود می‌گذارد که جامعه جهانی در آستانه عبور از یکی از مهمترین گردنه‌های تاریخ خود است. همزمان که جهان در قرن نوزدهم جامه پیشرفت و تجدد به تن می‌کند و می‌رود تا خود را آماده بزرگترین جهش علمی همه اعصار تاریخ در قرن بیستم کند، آیین بهائی بر اساس باور به علم‌گرایی و تحصیل سواد و دانش پا به عرصه وجود می‌نهد. آیینی مطابق با نیازهای انسان مدرن برای داشتن رابطه‌ای معنا دار بین اصول معنوی و پیشرفت‌های زندگی دنیوی.

آیین بهائی آیین جنگ و شمشیر نیست. بهاء‌الله خود چنین می‌گوید: «در شبی از شب‌ها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمه علیا اصفا شد انا نصرک بک و بقلمک.»

ندایی شنیدم که می‌گفت ما ترا به نامت و با قلمت پیروز خواهیم کرد. پیامی است آشکار نه پیام جنگ و خون‌ریزی است و نه پیام جبر و زور بلکه پیام قلم است و علم و خرد. درحقیقت از شمشیر و کشتار و جهاد خبری نیست. شمشیر نیست که مشکلات را حل می‌کند بلکه قلم و اندیشه راهکارهای عصر نوین هستند.»



«عبدالبهاء عباس (۱۹۲۱-۱۸۴۴) بزرگترین مغز متفکر شرقی بود که به شرح و بسط مطالب روحانی و مادی معاصر پرداخت و نوآوری‌های اندیشه‌اش برجسته‌ترین راهکارهای تجدد و اصلاح در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم را ارائه داد.

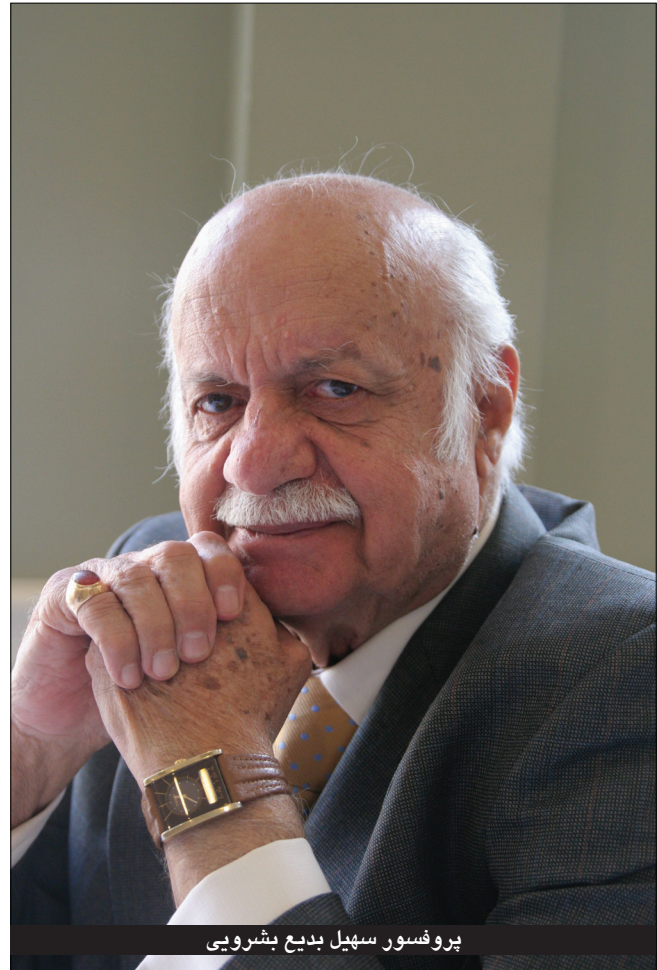
نخستین انسان شرقی بود که پیام وحدت و یگانگی را همراه با برنامه‌ای برای برقراری صلح پایدار جهانی به غرب برد و در درک و فهم معانی آیات قرآن و تورات و انجیل و تفسیر آنها با عقل و منطقی دقیق و سلیم درخششی بی‌مثل و نظیر در عصرنویین نمود.

جهان عرب و اسلام او را به نام عباس افندی و جهان غرب به نام عبدالبهاء می‌شناختند کسی که تابش اندیشه‌اش شرق و غرب هر دو را به ویژه در مصر و جهان عرب شگفت‌زده ساخت. با آنکه به مدرسه و دانشگاه نرفته و بخش عمده‌ی زندگانی خود را در تبعید و زندان بسر برده بود اهل شرق وی را با اوصافی بسیار والا نظیر «دانشمند علامه» و «پیر بزرگ پارسا» و «معدن فضل و کمال» ستودند و با القاب «اعجوبه‌ی زمان» و «نادره‌ی دوران» و «سرور مصلحان» مورد ستایش قرار دادند. اهل غرب اما از روحانیت این مسافر آمده از شرق و احاطه‌اش بر علوم و فنون زمان و روش‌های فکر غربی و نگرش بی‌طرفانه و عینی او، شگفت‌زده گشتند و رهبران اندیشه در غرب او را «سفیر انسانیت» و «پیامبر صلح» و یکی از بزرگترین دانشمندان دین در جهان دانستند و بالاخره این‌گونه وی را ستودند: «قطب بلندآوازه‌ی دانش در شرق و غرب و محبوب همگان».

عبدالبهاء «سیاحتگر روح» بود وی سراسر غرب را پیمود تا پیام پدر بزرگوارش یعنی پیام جاودانی شرق که پیام همگی ادیان و مذاهب مشرق زمین را یک‌جا در یک برداشت به اهل غرب برساند. او از ابلاغ پیام حضرت مسیح و حضرت محمد در معابد یهود و اعلان رسالت حضرت محمد در کلیسای مسیحیان و نیز رساندن پیام دین به محافل بی‌دینان واهمه نداشت.

عبدالبهاء برای مردم زمان خویش توضیح می‌داد که ادیان همه فیض حق بوده از یک چشمه جوشیده‌اند و کرارا خاطر نشان فرمود که دین خدا یکی است و این حقیقت چیزی جز «تجلی اولیه- پیدایش نخستین» نیست و ادیان مختلف جز جلوه‌هایی گوناگون از این حقیقت یگانه نیستند و چون «حقیقت نخستین» و رای فهم و ادراک بشر است از این روی آنچه از آن حقیقت برای ما قابل تصور باشد همه نسبی و تقریبی است. بنابراین گرچه از حیث ظاهر بین آنها تفاوت‌هایی دیده می‌شود اما در ذات و جوهر همگی جلوه‌های یک حقیقتند.

اتحاد شرق و غرب از دیدگاه او دروازه‌ای برای ورود به جهانی تازه بود که عدالت و یگانگی و آشتی در آن حکم فرماست. وی هم‌چنین در تمامی گفتار و رفتار خویش بر ضرورت وحدت دین و علم و تأسیس تمدن انسانی که نه شرقی و نه غربی است تأکید نمود؛ تمدنی که بر پایه‌ی روحانیت و اخلاق استوار و از همه‌گونه وسائل دنیوی برای پیشرفت و ترقی برخوردار باشد. وی انتظار مردم زمان خویش را به این نکته جلب نمود که گذشته و حال در حکم یک تجربه‌ی روحانی واحدند و اکنون زمان آن رسیده که گذشته به حال پیوند و با آن درآمیزد و جنگ و ستیز میان قدیم و جدید از میان برخیزد. و این



پروفسور سهیل بدیع بشرویی

اگر اندکی منصف باشیم همه گواهی می‌کنیم که این جمله مبنایی درست برای درک از دنیای امروز محسوب می‌شود. جهانی که در سده گذشته علی‌الرغم وجود جنگ‌ها و درگیری‌های گوناگون توانسته است در حوزه علم و دانش چنان رشد سریعی داشته باشد که بی شک سرعت پیشرفت علم در چند دهه اخیر به عقب ماندن انسان از آن انجامیده است. همین عقب ماندگی موجب برخی تناقض‌ها و کج فهمی‌ها را پدید می‌آورد که بی شک نگاه مدبرانه از حوزه عقل و اندیشه آنچنان که به‌الله به آن اشاره کرده است می‌تواند به پایانی برای بحران معنویت انسان در عصر تجدد بیانجامد.

در پی تعالیم بهاء‌الله از چنین منظری است که عبدالبهاء پس از او زعامت جامعه بهائئی را به عهده می‌گیرد و متناسب با شناختی که از جهان مدرن دارد شالوده فکری و فلسفی آیین بهائئی را طرح ریزی می‌کند. شالوده‌ای که درکی درست و حقیقی از انسان مدرن دارد.

پروفسور سهیل بدیع بشرویی استاد، نویسنده و ناقد سرشناس بهائئی که در محافل دانشگاهی غربی و نیز جهان عرب از معرفتی چشمگیر برخوردار است و مطالعات و تالیفات گسترده‌ای در زمینه علوم انسانی و روحانی دارد در مقدمه کتاب ارزشمند خود «عبدالبهاء عباس» نقش رهبری عبدالبهاء را در طرح اندازی آیینی برای وحدت انسانی موثر دانسته و چنین می‌نویسد:





دکتر هما محمودی

دنبال بهترین شدن باشند.»

دکتر هما محمودی در توصیف بهتر از تحری حقیقت، پرهیز از خرافه گرایی و پیدا کردن اصول آیین بهائایی بر اساس آنچه علم آنرا اثبات می‌کند را مورد اشاره قرار می‌دهد و یاد آور می‌شود که:

«خود علم هم از منظر بهاء‌الله تعریفی معین دارد. او معتقد است علم این است که برای استفاده انسان و در راه پیشرفت و خدمت به بشریت باشد و علم نمی‌بایست از حرف شروع شود و به حرف نیز ختم گردد.»

اصول علم گرایی در آیین بهائایی به رشد و توسعه درک اجتماعی از موضوعات روز و دغدغه‌های انسان مدرن انجامیده است و نه تنها در مقابل دستاوردهای علمی جامعه بشری جبهه نمی‌گیرد که به بهائایی یاری می‌رساند تا با کمک از دستاوردهای علمی به جامعه بشری خدمت کند. شاید همین خدمت صادقانه است که راه را برای رسیدن به جهانی فارغ از جنگ و حذف مرزهای سیاسی و خط کشی‌های نژادی و قومیتی می‌گشاید.

پروفسور بشرویه در گفتگویی که با ما داشتند همین منظر را مورد توجه قرار داده و با توجه به دغدغه‌های جامعه امروز جهان می‌گوید: «انسان به درستی دریافته است که برای نهایت زیست خود راهی جز وحدت و یکدلی ندارد. اما این حقیقت برای جامعه عمل پوشیدن نیاز

نظریه‌ای است که لویی لاول

Loise Lavelle فیلسوف فرانسوی (۱۹۵۱-۱۸۸۳) تحت تأثیر آن قرار گرفته آن را تئوری «زمان حال سرمدی» نام نهاده است. و در نهایت عبدالبهاء به اهل شرق و غرب خاطر نشان نمود که محبت یگانه ضامن دستیابی به موفقیت و پیروزی است و در یکی از خطابه‌های خویش همگان را چنین یادآور گردید:

چون به جهان هستی نظر می‌کنیم امری اعظم از محبت نمی‌بینیم؛ محبت سبب حیات است، محبت سبب نجات است، محبت سبب ارتباط دل‌های مردمان است، محبت سبب عزت و ترقی بشر است، محبت سبب دخول در ملکوت الهی است، محبت سبب حیات ابدی است. (ترجمه مضمون)

دکتر بشرویه در ادامه چنین نوشته‌اند:

«با تغییر نظام حکومت در ترکیه، مقامات عثمانی عبدالبهاء را آزاد ساختند و او بلادرنگ به تهیه و تدارک و مسائل جهت قیام به سفرهایی در خارج از سرزمین فلسطین پرداخت که جمعاً مدت سه سال از ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۳ به طول انجامید.

مصر نخستین کشوری است که عبدالبهاء از آن دیدار به عمل آورده آن را پایگاهی برای نقل و انتقال و انجام مسافرت‌های خود به اروپا و آمریکا قرار داد، و نزدیک به یک سال و نیم از سه سالی را که خارج از عکا و حیفا بود به تناوب در مصر بسر برد.

عبدالبهاء در اوت-سپتامبر سال ۱۹۱۰ وارد مصر گردید. این پژوهش ناچیز را در بزرگداشت صدمین یادبود دیدار عبدالبهاء از مصر تقدیم داشته سعی دارد که بدین مناسبت شرحی کوتاه از زندگانی عبدالبهاء ارائه نموده مختصر مطالعه‌ای در آثار قلمی و روابط انسانی و جنبه‌های فکری و دیدگاه‌های فلسفی و محیط روحانی و دینی او به عمل آورد. در پایان این مطالعه نمونه‌هایی برگزیده از نطق‌ها و سخنان حضرتش و آنچه در روزنامه و مجلات درباری وی گفته شده، و مکاتبات و گفت‌وگوهایش با مردم آن زمان ارائه می‌گردد.»

این نگاه ممتاز از رهبری عبدالبهاء و گسترش تفکرات بهاء‌الله است که زمینه تجددخواهی و پرهیز از خرافات و پذیرش اصول علمی را در آیین بهائایی فراهم می‌آورد.

دکتر هما محمودی نخستین زن ایرانی آمریکایی صاحب کرسی استادی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لس‌آنجلس و یکی از برگزیدگان و افتخارات علمی ایرانیان آمریکا که بهائایی است همین مضمون را در رهیافت آیین بهائایی در آموزش و تبلیغ این دین چنین مطرح می‌کند:

«تعریف آیین بهائایی در یک جمله خلاصه می‌شود: بهائایی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی. و تنها راه بهائایی شدن تحری حقیقت است یعنی پیدا کردن آنچه علم ثابت می‌کند. در آیین بهائایی هرگز به کودکان بهائایی بودن تحمیل نمی‌شود و با توجه به اینکه در این آیین چیزی مشابه کشیش یا آخوند وجود ندارد، تنها راه دستیابی به اصول دین مطالعه و تحقیق در آثار مکتوب بهائایی است. یعنی ابتدا باید سواد خواندن و نوشتن داشته باشی تا بتوانی از این راه به منابع دست پیدا کنی.

از این منظر است که می‌توان نتیجه گرفت زمینه تعالی در آیین بهائایی در گرو بهترین شدن و پیشرفت دائم است. تا آنجا که نخستین درس اخلاق برای کودکان بهائایی این است که باید پیشرفت کنند و همیشه به



به انگیزه مافوق بشری دارد تا بتواند از دریچه معنویت، خط بطلانی بر مرز بندی‌های جغرافیای سیاسی امروز جهان بکشد. آیین بهائایی در دوره معاصر پرچم دار این نحله فکری قلمداد می‌شود.»

این تعبیر پروفیسور بشرویه را می‌توان در تعالیم آیین بهائایی به روشنی یافت تا آنجا که به گفته شوقی افندی، تعالیم روحانی دیانت بهائایی را می‌شود در یک تعالیم تخلیص کرد و آن «وحدت عالم انسانی» است و جز آن، همه تعالیم دیگر در حکم فروع و ملحقات و حواشی همین تعالیم اصلی اساسی است.

دستیابی به چنین وحدتی از منظر پروفیسور بشرویه تنها از طریق رفع تعصبات و خط کشی‌هایی که باورهای غیر معنوی برای انسان امروز پدید آورده است امکان پذیر است. او تصریح می‌کند:

«دانستن این موضوع که بشر از منشاء واحد و معینی برخوردار است به ما یادآور می‌شود که او مقصد واحد و معینی هم دارد و باید در پناه دوری از تعصبات این مسیر را بیابد. آیین بهائایی برای این نکته اهمیت ویژه‌ای قائل است تا آنجا که دین بهائیی تعصبات را هادم بنیان انسانی می‌داند. عبدالبهاء در مورد این تعصبات این چنین می‌گوید: تعصب دینی و تعصب جنسی و تعصب وطنی و تعصب سیاسی سبب جدال است و هادم بنیان انسانی. باید جمیع این تعصبات را ترک نمود.»

اما آیین بهائیی دستیابی به چنین دستاوردی را نه فقط در منظر نظری که از رویکردی علمی دیده است. دکتر هما محمودی با اشاره به تجربه زبان اسپرانتو می‌گوید:

«بهاء الله نزدیک به ۱۵۰ سال پیش در کتاب اقدس ذکر می‌کند که باید جمیع ملت‌ها انجمنی تشکیل دهند و در آن انجمن با توافق کامل یک زبان به عنوان زبان بین‌المللی اعلام شود تا همه مردم علاوه بر زبان مادری، آن را نیز فراگیرند و به این صورت است که دیگر همه مردم به راحتی می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در چند دهه اخیر زبان اسپرانتو به عنوان زبانی که نتواند چنین خصیصه‌ای را داشته باشد پدید آمد که نتوانست ادامه حیات یابد و سر انجام چنین نقشی را سازمان ملل متحد به زبان انگلیسی سپرد. در حقیقت جهان با تاسی خواسته و ناخواسته از راهنمایی بهاء الله بهره برده است تا بتواند مسیر همگرایی جهانی را هموار کند. از سوی دیگر امروزه پیشرفت چشمگیر فن‌آوری‌های کامپیوتری راه دستیابی به زبانی مجازی برای



برقراری ارتباط نزدیک بین ابنای بشر در فرای مرزهای جغرافیایی را گشوده است.»

دکتر هما محمودی دستاورد چنین رویدادی را از منظر آیین بهائیی رسیدن به صلح عمومی قلمداد کرده و می‌افزاید:

«در دین بهائیی آمده است که اساس همه ادیان الهی محبت و یگانگی است و به همین علت است که جمیع مردم دنیا باید با همدیگر صلح نمایند و به دوستی و راستی پردازند. هدف بهائیان از اجرای تعالیم بهاء الله این است که وحدت عالم انسانی به وقوع بپیوندد و بغض و عداوت بین بشر برفاقتد.»

پروفیسور بشرویه در اثر جدید خود عبدالبهاء عباس که به همت ناهید روحانی به فارسی ترجمه شده است درباب صلح با ذکر رساله‌ای که عبدالبهاء به مجمع صلح عمومی در هلند می‌نویسد چنین آورده است: «ای انجمن محترم عالم انسانی، از این نیت خیریه و علویت مقاصد که دارید باید مورد شکرانیت جمیع بشر گردید کل از شما ممنون و خوشنود باشند که بذل چنین همّتی پرداختید که سبب آسایش عموم بشر است. زیرا راحت و آسایش عالم آفرینش در تحسین اخلاق عمومی عالم انسانی است و اعظم وسیله به جهت تربیت اخلاق علوی همّت و توسیع افکار است باید عالم انسانی را به این منقبت عظیمه دعوت نمود. ملاحظه فرمایید که مبادی مرعیه‌ی اصیله‌ی هر فردی از افراد بشر جلب منفعت خویش و دفع مضرت است در فکر آسایش و شادمانی خود است و آرزوی تفرّد در زندگانی می‌نماید و می‌کوشد که از جمیع افراد دیگر در راحت و ثروت و عزّت ممتاز گردد. این است آرزوی هر فردی از افراد بشر و این نهایت دنائت و بدبختی و پستی فکر است. انسان چون اندکی ترقی فکر یابد و همّتش بلند گردد در فکر آن افتد که عموم عائله را جلب منفعت و دفع مضرت نماید. زیرا راحت و نعمت عموم خاندان خویش را سعادت خود داند و چون فکرش توسّع بیشتر یابد و همّتش بلندتر گردد در فکر آن افتد که ابناء ملت و ابناء وطن خویش را جالب منفعت و دافع مضرت شود. هر چند این همّت و فکر از برای خود او و خاندان او بلکه عموم ابناء ملت و وطن او مفید است ولیکن از برای ملل سائره مورث ضرر است. زیرا به جان بکوشد که جمیع منافع عالم انسانی را راجع به ملت خویش و فوائد روی ارض را به عائله‌ی خود و سعادت کلیه‌ی عالم انسانی را تخصیص به خود دهد و همچو داند که ملل سائره و دول مجاوره هر

منافع از میان زائل گردد و اخلاق عالم انسانی تحسین شود و مساوات و مواسات بین عموم بشر تأسیس گردد تا هر فردی از افراد جان خویش را به جهت دیگران فدا نماید. این است اساس الهی این است شریعت سماوی و چنین اساسی متین جز به یک قوت کلیه‌ی قاهره بر احساسات بشریه تأسیس نیابد. زیرا هر قوتی عاجز است مگر قوت روح القدس و نفثات روح القدس چنان انسان را منقلب نماید که به کلی اخلاق مبدل گردد و ولادت ثانویه یابد و به نار محبت الله که محبت عموم خلق است و مایه حیات ابدیه و روح القدس تعمید یابد. فلاسفه‌ی اولی که نهایت همت در تحسین اخلاق داشتند و به جان و دل کوشیدند ولی نهایت تربیت اخلاق خویش توانستند نه اخلاق عمومی به تاریخ مراجعت نمایند واضح و مشهود گردد. ولی قوه‌ی روح القدس تحسین اخلاق عمومی نماید عالم انسانی را روشن کند علویت حقیقی مبذول دارد و عموم بشر را تربیت کند. پس خیرخواهان عالم باید بکوشند تا به قوت جاذبه تأییدات روح القدس را جذب کنند امیدم چنان است که آن جمع محترم انجمن خیری عالم انسانی مانند آئینه اقتباس انوار از شمس حقیقت نمایند و سبب تربیت اخلاق عموم بشر گردند و خواهش آن دارم که نهایت احترام من در حق آن هیأت عالیقدر مقبول شود.»

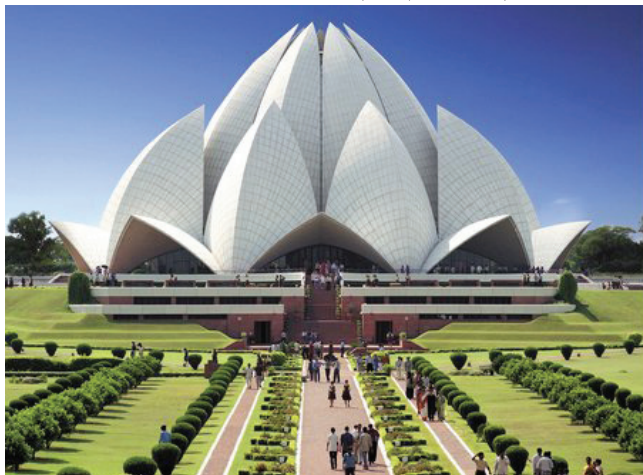
بهائیان معتقدند زن و مرد هر دو انسانند و امتیازی از نظر انسانی بر هم ندارند برای همین زن و مرد باید در جمیع حقوق اجتماعی برابر باشند، مثلاً در حقوق اجتماعی از لحاظ تعلیم و تربیت، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، همچنین در حقوق مدنی از لحاظ ازدواج و ... بهائیان اعتقاد دارند زن و مرد از لحاظ فکری و عقلانی مانند هم هستند و امتیازی بر یکدیگر ندارند. این برابری حتی در مورد تحصیل نیز رایج است و بهائیان در ۱۷۰ سال گذشته پیشتاز آموزش زنان بوده‌اند. دکتر هما محمودی در این باره می‌افزاید:

«حتی در موردی که یک خانواده یک فرزند دختر و یک فرزند پسر دارد و تنها تمکن مالی برای تامین تحصیلات یکی از آن دو را دارد، تعلیم بهائی تحصیل را حق دختر می‌داند، چرا که او را در مقام مادر نسل آینده تحصیل کرده، مطلع و آگاه می‌پسندد.»

دیانت بهائی تعدیل و توزیع منابع ثروت را در سطح جهانی برای رفاه و آسایش عموم اهل عالم لازم و ضروری می‌داند. فقر و غنای زیاد



چه تدنی نمایند ملت خویش و وطن خود ترقی نماید تا در قوت و ثروت و اقتدار به این وسیله بر سائرین تفوق یابد و غلبه کند. اما انسان الهی و شخص آسمانی از این قیود مبراست و وسعت افکار و علویت همت او در نهایت درجه است و دائره‌ی افکار او چنان اتساع یابد که منفعت عموم بشر را اساس سعادت هر فردی از بشر داند و مضرت کل ملل یا دول را عین مضرت دولت و ملت خویش بلکه خاندان خود بلکه عین مضرت نفس خود شمرد. لهذا به جان و دل به قدر امکان بکوشد که جلب سعادت و منفعت از برای عموم بشر و دفع مضرت از عموم ملل نماید و در علویت و نورانیت و سعادت عموم انسان بکوشد فرقی در میان نگذارد. زیرا عالم انسانی را یک خاندان داند و عموم ملل را افراد آن خاندان شمرد بلکه هیأت اجتماعیه بشر را شخص واحد انگارد و هر یک از ملل را عضوی از اعضاء شمرد. انسان باد علویت همتش به این درجه باشد تا خدمت به اخلاق عمومی کند و سبب عزت عالم انسانی گردد. حال قضیه برعکس است جمیع ملل عالم در فکر ترقی خویش و تدنی سائرین‌اند بلکه در فکر جلب منفعت خود و مضرت دیگرانند و این را تنازع بقا شمرند و گویند اساس فطری عالم انسانی است. ولی این بسیار خطاست بلکه خطائی از این اعظم نه. سبحانه الله در بعضی از حیوانات تعاون و تعاضد بقا است ملاحظه می‌شود که در مورد خطر بر یکدیگر سبقت می‌گیرند. روزی در کنار نهری صغیر بودم ملخ‌های صغیر که هنوز پر بر نیآورده به جهت تحصیل رزق از این طرف نهر به طرف دیگر عبور می‌خواستند لهذا آن ملخ‌های بی‌بال و پر هجوم نمودند و هر یک بر دیگری سبقت گرفتند و خود را بر آب ریختند تا مانند پلی از این طرف نهر تا آن طرف نهر تشکیل نمودند و ملخ‌های دیگر از روی آنها عبور کردند و از آن سمت نهر به سمت دیگر گذشتند ولی آن ملخ‌هایی که در روی آب پلی تشکیل نموده بودند هلاک شدند. ملاحظه کنید که این تعاون بقا است به تنازع بقا مادام حیوانات را چنین احساسات شریفه‌ای، دیگر انسان که اشرف کائنات است چگونه باید باشد و چگونه سزاوار است علی‌الخصوص که تعالیم الهیه و شرایع سماویه انسان را مجبور بر این فضیلت می‌نماید. و در نزد خدا امتیازات ملیه و تقاسیم وطنیه و خصوصیت عائله و قیود شخصیه مذموم و مردود است. جمیع انبیای الهی مبعوث و جمیع کتب سماوی به جهت این مزیت و فضیلت نازل شد و جمیع تعالیم الهی محصور در این است که این افکار خصوصیت





لازم برای تعلیم و تربیت فرزندش را از او گرفت و اگر فقیر بود، بیت العدل اعظم مسئول تربیت و تعلیم فرزند است.

بر گرفتن سره از ناسره و تشخیص حق و عدل موضوعی است که در آیین بهائی مورد توجه قرار گرفته است و از آنجائیکه بسیاری از اختلافات و جنگ‌های میان دول و ملل و گروه‌های مختلف به دلیل نبودن یک مرجع رسیدگی قدرتمند می‌باشد و از آنجائیکه همواره اختلاف نظر و سلیقه بین گروه‌ها امکان پذیر است و چنانچه مورد رسیدگی سریع قرار نگیرد بیم جدال و درگیری می‌رود. دیانت بهائی نزدیک به ۱۵۰ سال پیش ایجاد یک محکمه کبری بین‌المللی را که مرجع حل اختلاف و بانی صلح و دوستی است را پیشنهاد کرده‌است. چنین دادگاهی امروزه به صورت دیوان لاهه در نظام سیاست بین‌المللی موجود است که به دعاوی بین حکومت‌ها و یا پرونده‌های جنایات جنگی و امثال آن رسیدگی می‌کند.

اما آنچه مبنای صلح جهانی در منظر آیین بهائی است چیزی جز انس و الفت میان اقوام مختلف بشریت نیست. از همین زاویه دید است که آیین بهائی رسالت انبیای پیش از خود را به رسمیت شمرده و باور دارد که پیامبران اصولاً برای برطرف کردن اختلافات بشر و به وجود آوردن الفت بین مردم ظاهر شده‌اند، لذا اگر دیانت هم که خود باید علاج اختلافات باشد سبب اختلاف و جنگ و جدائی شود، به گفته عبدالبهاء بی‌دینی بهتر از آن است.

دکتر هما محمودی در پایان گفتگوی مفصل خود با ایران‌شهر ضمن تقدیر از جایگاهی که کوشندگان بهائی با دست یابی به مدارج بالای علمی و تاثیرگذاری در عرصه‌های گوناگون به آن دست یافته‌اند می‌گوید: «در آیین بهائی اهمیت یک فرد به شهرت، ثروت، منزلت اجتماعی و یا بالا بودن رتبه شغلی او نیست، اهمیت یک شخص در کوشش او برای پیشرفت انسانیت معنی پیدا می‌کند و اینکه تا چه اندازه توانسته‌است در پیدایش و حفظ صلح و دوستی و اشاعه آزادی، عدل، انصاف و محبت موثر باشد. باور من این است که باید با مهر و انسان‌دوستی تلاش کرد تا در دیدگاه‌ها تغییر ایجاد شود و از انجاماد قلب‌ها جلوگیری کرد و اجازه داد تا جهان به سوی برابری و برادری پیش رود. به زعم من بهائیان در اقصی نقاط دنیا همانند شمع‌هایی هستند که برای پیشرفت جامعه بشریت به نور افشانی مشغولند.»

را نكوهش می‌کند و تامین حداقل معیشت را برای همه افراد انسانی ضروری می‌شناسد. و برای رسیدن به این هدف وضع قوانین و قواعد و نظامات مناسب را تاکید می‌نماید. بدیهی است توزیع منابع مهم‌ترین قسمت مبحث اقتصاد می‌باشد.

دیانت بهائی تعدیل و توزیع منابع ثروت را در سطح جهانی برای رفاه و آسایش عموم اهل عالم لازم و ضروری می‌داند. فقر و غنای زیاد را نكوهش می‌کند و تامین حداقل معیشت را برای همه افراد انسانی ضروری می‌شناسد. و برای رسیدن به این هدف وضع قوانین و قواعد و نظامات مناسب را تاکید می‌نماید. بدیهی است توزیع منابع مهم‌ترین قسمت مبحث اقتصاد می‌باشد. با این حال بهائیان معتقدند نیاز روحانی فارغ از درجه پیشرفت مادی است. آنها اعتقاد دارند که انسان‌ها علاوه بر نیاز مادی نیازمند مواردی روحانی هستند که به وسیله پیامبران ممکن است و لذا نیاز به تجدید ادیان وجود دارد.

اما با این حال ایشان سعادت بشر را در گرو رشد دانش تلقی کرده و بر همین اساس تعلیم و تربیت در دیانت بهائی فرض و واجب است و هر فردی که کوتاهی کند، از فضل حق محروم است. پدر و مادر و وظیفه دارند کودکان خود را تربیت کنند و تعلیم دهند؛ اگر در این امر کوتاهی نمایند، نزد خداوند از مقصرین به حساب می‌آیند. طبق متن کتاب اقدس اگر پدری در تربیت فرزندش کوتاهی نماید، باید هزینه



یادی از بهاییانی که به ایران خدمت کردند

دکتر ژینوس نعمت



دکتر ژینوس نعمت (محمودی) در سال ۱۳۰۸ در تهران به دنیا آمد. در دامان مادرش کمالیه اجزاجی که در آن اوقات معلم مدرسه تربیت دختران بود پرورش یافت و در نوزده سالگی با جناب هوشنگ محمودی ازدواج نمود و ثمره این ازدواج دو دختر و یک پسر است.

ایشان پس از اتمام دوران متوسطه در

رشته فیزیک دانشگاه تهران به اخذ درجه لیسانس و در علوم هواشناسی به اخذ درجه فوق لیسانس نائل آمد. قبل از آنکه سازمان هواشناسی در ایران تشکیل شود، ژینوس سرپرست تحقیق و تعلیم علوم جوئی هواشناسی بود و بعد از تشکیل مدرسه عالی هواشناسی، ریاست این مدرسه را عهده‌دار گردید. به علاوه تحقیقات او در هواشناسی دریایی همواره مورد توجه اولیای امور مملکتی بود و در حقیقت می‌توان او را بنیانگذار هواشناسی در ایران نامید.

از آثار او در رشته هواشناسی، تهیه و تنظیم اطلس هواشناسی ایران است که هنوز مورد استفاده موسسات مربوطه است. همانطوری که خود اظهار می‌داشت: «سازمان هواشناسی ایران را از یک اطاق کوچک که در فرودگاه مهرآباد قرار داشت، با زحمات طاقت فرسا تبدیل به یک سازمان مجهز نمود.» ژینوس محمودی به عنوان نماینده ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی هواشناسی و مبارزه با آلودگی هوا شرکت می‌نمود. ولی صد افسوس که معدودی از ایرانیان قدر این همه خدمت صادقانه را ندانستند و پاداش آن‌همه زحمات شبانه روزی را با گلوله داغ به جرم اعتقاد به دیانت بهائی دادند. او به قدرناشناسی نابخردان کاری نداشت. عشق او به ایران، آنقدر بود که برای اشاعه اعتقاداتش و فداکاری در راه خدمت به مردم دست از جان بشوید.

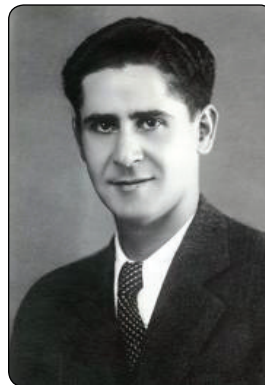
بعد از ربوده شدن اعضاء محفل ملی ایران به همراه دو نفر عضو هیئت معاونت، در حالی که همسر مهربان او جناب هوشنگ محمودی نیز یکی از افراد ربوده شده به دست دشمنان بود، به عضویت محفل ملی ایران در آمد و سمت ریاست محفل روحانی ملی را عهده دار بود.

ژینوس محمودی در دی ماه ۱۳۶۰ (دسامبر ۱۹۸۱ میلادی) در تهران به جرم بهائی بودن به ضرب گلوله کشته شد. از مزار او همسرش هیچ اطلاعی در دست نیست.

بی شک قلب همه ایرانیان از هر نژاد و مذهبی که باشند برای وطن مالوفشان می‌تپد و از هیچ تلاشی برای برافراشتن پرچم این سرزمین بر فراز قله‌های رفیع موفقیت کوتاهی نمی‌کنند. اما در دهه‌های گذشته جمهوری اسلامی با حذف نام کسانی که با داشتن باور به آیین بهائی در این راه سعی و مجاهدت کرده‌اند، تلاشی سیستماتیک برای قطع هرگونه ارتباط بین رشد ایران و جامعه بهائی را کلید زده است. آنچه در یکی دو صفحه پیش رو می‌آید در قالب معرفی چهره‌های شامخ علمی و ساعیان رشد و پیشرفت ایران، پاسخی است به این تلاش مذبحخانه سردمداران تهران. چرا بی شک بهائیان و به عبارت بهتر همه اقلیت‌های مذهبی به همان اندازه در رشد ایران نقش داشته‌اند که جامعه اکثریت نقش ایفا نموده است.

در صفحات پیش رو به انتخاب سرکار خانم دکترهما محمودی که در تکمیل پرونده این شماره مجله ایران‌شهر مشاوره امین برای تحریریه این مجله بوده‌است تنی چند از چهره‌های تاثیر گذار بهائی را که عمر خود را صرف خدمت به جامعه بشریت نموده‌اند و در پیشرفت ایران و ایرانی نقش وافر داشته‌اند به شما خوانندگان محترم ایران‌شهر معرفی می‌کنیم. لازم به یادآوری است در اولویت بندی معرفی این افراد هیچ قیدی لحاظ نشده است. ما باور داریم که یاد این عزیزان، چه آنها که امروز در بین ما نیستند و چه آنها که همراه زندگی ما هستند، راهگشای دریافتی درست از سکولاریسم مذهبی در آینده ایران است.

مهندس خلیل ارجمند



خلیل ارجمند، پروفیسور علوم مهندسی، یکی از مبتکران و صنعتگران برجسته، در سال ۱۹۳۷ صنایع ارج را تاسیس کرد و ساخت تعدادی از محصولات صنعتی ضروری برای اولین بار در ایران، به وی نسبت داده می‌شود.

بی تردید باید مهندس خلیل ارجمند را یکی از برجسته‌ترین کارآفرینان دوره انقلاب صنعتی در ایران دانست که با تبحر و تخصصی که در حوزه علوم فنی داشت توانست لقب پدر صنایع لوازم خانگی در ایران را به خود اختصاص دهد.

یکی از مهمترین دستاوردهای خدماتی مهندس ارجمند علاوه بر کارآفرینی، سهل الوصول کردن دسترسی خانواده‌های ایرانی به یخچال بود که موجب شد، مواد غذایی سالم‌تری در خانه‌های مردم نگهداری شود که به بهبود کیفیت زندگی ایرانیان خدمت بزرگی بود.



حبیب‌الله ثابت



اگر بگوییم حبیب‌الله ثابت پدر تلویزیون در ایران است پر بی‌راه نگفته‌ایم. این چهره شاخص تجارت و نوآوری در ایران که به سال ۱۲۸۲ خورشیدی در شهر همدان و از خانواده‌ای کلیمی الاصل پا به عرصه حیات گذاشت در دوران فعالیت و حیات خود نمونه بارز یک انسان موفق، تاثیرگذار و آینده‌نگر بود که در مراحل

گوناگون زندگی‌اش چه مناسبات اقتصادی و اجتماعی و چه مناسبات خانوادگی و عاطفی زبانزد خاص و عام قرار گرفت.

پیش از آنکه به زندگی اجتماعی حبیب ثابت اشاره‌ای داشته باشیم ذکر این نکته لازم است که او توسط یکی از دوستانش با دختری در رشت به نام باهره باقروف آشنا شد و با وی ازدواج کرد. این ازدواج که در ابتدا وجهای منطقی و حساب شده داشت، مبدل به زندگی عاشقانه گردید و تا پایان عمر ثابت، به طول انجامید. او بیشترین زمانی که از همسرش جدا بود، سه شب بود که طی سفری به مسکو یکی از همراهان محمد رضا شاه پهلوی بود.

وی تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس تربیت و سن لویی تهران انجام داد ولی تحصیلات دبیرستانی را نیمه تمام رها کرد و در یک دکان دوچرخه سازی کار کرد و سپس مدتی به مسافرتی پرداخت. سپس موفق به اخذ امتیاز حمل مرسولات پستی شمال کشور شد. آنگاه با جمع آوری سرمایه از بهائیان به فروش ماشین آلات نجاری روی آورد و کارخانه‌های مبل ثابت را تاسیس کرد که نخستین اقدام برای صنعتی کردن نجاری در ایران بود.

آشنایی حبیب‌الله ثابت با تلویزیون به صورت کاملاً اتفاقی بود. پسرش ایرج پس از اتمام تحصیلاتش در راه بازگشت به ایران، یک کیت مدار بسته تلویزیون را برای پدرش آورد. ثابت از آنجایی که از دوستان نزدیک مادر محمد رضا شاه پهلوی بود، برنامه‌ای شبانه در قصر مادر محمد رضا شاه در سال ۱۹۵۹ ترتیب داده شد. در یک اتاق دوربینی نصب شد و در اتاق دیگر تلویزیون قرار گرفت. حضار که برای اولین بار بود که تلویزیون را می‌دیدند، دختر کوچکی را بر روی پرده تلویزیون دیدند که آواز می‌خواند که این دختر کوچک همان گوگوش بود که بعدها یکی از نامدارترین خوانندگان پاپ ایران گردید. پس از این رویداد، چند ماه طول نکشید که ساکنان تهران صاحب تلویزیون گردیدند.

او که از اعضای محفل ملی بهائیان ایران بود از ثروت اش برای گسترش این دین در جهان بهره برد. او برای احداث محفل ملی بهائیان پاکستان، ساخت ایوان مقام اعلی در جبل کرمل، حظیره القدس بهائیان در هندوستان و... کمکهای مالی زیادی کرد.

ثابت سرانجام در فوریه ۱۹۹۰ در لس آنجلس دیده از جهان فرو بست.

مهندس حسین امانت



حسین امانت طراح و معمار برجسته کانادائی ایرانی به سال ۱۳۲۱ خورشیدی چشم به جهان گشود و دست تقدیر چنان کرد تا خالق سمبل بی‌همتای شهر تهران باشد. او که دانش آموخته دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران است، معمار طراح برج آزادی است که به مناسبت یادبود جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران و به عنوان نمادی از «ایران مدرن» و نشانی از «دروازه تمدن بزرگ» در سده

بیستم ساخته شد و هم چنین آرشیکت و طراح ساختمان‌های اولیه دانشگاه صنعتی آریامهر و بسیاری از سازه‌های دیگر در ایران و جهان می‌باشد.

پس از پروژه پیروزمندانه برج آزادی که تا پیش از انقلاب برج شهید نامیده می‌شد و دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف)، نظارت و سرپرستی ساخت موزه بزرگ پاسارگاد در نزدیکی آرامگاه کوروش کبیر به او واگذار شد. امانت هم چنین معمار و طراح شماری چند از مراکز صنایع دستی، مدرسه، کتابخانه و حتی یک شهرک تفریحاتی در ساحل دریای خزر بوده‌است. او بعدها با گسترش کار خویش بناهایی در بیرون از کشور را نیز طراحی نمود، از آن دست، سفارت ایران در پایتخت جمهوری خلق چین که متمایزترین سفارتخانه ناحیه دیپلماتیک در پکن است.

ساختمان مقر بیت العدل اعظم، از ساختمان‌های حول مقام اعلی، بارگاه باب در حیفا و بنای سفارت ایران در شهر پکن از دیگر سازه‌های طراحی شده به دست این چهره فاخر معماری ایران است.

دکتر ایرج ایمن



دکتر ایرج ایمن یکی از برجسته ترین نظریه پردازان علوم اجتماعی و روانشناسی ایران است که دستاورهای ارزشمند او در حوزه تربیت نیروهای متخصص و اساتید برجسته برای احیای علوم روانشناسی در ایران یکی از بی نظیرترین خدمات اجتماعی جامعه ایران در نیم قرن گذشته محسوب می‌شود.

او با اشاره به اهمیت تربیت روحانی انسان، مبدع خلاقیت‌های نوگرایانه در علوم روانشناختی و تربیت نسلی از

برجسته‌ترین روانشناسان ایران است که در خدمت به بشریت پیشگام بوده‌اند.

دکتر شاپور راسخ



دکتر شاپور راسخ که در ۱۹۲۴ از مادری مسلمان و پدری بهائی پا به جهان نهاد. او دکترای اقتصاد و جامعه‌شناسی خود را از سویس گرفت و پس از بازگشت به ایران در سازمان برنامه و بودجه دولت شاهنشاهی، با پایه‌گذاری سیستم آمار طبقاتی و مدرن‌سازی برنامه‌های مدون اجرایی کشور توانست پایه‌گذار رونق جامعه ایرانی باشد.

دکتر شاپور راسخ که تا سمت معاونت

سازمان برنامه ترقی کرد بر اساس باور بهائی که علم باید در خدمت جامعه بشری باشد، از تحصیلات و تجربیات خود در راستای مدرن‌سازی زیرساخت اجتماعی ایران بیشترین بهره را برد و توانست جایگاه و نقش علوم اجتماعی را در پیشرفت جامعه ایران و فرهنگ اجتماعی بر اساس رونق اقتصاد و رفاه به درستی تبیین نماید و

او در همه این سال‌ها کوشید تا از بودجه نظامی ایران کاسته و به بودجه‌های رفاه اجتماعی و آموزشی دولت‌های وقت بیافزاید.

او پیش از انقلاب به سویس رفت و همچنان در این کشور زندگی می‌کند.

دکتر هدی محمودی



دکتر هدی محمودی آخرین فرزند دکتر جلیل محمودی است که در سال ۱۹۴۹ میلادی در تهران چشم به جهان گشود و در ده سالگی به همراه خانواده به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد.

دکتر هدی محمودی که تحصیلات خود را در دانشگاه یوتا با مدرک دکترای جامعه‌شناسی به پایان برده است اینک رییس کرسی صلح بهائی در دانشگاه مریلند است و مجموعه فعالیت‌های او در حوزه درک جایگاه ممتاز زنان در

پایداری صلح و دست‌یابی به جهانی عاری از خشونت یکی از موثرترین فعالیت‌های آکادمیک در حوزه بازشناسی نقش زن در جامعه امروز دنیاست.

دکتر هدی محمودی صاحب تالیفات گسترده‌ای در حوزه جامعه‌شناسی است که مطالعه آنها در پیدایش درکی نو از موضوع صلح در جامعه امروز تاثیر بسزایی داشته است.

او هم‌اینک یکی از برجسته‌ترین اساتید دانشگاهی ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود.

مهندس هوشنگ سیحون



مهندس هوشنگ سیحون در شهریور ۱۲۹۹ چشم به جهان گشود و در کوله بار عمر رفته اش افتخار استادی معماری و ریاست دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را داراست.

اما آنچه این معمار و نقاش صاحب سبک ایرانی را از دیگران متمایز می‌کند کارنامه درخشان او در طراحی مقبره نام‌آوران ایرانی است که در آن میان می‌توان به آرامگاه بزرگانی همچون خیام، کمال الملک، بوعلی سینا، نادرشاه افشار،

کلنل محمدتقی خان پسیان و ده‌ها مقبره و آرامگاه دیگر و نیز طراحی بنای «موزه توس» در سال ۱۳۴۷ و همچنین ساختمان بانک سپه در میدان توپخانه تهران اشاره کرد.

سیحون در کنار معماری، به نقاشی از مناظر و روستاهای ایران می‌پرداخت. آثار وی در نمایشگاهی در دانشگاه ماساچوست در سال ۱۹۷۲ در کنار آثار هنرمندانی چون پیکاسو و سالوادور دالی به نمایش درآمد. این نمایشگاه تابلویی از «کلاف‌های خطی» را به نمایش گذاشت که در آن از خطوط موازی و پر پیچ و تاب استفاده کرده بود، که همدیگر را قطع نمی‌کردند. دانشگاه‌هایی مثل MIT، هاروارد، واشنگتن و برکلی مجموعه‌ای از نقاشی‌های او را گردآوری کرده و نگهداری می‌کنند.

مهندس فریبرز صهبا



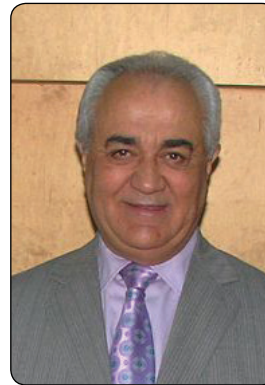
فریبرز صهبا متولد ۱۹۴۸ در مشهد، فارغ‌التحصیل رشته معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و اکنون مقیم کانادا است.

وی آثار معماری بسیاری از خود بجای گذاشته است که از آن جمله می‌توان به مرکز تولیدات صنایع دستی تهران، طرح جدید ماهشهر در مازندران، مرکز فرهنگی پهلوی در سنندج، مدرسه هنر سنندج، مرکز فرهنگی نگارستان و معبد لوتوس در دهلی نو هند اشاره کرد که بنای مشرق

الاذکار بهائیان هند است. همچنین بنای طبقاتی بهائیان در حیفا اسرائیل نیز از آثار بزرگ دیگر اوست. او برنده جوایز متعدد بین‌المللی است.

نگاه متفاوت و وحدت‌گرایی که در آثار او نهفته است نوعی روحانیت ویژه به آثارش بخشیده است. جالب است بدانید ۴۰۰ مقاله تا کنون راجع به آثار وی در جراید معتبر جهان منتشر گردیده است.

دکتر فرهنگ هلاکویی



فرهنگ هلاکویی متولد دهم شهریور ماه ۱۳۲۳ در شهر شیراز است. او دارای مدرک دکترای رشته «جامعه‌شناسی» و سه فوق‌لیسانس در رشته‌های «روانشناسی»، «اقتصاد» و «مشاوره ازدواج، خانواده و کودکان» است. او پیش از انقلاب استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بوده است.

دکتر هلاکویی پس از به پایان بردن تحصیلاتش در آمریکا در سال ۱۳۵۳، به ایران بازگشت. مدت زمانی سرپرست

«کمیته فرهنگی - اجتماعی» در «معاونت برنامه ریزی و سیاست گذاری» سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران بود و همچنین در دانشگاه تهران نیز به تدریس می‌پرداخت. هلاکویی پس از چند سال برای تحقیق در دانشگاه یوتا به آمریکا بازگشت.

او مدیر مرکز بهزیستی بورلی هیلز است و به عنوان مشاور ازدواج، خانواده و کودکان در این مرکز مشغول به فعالیت است. وی همچنین از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون برنامه تلویزیونی و همچنین رادیویی «رازها و نیازها» را اداره و اجرا می‌کند که در آن به پرسش‌های تلفنی مخاطبان فارسی زبان از سراسر دنیا، درباره مسایل روانشناسی - اجتماعی - خانواده و دیگر موارد وابسته می‌پردازد و جنبه‌های مختلف آنان را مورد بحث قرار می‌دهد. وی همچنین سمینارهای دوره‌ای رانیز درباره مسایل روانی مربوط به رفاه و بهزیستی در شهرهای مختلف اروپا و آمریکا برپا می‌کند.

آثار علمی مکتوب او شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- پایان نامه دکتری در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه یوتا با عنوان «تحلیلی جامعه‌شناختی بر انقلاب مشروطیت ایران».

۲- کتاب «جامعه امروز» که ترجمه و اقتباس از کتاب Society today است که متنی درسی و دانشگاهی برای آشنایی با مفدمات علم جامعه‌شناسی است.

۳- مقاله «مطالعه‌ای تجربی روی ایرانیان ساکن آمریکا: تمایل به بازگشت به زادگاه به عنوان تابعی از ترجیح زبان گفتار».

نقش پر رنگ فرهنگ هلاکویی در ایجاد روحیه انجام مشاوره در جامعه ایرانی دستاورد بزرگی است که به رویکرد زندگی سالم‌تر برای ایرانیان دامن زده است. وقتی این مهم بیش از پیش خودنمایی می‌کند که بدانیم جامعه ایرانیان به دلایل گوناگون کمتر علاقمند به بیان مشکلات خانوادگی خود بوده است و به همین میزان دریافت کمتری از مناسبات علمی ناشی از پیشرفت علوم روانشناختی را در زندگی روزمره خود مورد بهره قرار داده است. رویکرد دکتر هلاکویی در فراگیر کردن استفاده از مشاوره متخصصان در زمینه نارسایی‌های خانوادگی و اجتماعی به این امید دامن می‌زند که در نسل‌های آینده، خانواده‌های ایرانی با مشکلات کمتری در مناسبات رفتاری خود مواجه باشند.

حسن موقر بالیوزی



حسن موقر بالیوزی (زاده ۱۶ شهریور ۱۲۸۷ شیراز، درگذشته ۲۳ بهمن ۱۳۵۹ لندن) بنیانگذار، مدیر و اولین گوینده بخش فارسی بی‌بی‌سی بود. پدرش موقرالذوله و مادرش منورخانم بودند. در سال ۱۳۰۰ و پس از مرگ پدرش، لقب موقرالذوله به او رسید. در بیروت و انگلستان تحصیل کرد و ساکن لندن شد. از سال ۱۹۳۷ - ۱۹۶۰ رئیس محفل روحانی بهائیان بریتانیا گردید. وی اندکی پیش از مرگ شوقی افندی در سال ۱۹۵۷، یکی از ایادی امرالله

اولین کنگره جهانی بهائیان با تلاش او سازماندهی شد. در همان زمان (اردیبهشت ۱۳۴۲) تسهیلاتی که اسدالله علم برای سفر و شرکت بهائیان در این کنگره فراهم کرد، مورد اعتراض روح الله خمینی قرار گرفت.

او در راستای رسالت خود به نگارش کتابی پیرامون زندگی عبدالبهاء تحت عنوان «بیوگرافی عبدالبهاء» به زبان انگلیسی مبادرت ورزید که در سال ۱۹۹۱ انتشارات جرج رونالد آکسفورد آن را منتشر کرد. مینو ثابت با نام «بهاءالله، شمس حقیقت» این کتاب را به فارسی ترجمه کرده است.

عبدالکریم ایادی



دکتر عبدالکریم ایادی پزشک مخصوص محمدرضا شاه پهلوی و یکی از سرشناس‌ترین چهره‌های ایرانی است که به گواه تاریخ تاثیر بسزایی در طرح‌های عمرانی ایرانی در دوره‌ای از سلطنت پهلوی دوم داشته است.

در سالهای میانی دهه ۱۹۵۰، ایادی از نزدیک‌ترین محرم‌های اسرار محمدرضا شاه پهلوی بود. او به خوبی می‌دانست که چگونه از این نزدیکی، فرصتهای مغتنمی برای رشد ایده‌های خلاقانه بیافریند. در

سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، قدرت سیاسی و اقتصادی ایادی رشد سریعی داشت و به طبع آن توانست در روند رشد جامعه ایران تاثیر مثبتی داشته باشد.

گفته شده است که مشاوره‌های سازنده او به شاه وقت ایران در رونق اقتصادی و فرهنگی کشور بسیار تاثیر داشته است. او را یکی از پر نفوذترین بهائیان ایران در طول تاریخ قلمداد کرده‌اند. وی سال‌های پایانی عمرش را در پاریس سپری کرد.

دکتر امین بنائی



دکتر امین بنائی از برجسته ترین چهره‌های تحقیقاتی ایرانی آمریکایی است. او که از دامان خانواده موسیقی دان و هنرپرور برخاسته است همزمان با سال‌های جنگ جهانی دوم به ایالات متحده آمریکا مهاجرت می‌کند و با صرف سال‌ها وقت در حوزه تحقیق و تدریس به یکی از برجسته ترین اساتید تاریخ در نظام آموزش عالی ایالات متحده آمریکا مبدل می‌گردد.

یکی از درخشان ترین فعالیت‌های او جمع‌آوری موسیقی‌های محلی ایران است که او را می‌دارد تا شهر به شهر و روستا به روستا به دنبال ضبط و حفظ این موسیقی‌ها سراسر خاک ایران را بپیماید.

دکتر بنائی با پایه‌گذاری مرکز ایران‌شناسی در دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس به شناخت بهتر ایران به دیگر ملل جهان تاثیر چشمگیری ایفا کرد. او در دهه ۱۹۵۰ به اتفاق همسرش به یونان مهاجرت می‌کند و در شکل‌گیری محفل ملی بهائیان آن کشور نقش بسزایی ایفا می‌نماید. دکتر بنائی از چهره‌های علمی قابل تقدیر جامعه ایرانی آمریکایی است.

دکتر موژان مومن



دکتر موژان مومن، دین‌پژوه و محقق ایرانی که سالیان متمادی از عمر خود را صرف تحصیل در حوزه تاریخ تطبیقی ادیان کرده است و در زمینه آیین بهائی و شیعه در اسلام تحقیقات و تالیفات گسترده‌ای را به بازار اندیشه بشری ارائه نموده است.

این دانش‌آموخته ممتاز دانشگاه کمبریج در انگلستان، تحقیقات گسترده‌ای در بازشناسی ادیان و موضوعات عرفان دینی و تلاش جامعی از شناخت مفهوم معنویت

برای انسان در طول تاریخ کرده است که به بازگشایی پنجره‌ای نو در درک درست تاریخی و به دور از خرافات از باورهای مذهبی و نیز فهم مناسب از مناسبات تاریخی منجر به رونق ادیان به دست می‌دهد.

تالیفات و تحقیقات او که بیشتر روی موضوع مذهب شیعی در اسلام و آیین بهائی تمرکز دارد و از کامل‌ترین تحقیقات تاریخی در زمینه این دو آیین تلقی شده و جزو تحقیقات مرجع دانشگاهی محسوب می‌گردد که توانسته‌است حقایق تاریخی را به خوبی به نمایش گذارد.

مهرآز احسانی



مهندس مهرآز احسانی از دانش‌آموختگان رشته معماری در انگلستان و پس از آن در دانشگاه برکلی در ایالت کالیفرنیا است. او که پس از اتمام تحصیلاتش و با اینکه در برکلی به عنوان استاد مشغول به تدریس بود با شوق به آبادانی سرزمین مادریش ایران به این کشور باز می‌گردد با ممانعت حکومت در احیای فعالیت‌ها مواجه می‌شود که سرانجام به خروج او مصادره اموال خانوادگی‌شان در ایران همراه است.

اما شوق خدمت به بشریت او را راهی کشور کنیا در قاره آفریقا می‌کند و ثمره حضور سه دهه از زندگی او در آفریقا در تاسیس شهرک‌هایی که به تولید کار، امکانات زندگی و معیشت سالم و نیز امکان گسترش تحصیلات و رفاه برای شهروندان این کشور فقیر آفریقایی است، می‌انجامد.

مهرآز احسانی نمونه کاملی از یک انسان جهان وطن است که با پیام صلح و مهربانی و اخلاق و بدور از تعصبات قومی و مذهبی، امروز در قلب آفریقا شکوه انسان دوستی و خدمت به بشریت را به منصفه ظهور رسانده است. او در این راه هم عروس و هم داماد خود را از قبایل بومی منطقه برگزیده است و هم با فرهنگ و آداب و زبان این اقوام بومی ارتباط نزدیک برقرار کرده است.

تیمسار علی محمد خادمی



تیمسار علی محمد خادمی در سال ۱۲۹۲ خورشیدی چشم به جهان گشود و با طی مدارج تحصیلی به یکی از موفق‌ترین مردان ایران مبدل گشت تا آنجا که لقب پدر صنایع هوایی ایران را از آن خود کرد. او به بعد ها به درجه نظامی سپهبد نیروی هوایی و مدیر عاملی هواپیمایی ملی ایرانیان (هما) رسید، تحصیلات عالی تخصصی خود را در انگلستان و آمریکا انجام داد و در نیروی هوایی مشاغل را تا رییس ستاد احراز کرد.

سپس هما را بنیانگذار و به عنوان نخستین مدیر عامل آن منصوب شد، مدتی هم آجودان شاه هم بود. در سال ۱۳۵۶ از مقام خود استعفا کرد. صنعت هواپیمایی تجاری و مسافربری ایران در دوران مسئولیت او رشد چشمگیری کرد و هواپیمایی ملی ایران در زمره یکی از پیشرفته‌ترین ناوگان‌های حمل و نقل هوایی جهان قرار گرفت.



پیام اخوان



دکتر پیام اخوان در دانشگاه مک گیل مونترال درس حقوق بین الملل می‌دهد، ولی این همه فعالیت‌های او نیست. او نزدیک به دو دهه است که پیگیر موارد نقض حقوق بشری است، اولین دادستان جنایات جنگی سازمان ملل در امور یوگوسلاوی و رواندا بود.

او اخیراً نهادی به نام مرکز اسناد حقوق بشر ایران دایر کرده است و معتقد است که بسیاری از مقامات گذشته و حال جمهوری اسلامی ایران به سبب اعدام‌های

گسترده سیاسی در زندان‌های ایران در سال ۱۳۶۷ باید در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه شوند.

پیام اخوان را می‌توان یکی از چهره‌های پیگیر و فعال حقوق بشری ایرانی الاصل قلمداد کرد که بی‌هیچ اغراقی در سطح بین‌المللی فعال بوده است و نسبت به ظلم و تعدی به حقوق انسان‌ها در هر کجا دنیا که باشد به اعتراض برخاسته است. او به اساس برابری انسان معتقد است و از همین رو تلاش گسترده‌ای در کارزار بین‌المللی حقوق بشر در دو دهه گذشته به عهده داشته است.

لیلی آهی



لیلی آهی در سال ۱۹۲۹ در تهران و در یک خانواده مسلمان دیده به هستی گشود. او که دختر مجید آهی وزیر راه وقت ایران بود که راه آهن سراسری ایران در دوران او پایه‌گذاری شد، تحصیلات خود را در رشته روانشناسی کودک و تعلیم تربیت در دانشگاه تهران به اتمام رسانید.

او یکی از پایه‌گذاران شورای کتاب کودک در ایران است که سال‌ها در همین شورا مسئولیت‌های مختلف را به عهده داشت و تدوین نظام آموزشی کودکان

و تدریس زبان فارسی را متحول ساخت و با بررسی‌های مکرر در زمینه آموزش کودکان توانست از پایه‌گذاران روند رشد علمی و ادبی کودکان ایران را پاشد.

لیلی آهی بعد از انقلاب مجبور به جلائی وطن شد و او که به دلیل دیدار فرزندان‌ش رویا و صبا ایمن که هر دو از اساتید دانشگاهی در ایالات متحده هستند به این کشور آمده بود، از بازگشت به ایران بازماند.

پروفسور منوچهر حکیم



پروفسور منوچهر حکیم در سال ۱۲۹۸ در شهر تهران در خانواده‌ای مومن و ممتاز و مورد احترام، متولد گردیدند. ایشان دوره دبستان را در مدرسه تربیت و دوره دبیرستان را در مدارس البرز و ثروت گذرانیدند. در سال ۱۳۰۸ جزو محصلین دولتی برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی، عازم فرانسه شدند. طی نه سال دوره عمومی طب و دوره تخصصی تشریح را به پایان رساندند.

در سال ۱۳۱۷ با خانمی فرانسوی به نام ژرمن لاوندی ازدواج نموده و سپس به ایران مراجعت نمودند. پس از اتمام دوره نظام وظیفه در دانشگاه تهران استخدام شدند. پس از دو سال مجدداً به فرانسه باز گشتند و پس از گذراندن دوره تخصصی در رشته داخلی و گذراندن امتحانات رسمی دولتی کشور فرانسه و اخذ عنوان پروفسور، به ایران مراجعت نمودند.

مدت سی سال در دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق پرداختند و مواردی از کشفیات ایشان در کتب علمی طب ثبت گردیده است. پروفسور حکیم به دفعات در مجامع و کنفرانس‌های طبی مشارکت داشتند و مدت دو سال نیز در کشور آمریکا به تحقیق پرداختند.

ایشان از نظر همکاری در فعالیت‌ها و خدمات، فردی ممتاز و نمونه بودند. سالیان متمادی در خدمات امری مشغول بودند و سال‌ها به عضویت محفل روحانی ملی بهائیان ایران انتخاب شده بودند. هنگام از دست دادن جان نیز این مسئولیت را عهده دار بودند.

ایشان خدمات زیادی در توسعه و تکمیل بیمارستان میثاقیه (بیمارستانی در تهران که به کوشش بهائیان تأسیس و اداره می‌شد) متحمل شدند و سال‌ها به عنوان رئیس هیئت مدیره انجام وظیفه می‌نمودند. طبیی حاذق و انسانی شریف و مهربان بودند. مردم تهران از یار و اغیار در مواقع بیماری به مطب ایشان پناه می‌بردند و بسیاری از افراد سلامتی خود را مرهون آن وجود مبارک می‌دانستند.

جناب دکتر حکیم از سی سال قبل از شهادت، منزلی در خیابان تخت جمشید غربی، نبش خیابان کیوان ابتیاع کرد و مطب خود را پس از سالها از خیابان فردوسی به این محل منتقل نموده بود. در همین جا بود که در حدود ساعت پنج و نیم بعدازظهر روز دوشنبه بیست و دوم دی ماه ۱۳۵۹ برابر با دوازده ژانویه ۱۹۸۱ به دست اشخاصی ناشناخته کشته شد.

مراسم کفن و دفن ایشان در گلستان جاوید تهران با حضور بسیاری از ایرانیان، اعم از بهائئی و مسلمان انجام شد و جلسات تذکر در نهایت درجه احترام برای ایشان برگزار گردید.



ماه مهر گلستانه

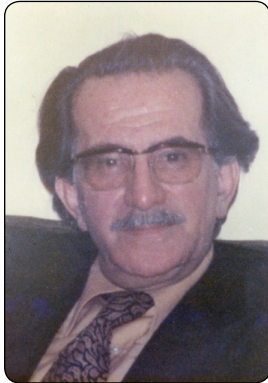


ماه مهر گلستانه از آن دسته هنرمندانی است که هنر خود را برای رساندن پیام حقیقی خلق بشر یعنی برابری، عدالت و مساوات به محملی گویا مبدل ساخته است.

این بانوی هنرمند ایرانی که اینک در جنوب شرق ایالات متحده آمریکا ساکن است، با آثار برجسته هنری خود در حوزه نقاشی و کتاب‌های ارزشمندی که به یاد قربانیان تبعیض مذهبی در ایران (جامعه بهائیان) به رشته تحریر درآورده است

زبان گویای نسل خاموشی از ستم‌دیدگان جامعه بهائیان در ایران است که هیچ آثاری از وجودشان در دست نیست. مهرماه گلستانه که تزئین داخلی تالار رودکی و ساختمان وزارت کشاورزی در ایران را در پرونده هنری خود دارد در این سوی دنیا نیز همچنان به عنوان یکی از معماران داخلی توانا به دامنه‌های فعالیت کاری خود افزوده است و سبک خاص او در خلق آثار هنری که ابداع اوست این روزها از طرفداران بسیاری برخوردار است. او در زندگی خود رسالت هنری اش را مصروف ابراز حقیقت آزادی اندیشه، باور و بیان گذاشته است و از هر فرصتی برای پیشبرد این هدف بهره جسته، تا زبان گویای کسانی باشد که فقط به جرم باور و عقایدشان در ایران در شرایط نامطلوب زندگی می‌کنند.

عبدالحسین تسلیمی



مهندس عبدالحسین تسلیمی در تاریخ بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۰۰ شمسی در شهر قزوین متولد گردید. او تا سال ۱۳۳۷ در شهرداری تهران با مقام مدیر کل فنی شهرداری مشغول به فعالیت بود و در این ایام منشی محفاروحانب بهائیان تهران بود. در سال ۱۳۴۱ در صاحبقرانیه سکونت نمود و به عضویت محفل آن قسمت انتخاب گردید. از طرف بیت العدل اعظم الهی به معاونت حقوق الله و مدیریت شرکت امنا منصوب گردید. شرکت امنا با

زحمات شبانه روزی مهندس تسلیمی به صورت موسسه نمونه بهائیان در آمد. و تا عضویت در محفل ملی بهائیان ایران به خدمت به جامعه مشغول بود. سرانجام بعد از ظهر روز سی ام مرداد ماه ۱۳۵۹ در جلسه‌ی محفل ملی و با حضور دو تن از معاونین ایادی، توسط چند نفر (که خود را مأمورین گروه ضربت سپاه پاسداران معرفی کرده بودند) ربوده شد و با وجود مراجعات مکرر به تمام مراجع دولتی از وجود آنها اثری به دست نیامد. عبدالحسین تسلیمی از آن دسته از رهبران بهائیان است که هیچ نشانی از محل دفن و یا حتی زنده و یا مرده بودنشان در دست نیست.

دکتر مهری راسخ



دکتر مهری راسخ را بی اغراق می‌توان یکی از نخبه‌گان روانشناسی کودک در تاریخ معاصر ایران برشمرد که سوابق ممتاز علمی و دانشگاهی اش از حدود این نوشته کوتاه خارج است. او نخستین روانشناسی است که این علم را به رادیو ایران می‌برد و پایه گذار آموزش همگانی مشاوره و روانشناسی خانواده می‌شود.

دکتر مهری راسخ که تحصیل کرده سوییس است، در دانشگاه تهران نیز به همراه همسرش دکتر شاپور راسخ مرکز تحقیقات اجتماعی ایران را دایر نموده و در بازشناسی جامعه مدرن ایران در سال‌های دهه ۵۰ خورشیدی نقش فعالانه‌ای ایفا می‌کند تا آنجا که از سوی مذنبون متحجر به وسیله جاقو در دفتر کارش ترور (ناموفق) می‌شود. دکتر مهری راسخ را می‌توان سمبل پیشرفت زنان در جامعه ایران تلقی کرد که از خانواده‌ای مومن به آیین بهائیان برخاسته بود.

فرشاد مهجور



فرشاد مهجور بنیانگذار و مدیر شرکت فونمنکس می‌باشد. این شرکت که در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ شمسی) کار خود را آغاز نموده، در حال حاضر یکی از شرکتهای پیشرو دنیا در زمینه تأمین محصولات کروماتوگرافی (رنگ نگاری) برای صنایع شیمیایی و بیوشیمیایی می‌باشد.

فرشاد بسیار مقتخر است که شرکت وی نقش مهمی در زمینه های زیر دارد: کشف داروهای جدید برای نجات جان انسانها و افزایش طول عمر مردم، بهبود محیط

زیست، بهبود کیفیت تمامی انواع محصولات، تأمین مواد خوراکی سالم تر و ...

جالب اینجاست که اساس موسسه متبوع وی بر پایه باورهای بهائیان متمرکز شده است که عدالت و خدمت به بشریت را در سرلوحه خود قرار می‌دهد. اهمیت ارتباط با جامعه و ارزشهای انسانی به خوبی در بیانیه رسالت شرکت وی آشکار است. او اخیراً به همراه برادر ولیعهد انگلستان از بالای بلندترین برج لندن برای کمک به یک پروژه خیریه به پایین پریدند.

چرا این همه نفرت و کینه علیه بهائیان؟

مجید محمدی (جامعه شناس)



از امکانات و مزایای دولتی محروم هستند، آنها را از حقوق مدنی محروم می کنند، بهائیان باورمند را صرفاً به دلیل عدم بازگشت از دین خود اعدام می کنند و از هرگونه جرم و جنایت علیه آنها خودداری نمی ورزند؟

درون دینی یا برون دینی

در دین بهائی هیچ عنصر ویژه‌ای وجود ندارد که در دیگر ادیان غائب باشد. شاکله‌ی دین بهائی شبیه دیگر ادیان است (باور به امری مقدس، پیام آور، زندگی پس از مرگ، مراسم و آیین‌هایی خاص، تقویم ویژه، دعا و زیارت، و دستورات مذهبی). این طور نیست که در این دین مولفه‌ها و عناصری باشد که در دیگر ادیان به طور کلی غائب باشد تا موجب این همه دشمنی شده باشد. همچنین بهائیان هویت خود را در نفی و سلب دیگران تعریف نمی کنند و به اعمال خشونت آمیز نیز تمسک پیدا نکرده‌اند تا این امور را مایه‌ی دشمنی برخی از شیعیان علیه آنها بینداریم.

البته شیعیان دروغ‌های بزرگی مثل جواز ازدواج با محارم را به دین بهائی نسبت داده‌اند تا از آنها دیوی در جامعه‌ی ایران بسازند. (افراد مسلمان یا مسیحی نیز ممکن است همانند یک بهائی مرتکب زنا یا محارم بشوند و این بخشی از آیین آنها نیست) اگر غیر

زادگاه و مهد دین بهائی ایران است و دین بهائی را در دنیا به عنوان یک دین ایرانی با پیام جهانی می شناسند. زبان اصلی بسیاری از متون مقدس این دین فارسی است. این دین بیشترین قرابت را با اسلام دارد و نقطه‌ی پرش آن نقد اسلام بوده است. بهائیان بیش از یک سده در کنار دیگر ایرانیان با صلح زیسته‌اند و هیچگاه علم جدایی و فاصله با دیگر ایرانیان بر نیافرشته‌اند. بهائی شدن مردمانی از دیگر کشورها نیز نوعی دریچه برای آشنایی آنها با فرهنگ و رسم و رسوم و اندیشه‌های ایرانیان بوده است.

این عوامل به جای آن که ایرانیان مسلمان باورمند را به بهائیان نسبت به دیگر اهل ادیان نزدیک تر سازد متأسفانه موجب دوری آنها از بهائیان شده است. علت چیست؟ چرا بهائیان و دین بهائی مبعوض ترین دین برای روحانیون شیعه و طرفداران آنها بوده و در ۳۴ سال اخیر بیشترین ظلم علیه آنها (در قیاس با دیگر ادیان و مذاهب در ایران) وارد آمده است؟ مگر بهائیان ایرانی غیر از تمسک به دین و آیین خود چه کاری علیه دیگر هموطنان خود کرده‌اند که برخی از شیعیان تا این حد علیه بهائیان بغض و کینه دارند که قبرستان آنها را تخریب می کنند، اموال آنها را ضبط و توقیف می کنند، آنها را شکنجه می کنند، رهبران آنها را به زندان می اندازند، خانه‌های آنها را خراب می کنند، آنها را در ادارات دولتی استخدام نمی کنند و



روحانیت معتقدند که همه‌ی پیروان آنها به دوزخ می‌روند و (۲) هر روزه نهادها و باورمندان این ادیان تحت فشارهای رسمی و غیر رسمی هستند و آزادی‌های مذهبی آنها نقض می‌شود. اما این ادیان به دلیل قدیمی بودن و قدمتی به اندازه یا بیش از دین شیعه تحمل می‌شوند اما حقوق و آزادی‌های پیروان آنها به اندازه‌ی حقوق و آزادی‌های شیعیان باورمند به ولایت فقیه نیست. اما بهائیان حق تحصیل و زندگی و شغل و مسکن و حتی قبرستان ندارند چون این دین قرن نوزدهمی است. از این جهت این دشمنی را تا حدی می‌توان به متاخر بودن این دین نسبت داد، گویی که هر دین جدیدی «نادرست» تر و «کفرآلودتر» از ادیان قدیمی تر است و باید بیشتر نسبت بدان دشمنی ورزید.

دین بهائیی عملاً ادعای خاتمیت دین اسلام را به چالش می‌گیرد. مسلمانان بانوعی خود شیفتگی مذهبی بر این باورند که آنها آخرین عزیز دردانه‌های خدا هستند که خداوند پیامی را بدانان انتقال داده است. از همین جهت اگر کسی ادعای وحی یا نبوت داشته باشد با خشن‌ترین رفتارهای آنان مواجه می‌شود. آنها در بازار دین ادعا دارند که آخرین مغازه را تاسیس کرده‌اند و بعد از آن کسی نباید به این بازار وارد شود.

تصور پایان موعودگرایی

علی محمد باب (که البته حساب وی از بهاء الله بنیانگذار دین بهائیی جداست) از نگاه بسیاری از شیعیان بنیان گذار دین بهائیی است. علی محمد باب با ادعای امام زمان بودن به چهره‌ای چالش برانگیز تبدیل شد، موضوعی که به مهدویت و موعودگرایی شیعه پایان می‌بخشد. این امر چالش بسیار بزرگی برای روحانیت شیعه بود چون آینده و تاسیس دولت جهانی و همه‌ی وعده‌ها و وعیدهای رهبران شیعه را از آنها باز می‌سنانند. گروه یا کسانی که آب به لانه‌ی مورچگان می‌ریزند نمی‌توانند منتظر خشم و نفرت آنان نباشند. دین بهائیی چالشی بسیار بزرگ برای کسب و کار روحانیون شیعه بوده است و از این جهت به صورت یک تهدید بدان نگاه می‌کنند.

افسانه‌ی دین انگلیسی

حدود دو قرن است که روحانیت شیعه هر دین و آیین و ایده و نظر و گروه و نهادی را که از آن پیروی نمی‌کند و بدان انتقاد دارد وابسته به خارج معرفی می‌کند. وجود دول قدرتمند اروپایی با مستعمرات گسترده این انتساب را تسهیل کرده است. حتی یک مورد از مخالفان یا منتقدان روحانیت شیعه و حکومت دینی (حتی تا حد روسای جمهور جمهوری اسلامی، از بنی صدر تا احمدی نژاد، که در موضوعاتی برخی روحانیون شیعه را به چالش گرفته‌اند) سراغ نداریم که به وابستگی به بریتانیا، ایالات متحده و دیگر دول غربی (و در دوره‌ای اتحاد جماهیر شوروی) و کار برای سازمان‌های جاسوسی آنها متهم نشده باشد. وقتی یک اتهام تا این حد گستردگی دارد طبعاً نیازی به رفع اتهام نیست، گرچه به بیان فقهای شیعه البینه علی المدعی (آوردن دلیل وقوع جرم بر عهده‌ی مدعی است).

عقلانی بودن باورها مد نظر باشد اصولاً باورهای دینی را نمی‌توان با ترازوی عقل سنجید و این مختص دین بهائیی یا یهودی یا اسلام نیست. جالب است که مسلمانان احترام هندوها به حیوانات را مورد تمسخر قرار می‌دهند اما عبودیت در برابر دیگر انسان‌ها (ولی فقیه در اسلامگرایی شیعه) برای آنها عادی و حتی ضروری است. بنابر این علت خصومت و تنفر را نمی‌توان در آموزه‌های بهائیی جستجو کرد و باید به سراغ عوامل برون دینی (بیرون از دین بهائیی) برای یافتن علل این تنفر و خصومت گشت.

انحطاط تاریخی روحانیت شیعه

دین بهائیی هنگامی عرضه شد که روحانیت شیعه در دوران حسیض خود پس از دولت صفوی به سر می‌برد. هنگامی که یک نهاد اجتماعی در ضعیف‌ترین شرایط خود به سر می‌برد هر گونه حرکتی را به معنای پایان دوران یا تیر خلاص خود می‌گیرد و با آن بیشترین مخالفت و دشمنی را پیدا می‌کند. دشمنی و خصومت شیعیان ایرانی وفادار به روحانیت شیعه و مراجع این دین نسبت به دین بهائیی (و دیگر ادیان و باورها در ایران) ناشی از احساس ضعف عمیقی است که در دوران اخیر داشته‌اند.

حتی سیاسی شدن بخشی از روحانیون شیعه و تلاششان برای کسب قدرت سیاسی ناشی از احساس ضعف در پاسخ «دینی» به نیازهای زمانه بوده است. روحانیون تصور می‌کرده‌اند که با به راه انداختن گروه‌های ضد بهائیی، ضد مسیحی، ضد روشنفکری، ضد سنی یا کسب قدرت سیاسی می‌توانند خود را از ذلت نظری و بحران معنوی که در آن درگیر هستند رهایی بخشند. مشکل روحانیت شیعه در ایران مدرن نه رقبا آن بلکه تعالیم و آموزه‌ها و گرایش‌ها و روش‌های آن است. از همین جهت سرکوب مخالفان و دگر اندیشان و دگر باوران هیچ کمکی به روحانیت شیعه در بسط ایده‌ها و آموزه‌های خود نکرده است.

نارواداری

روحانیت شیعه یک نهاد ضد تساهل و مداراست. تاریخ رفتار روحانیون شیعه با درویشان و صوفیان ایرانی که بیشترین تساهل و مدارا را با غیر خود داشته‌اند معرف این خصوصیت است. در دوران قاجار روحانیت قدرت این را داشت که شاهان قاجار را به کشتار و سرکوب بهائیان وادار کند و از همین جهت روحانیون به جان شاهان قاجار در منابر دعا می‌کردند. اما در دوران پهلوی سیاست رسمی حکومت تساهل و مدارا با ادیان بود. یکی از علل کنار نیامدن روحانیون شیعه با رژیم پهلوی همین مدارای دینی حکومت بود تا حدی که بهائیان و زرتشتیان و سنیان و یهودیان و مسیحیان ایرانی به مدارج بالای اداری و آموزشی و صنعتی در کشور ارتقا می‌یافتند.

علیه نو

ادیان زرتشتی، مسیحی، یهودی و مذهب سنی در ایران به رسمیت شناخته شده‌اند (گرچه ۱) شیعیان باورمند و تحت آموزه‌های



نخستین لحظه تحویل سال بدون حضور نورالدین ثابت‌ایمانی به روایت یادگار شایسته او مژده حبیبی:

او هر سال در لحظه «تحویل سال» از نو متولد می‌شود



سیزده سال هر روز، پا به پای هم در معتبرترین و پرطرفدارترین برنامه خبری خارج از کشور، از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، میهمان خانه میلیون‌ها ایرانی در سراسر جهان بودند و برای بیش از یک دهه، میلیون‌ها بیننده و شنونده، لحظه تحویل سال را با آن‌ها سپری کردند و همراه با آوای ملکوتی و جانبخش نورالدین ثابت‌ایمانی و صدای لطیف و پراحساس مژده حبیبی به سال نو سلام کردند.

امادست تقدیر در سال خورشیدی گذشته نورالدین ثابت‌ایمانی را از جامعه ایرانی گرفت و با چیده شدن ساقه گل وجود او از گلستان زندگی، اینبار در لحظه تحویل سال، مژده حبیبی در حالی میهمان خانه بسیاری از ایرانیان از طریق موج رادیوی ۶۷۰ام بود که بی‌تردید در قلبش بیش از هر زمان دیگری یاد و خاطره استاد و همکار پیشکسوتش را گرامی می‌داشت. اگر چه به گفته مژده حبیبی، نورالدین ثابت‌ایمانی، استاد، آموزگار و پدر معنوی او بوده و هست و حضور سبز و درخشان این مرد بزرگ، همواره در جای جای زندگی او جاریست ولی اندوه سنگین و دردناک نبودن استاد گرانقدرش در نوروز امسال، لحظه تحویل سال ۱۳۹۲ را برای او به سخت‌ترین لحظه تحویل سال تمام زندگیش مبدل ساخت. او را به گفتگو فرا خواندیم تا به روایت او نخستین لحظه تحویل سال در نبود نورالدین ثابت‌ایمانی را مرور کنیم.

عین حال پر صلابت استاد گرانقدرم زنده یاد نورالدین ثابت‌ایمانی در مناجات با خداوند پخش می‌شد، فضای بسیار سنگینی در استودیو حاکم شد. همه سکوت کرده بودند و نفس در سینه‌ها حبس شده بود. حضور درخشان او نزدیکتر از همیشه احساس می‌شد. بالاخره سکوت شکسته شد. هر کدام از همکاران، خاطره خوشی از او تعریف کردند. طنز به آرامی به من می‌گفت: «من حضور آقای ثابت رو اینجا کاملاً حس می‌کنم و حتم دارم که او الان اینجاست». من فقط لبخند زدم و حرف‌های دوستانم را تایید کردم. به فرشاد گفتم چقدر خوب است که پس از رفتن، همه اینقدر از خوبی‌های یک انسان حرف بزنند. فرشاد با تکان دادن سر، حرف‌هایم را تایید کرد. قلبم در سینه فشرده می‌شد. احساس عجیبی داشتم. نه در کلام می‌گنجد و نه قلم، توانایی نوشتنش را دارد. برای اینکه تاب بیاورم و اشکم سرازیر نشود سعی کردم از او و خاطرات او یاری بگیرم. چهره آرام و مهربانش را در نظر آوردم که هر وقت برای چند روزی به مسافرت می‌رفت می‌گفت: «سنگرو حفظ کن تا برگردم». حتی در لحظه‌های سخت زندگی، لبخند همیشگی‌اش را بر لب داشت و می‌گفت قرص و محکم باش، این نیز

ماجرا از آنجا آغاز شد که ساعتی پس از تحویل سال نوی خورشیدی که به وقت غرب آمریکا در ۴ بامداد به وقوع می‌پیوست، مژده حبیبی دل‌نوشته‌ای را در فیس بوک شخصی‌اش به رشته تحریر در می‌آورد دل‌نوشته‌ای سراسر احساس که در هر کلمه‌اش می‌شود حس توامان قدرشناسی، احترام و شوق به حضور استاد را دید. بد نیست با همین نوشته شروع کنیم آنجا که مژده حبیبی می‌نویسد:

«حدود ساعت ۳ بامداد به رادیو رسیدم. همکارانم پرویز فیروزکار و افشین گرگین در راهروی کنار استودیو در حال صحبت کردن بودند. فرشاد بلندپایان هم در استودیو مشغول آماده کردن برنامه‌ها بود. همکاران دیگر، یکی یکی رسیدند. ساسان کمالی، لیدا حنایی، اردوان مفید و طنز فتحی... برنامه، رأس ساعت ۳ بامداد آغاز شد. فضای پر شور و حالی بود. شنوندگان از نقاط مختلف دنیا تماس می‌گرفتند. همگی سعی کردیم برنامه‌های شاد و نوروزی به هموطنان ارائه دهیم و لبخند بر لبهایشان بیاوریم، هر چند که همه می‌دانستیم نوروز امسال خیلی با سالهای گذشته فرق دارد. سرانجام به لحظه تحویل سال نزدیک شدیم ساعت ۴، زمانی که صدای ملکوتی، آرام‌بخش و در





بگذرد...

بعد از تحویل سال، همگی بلند شدیم، رویوسی کردیم و به یکدیگر تبریک گفتیم و برنامه تا ۶ بامداد همچنان پر شور و حال ادامه داشت. اردوان مفید دست‌هایم را گرفت و همانطور که به چشم‌هایم نگاه می‌کرد آهسته گفت: «می‌دونم که این لحظه‌ها بخصوص برای تو چقدر سخت گذشت». به او لبخند زدم، هیچ نگفتم، اما در قلبم از اینکه مرا درک کرده بود از او تشکر کردم.

دوست عزیزم دکتر آریتا ساعیان به ما ملحق شد. قرار بود از ساعت ۶ تا ۹ صبح، به همراه افشین گرگین، برنامه نروزی جالب و ویژه‌ای اجرا کنند. با همه خداحافظی کردم و به خانه بازگشتم جای درست کردم و مشغول تهیه صبحانه شدم.

اما حالا که این سطور را می‌نویسم، نمی‌دانم چرا بی اختیار اشکهایم سرازیر می‌شوند و گونه‌هایم خیس شده‌اند و... چه نوروز سختی بود، نوروز سال ۱۳۹۲»

وقتی برای گفتگو با مژده حبیبی در خانه او که همانند نگارخانه‌ای زیبا با تابلوهایی که همه سرشار از نقش و نگاره‌های ماحصل هنر او در مقام یک نقاش چیره دست است قرار می‌گذارم، دو هفته‌ای از لحظه سال تحویل گذشته است، اما می‌توان به وضوح حس غمگینی را در چهره او دید که جای خالی استاد در دل قدر شناس یار دیرینه‌اش به ودیعه نهاده است. او که این حس دلپذیر از مهربانی و قدر شناسی را با خود از لحظه تحویل سال به همراه دارد می‌گوید:

«سیزده سال پیش از این که برای نخستین بار با آقای ثابت ایمانی برخورد کردم هرگز نمی‌اندیشیدم روزی برسد که چنین جای خالی او را با همه وجود احساس کنم. آن روزها من که درس نقاشی خوانده بودم به تازگی از ایالتی دیگر به لس‌آنجلس آمده بودم و بر اساس علاقه‌ای که از کودکی به کار گویندگی خبر داشتم و ناخودآگاه بازی‌های کودکانه‌ام به خواندن خبرهایی که پدرم به عنوان یک روزنامه‌نگار تهیه می‌کرد مبادرت می‌ورزیدم، در سپتامبر ۱۹۹۹ به استخدام رادیو ۶۷۰ ام درآمدم. با اینکه از طریق برنامه‌هایی که آقای ثابت ایمانی در رادیو تلویزیون‌های گوناگون داشتند با چهره و صدای ایشان آشنا بودم اما در همان روزها بود که برای نخستین بار ایشان را در مقام یک همکار پیشکسوت یافتیم. چه زود او به استادی بی‌بدیل برای من تبدیل شد که بسیاری از رموز کار حرفه‌ای و البته اخلاق زندگی را از او آموختم.»

مژده حبیبی شخصیت نورالدین ثابت ایمانی را تلفیقی از یک فرد مسئول، درستکار و بسیار حرفه‌ای در مقابل دوربین و انسانی بزرگوار، یکرنگ، متواضع و خوش اخلاق در پشت دوربین دانسته و می‌افزاید:

«نمی‌توانم آموخته‌هایی که از ایشان داشتم را فقط به حوزه کار خلاصه کنم. او بی‌هیچ تردیدی پدر معنوی من بود و در همه مراحل زندگی درس استقامت، اخلاق پسندیده، صفا و یکرنگی و همدلی و همراهی با مردم را به من می‌داد. مجموعه آموخته‌های من از ایشان تا آن اندازه بسیط است که در این ایام که از درگذشت او می‌گذرد هیچ روزی را نمی‌توانم بیاد بیاورم که بی‌یاد او گذشته باشد و حتی روزی چندین بار به دلایل گوناگون یاد او از خاطر من نگذشته باشد و نام او بر زبان جاری نشده باشد. همین جاست که احساس می‌کنم در ادامه راه، تجربه او همراه من است و استقامت و بردباری‌ای که به من آموخت می‌تواند در بسیاری از فراز و نشیب‌های زندگی دستگیر من برای عبور از گردنه‌های سخت باشد.»

مژده حبیبی با اشاره به درگذشت نابهنگام و به یکباره نورالدین ثابت ایمانی که همه علاقمندان به ایشان را بهت‌زده کرد، می‌گوید:

«جامعه ایرانی، آقای ثابت‌ایمانی را به یکباره از دست داد. در فاصله کوتاهی ابتدا صدایش و سپس حضور فیزیکی ایشان را از دست دادیم. گویی طوفانی آمده و به ناگاه همه آرامش ناشی از حضور پر صلابت او را از میانمان با خود برد. پنج ماهی که او در بستر بیماری بود سخت‌ترین و دردناک‌ترین لحظه‌های زندگی‌ام بود. هرگز گمان نمی‌کنم با هیچ کلامی بتوانم شدت رنجی که در آن روزها کشیدم را بیان کنم و تنها خدا می‌داند که بر من چه گذشت... هر بار که می‌دیدمش تکه‌ای از قلبم کنده می‌شد، تنها نگران خبر بود و فقط می‌خواست مطمئن شود که اخبار را به خوبی هدایت می‌کنم و من با لبخند و شوخی به ایشان اطمینان می‌دادم که: «همه چیز رو به راه است، نگران هیچ چیز نباشید استاد، سنگر را به خوبی حفظ کرده‌ام، هموطنان و علاقمندان بسیار شما از سراسر دنیا به شما سلام می‌رسانند و منتظر بازگشت دوباره شما به صحنه هستند» و او با مهربانی همیشگی‌اش لبخند می‌زد و نگاهم می‌کرد. نگاهی عمیق و ژرف. نگاهی که هزاران، هزار حرف ناگفته در اعماقش موج می‌زد...»

در حقیقت میراث جاویدان او حسن اخلاق حرفه‌ای و نام نیکویشان بود که برای همیشه در میان ما ماندگار است. شاید شما هم این جمله معروف او را که تکیه کلامش بود شنیده باشید که همه اوقات و در مواجهه با هر سختی و یا ناملایمتی می‌گفت: «این نیز بگذرد». و حقیقت



شکست یابد. نیرنگ راه گریز در پیش گیرد. منش نیک پیروز گردد. دروغ شکست پذیرد و راستی به ستیغ فتح و ظفر قدم گذارد. پروردگارا، بزرگا، چنان فرمای که اهرمن بدکنش در هم شکنند و رو به گریز نهد. چنان فرمای که برادری و صلح در گستره گیتی گسترده گردد. پروردگارا، بزرگا، چراغ امید در خانه‌های ما افروخته نگه‌دار. این شب بی‌ستاره ما را فروزان ساز. پروردگارا، بزرگا...»

مژده حبیبی در ادامه می‌افزاید:

«امسال از دو هفته مانده به نوروز حال پریشانی داشتم. یادآوری خاطرات تلخ سال گذشته و... حالم را دگرگون کرده بود. می‌دانستم لحظات سختی را پیش رو دارم و اینکه در شادترین لحظه سال برای همگان، جای خالی استادم مرا بی‌نهایت غمگین خواهد کرد، در حالی که باید با صدایم موجی از شادی را به خانه‌های مردم ببرم، بیش از پیش بار روی دوشم می‌گذاشت. اما باور داشتم که همچنان که فروغ سروده بود که «تنها صداست که می‌ماند»، یاد و خاطره جاوید این چهره همیشه ماندگار از ذهن و خاطره مردمی که برای سالیان متمادی با صدای او زندگی کرده بودند، هرگز محو نخواهد شد و براستی که فروغ چه زیبا به راز ماندگاری صدا پی برده بود. صدایی که از جنس عشق، که همواره از عشق و دوستی و مهر و از صبح امید سخن گفته بود و در طول سال‌ها به قلب‌های میلیون‌ها هموطنش راه یافته بود. در سخت‌ترین لحظه‌ای که جای خالی‌اش را احساس می‌کردم با همه وجود دریافتم که نورالدین ثابت‌ایمانی هر سال، در لحظه تحویل سال، حیاتی دوباره می‌یابد و نام و خاطره‌اش و راه و مسلکی که در اخلاق و انسانیت گشود تا همیشه در ذهن مردم سرزمینی که به آن عشق می‌ورزید، ماندگار خواهد ماند.»

نورالدین ثابت‌ایمانی بی‌هیچ تردیدی بخشی جدانشدنی از حافظه جمعی ما ایرانیان است و من چه سعادت‌مندم که برای سیزده سال توانستم در مکتب چنین استاد بزرگواری، شاگردی کنم. روانش شاد و یادش همواره سبز.»

این است که همین گفته‌های ایشان بود که به من روح استقامت و پایداری را هدیه کرده و می‌کند. اندیشیدن به اینکه کسانی مانند ایشان چگونه در حالی که چنان ستاره‌های درخشانی در کشور خود بودند، در پی وقوع انقلاب مجبور به جلائی وطن می‌شوند و بعد در خارج از کشور با زحمت و تلاش شبانه روزی باز از نو شروع به ساختن همه چیز می‌کنند، به من اجازه هیچ شکوه و گلایه‌ای نمی‌دهد چرا که از زندگی ایشان آموخته‌ام در پناه ایمان راسخ به درستی کاری که انجام می‌دهی و با یکدلی با مردمی که برای آنها فعالیت می‌کنی می‌توان همه پستی و بلندی‌های روزگار را پشت سر نهاد و به سمت ساحل مقصود گام برداشت.»

مژده حبیبی در توصیف خاطرات نوروزی خود از شادروان ثابت‌ایمانی با اشاره به سال‌ها حضور در استودیوهای رادیو تلویزیونی در لحظه تحویل سال در کنار ایشان می‌گوید:

«صدای روح انگیز و ملکوتی آقای ثابت‌ایمانی هنوز هم در گوشم زنگ می‌زند وقتی با لحن گیرا و تاثیر گذار خود چنین مناجات می‌کرد:

ای زیر و زبر ساز همه حال‌ها و همه لحظه‌ها و روزها ای بهاین‌کننده گردش روزها و شب‌ها، ای همه کس، ای همه چیز، ای سرچشمه هر چه هست، ما را به راستای راستی رهنمون شو. ما را از پندار، گفتار و کردار نیک، آری از بهترین حال‌ها برخوردار فرما. خدایا تو را می‌ستایم.»

پروردگارا! روان ما از کین بشوی. به پاکی بیارای. به مهر و مهربانی درآمیز. هستی ما را به زیور دوست داشتن آذین کن. چنان کن و چنان فرما که رو به راه پاکان و پاک بازان نهیم.

ای ستودنی تو را چه بنامیم؟ ای در نام ننگنجیدنی، اعجاز شگفت در شگفت تو را می‌ستایم و همچنان در تنگنای حیرتیم.

خدایا کیستی، چیستی، ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم. تو را می‌ستایم زیرا که هستی. زیرا که هستی از هستت توست و باری تو بی‌هستی نیز هستی.

دو منش‌ان را به منش انسانی بگردان. چنان کن که منش بد در همه جا



حسن خیاط باشی و فیروزه خطیبی در روخوانی نمایش طنز «حکومت زمان خان»

نمایش طنز «حکومت زمان خان» که برخی آن را به ناظم الملک ترین ژانر نمایشی مردم دنیا، هرگونه دردی را زیر پوشش کمیدی بیان می کند. درام حکومت زمان خان که بوسیله فیروزه خطیبی و حسن خیاطباشی اجرا شد، در همان حال که خنده به لب ها می آورد - تماشاگر را از ریشه های فساد در وطن غم زده می کند.

نوشین معینی کرمانشاهی درباره اجرای فیروزه خطیبی در دونقش کاملاً متفاوت «کوکب عاشق کش» و «آغا باجی» کارگذار او می نویسد: «فیروزه خطیبی نادره کاری است در زمینه نمایش. اگر بخاطر داشته باشید چندی پیش بازی او را در نمایش دیگری به نام «ماه درآینه» نوشته خود او دیدیم و اینکه او چگونه با شجاعت و مهارت استعدادهای چند گونه اش را در معرض قضاوت می گذارد.»

خانم معینی کرمانشاهی می نویسد: «در روخوانی نمایش حکومت زمان خان، حسن خیاطباشی و فیروزه خطیبی توانستند بدون هیچگونه ابزار نمایشی و فقط به وسیله صدا، جمعیتی را که در سالن بود محو مکالمه های خود کنند.

آن ها را بخندانند و به فکر وادارند که نه کار آسانی است و نه از عهده هرکسی برمی آید.»

«دکتر علی اصغر نوری با دو ساز تار و سه تار صحنه ها را از هم جدا می کند و انتخاب هریک از این سازها بر عهده حالت دراماتیک صحنه گذاشته شده است. در فواصل روخوانی، ملودی هایی دل انگیز زمان قاجار به وسیله این هنرمند نواخته می شود تا داستان از فصلی به فصل دیگر حرکت کند. علی شکیبافر هم که فارغ التحصیل رشته کارگردانی تئاتر است با ارادتی که به این واسطه هنری دارد کار صحنه آرائی روخوانی را بر عهده دارد.»

خانم معینی کرمانشاهی در بخشی دیگر از این نقد می نویسد: «با تماشای این نمایش آموختم که این داستان کهنه صدساله حکایتی است مکرر که عناصر و محتوای آن، ایران مدرن امروزمان را همچنان به بیراهه می کشاند. و ای دریغ از این همه درجازدن در متجالیبی به نام دروغ و تقلب.» من تماشای این نمایش را به هر ایرانی توصیه می کنم. لطفاً برای رزرو جا با تلفن ۳۲۲۷ ۵۸۵ ۸۱۸ تماس بگیرید.



نمایش طنز «حکومت زمان خان» که برخی آن را به ناظم الملک روزنامه نگار و نمایشنامه نویس پیشرو عصر مشروطه و بعضی آن را به میرزا آقاخان تبریزی نسبت می دهند قدیمی ترین متن نمایشی موجود در ایران و تصویر دقیق و شفاف از وضعیت حاکم بردوران پیش از استقرار مشروطیت در ایران است.

این نمایش که سال گذشته در گالری سیحون و پس از آن درخانه فرهنگ و هنر ایران اجراهای موفق داشته است به خاطر استقبال که از آن بعمل آمد و به دلیل درخواست کسانی که موفق به تماشای آن نشدند یک بار دیگر در روز یکشنبه ۲۸ اپریل ساعت ۷ بعدازظهر در محل خانه فرهنگ و هنر ایران در تقاطع خیابان های وینتکا و ساتیکوی در منطقه سن فرناندو ولی اجرا خواهد شد.

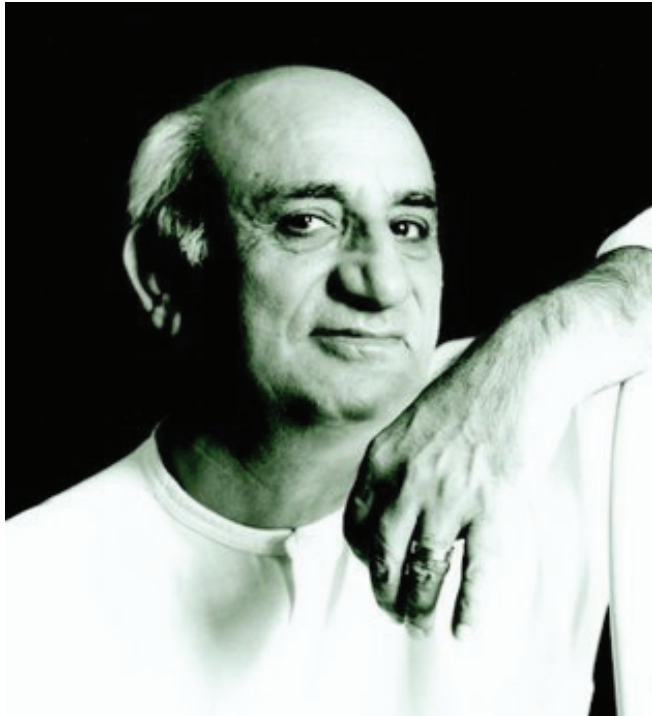
در این نمایش تماشاگران شاهد هنرنمایی حسن خیاط باشی در ۵ نقش مختلف و فیروزه خطیبی در ۲ نقش مختلف خواهند بود که با موسیقی تار و سه تار علی اصغر نوری همراهی خواهد شد.

فرهنگ فرهی روزنامه نگار سرشناس درباره نمایش حکومت زمان خان می نویسد: «روخوانی این نمایشنامه را حسن خیاط باشی و فیروزه خطیبی عهده دار بودند و با چه توانایی و قدرتی نقش های متعدد خود را ایفا کردند. این اجرا تماشاگران را سخت مجذوب خود ساخت و راستی حسن خیاطباشی یک هنرمند به معنای واقعی کلمه است. او چنان ۵ نقش مختلف را در کنار هم بازی می کند که حیرت همگان را بر می انگیزد.»

آقای فرهی درباره محتوی طنزآمیز نمایش «حکومت زمان خان» می نویسد: «اگر خوب دقت کنیم شباهت های زیادی میان وقایع آن دوران و زمان حال حاضر در این اثر کلاسیک ایرانی نهفته که با استفاده از طنزی قوی و فرمی ظریف به صورتی بی سابقه به تماشاگر ارائه می شود. این نمایشنامه از آغاز دوران شکوفایی تئاتر در ایران تا به حال بارها توسط بزرگان تئاتر ایران و اخیراً نیز در خانه هنرمندان در تهران اجرا شده است.» نوشین معینی کرمانشاهی منتقد هنری می نویسد: «داستان هایی که تراژدی و کمیدی را تلفیق می کنند - درام می نامند. درام همان فاصله کوتاه از شادی زودگذر تا غم دیرپاست. به این معنی که این محبوب

زمینه‌های کلکسیون داری تمبر

راوی: پرویز کاردان



در ۵ شماره گذشته به تفصیل از تاریخچه پیدایش و گسترش استفاده از تمبرهای پستی در جهان و ایران سخن گفتیم و از نقش بستن سیمای پادشاهان و ملکه‌ها گرفته تا ابنیه تاریخی و لباس‌های محلی با شما صحبت کردیم. حتی در خصوص تمبرهای سفارشی که فاقد ارزش کلکسیونی هستند هم مسائلی را با عزیزان علاقمند به تمبر مطرح کردیم و در مسیر بازخوانی آنچه تاریخچه تمبر و پست در ایران بود نگاهی گذرا به رویدادهای تاریخی سه دوره قاجاریه، انقلاب مشروطه و پهلوی انداختیم که جا دارد تا در آینده با تفصیل بیشتری با هم به مرور تاریخ به روایت تمبرهای به یادگار مانده بپردازیم.

اما آنچه به ما این توانایی را می‌دهد تا بتوانیم تمبرها را تورق کنیم و از خلال دیدن آنها به مرور تاریخ بنشینیم، حاصل زحمت کسانی است که نگهداری و آلبوم کردن تمبر را پایه گذاردند و کوشیدند تا کلکسیون‌های کوچک و بزرگی بسازند که به حافظه تاریخی صنعت نشر تمبر تبدیل شد.

اگرچه امروزه کلکسیونری تمبر و خرید و فروش آن به دلایل گوناگون از رونق سابق برخوردار نیست. اما من خوب به یاد می‌آورم که سی سال پیش از این که به لس آنجلس آمدم، می‌شد در هر گوشه‌ای از این شهر تمبر فروشی‌هایی را دید که تمبر دوستان در آن پاتوق می‌کردند.



اجازه می‌خواهم در همین ابتدا یادآوری کنم که سال ۱۳۹۱ خورشیدی آبستن ضایعه دردناک درگذشت آقای تمبر ایران، استاد فریدون نوین فرحبخش بود.

فریدون نوین فرحبخش، در سال ۱۳۰۹ خورشیدی دیده به هستی گشود و با وجود تحصیلات دانشگاهی در رشته زبان انگلیسی، به دنبال علاقه‌اش به تمبر، حرفه پدرش شادروان «حسین نوین فرحبخش» را دنبال کرد.

وی به واسطه داشتن مجموعه کاملی از تمبرهای ایران، در جشنواره‌های مختلف دنیا شرکت و مدال‌ها و جوایز ارزنده‌ای را از آن خود کرده و بارها نام «ایران» را با افتخار در صدر اسامی دیگر کشورهای شرکت کننده در این جشنواره‌ها قرار داد.

کتاب‌هایی مانند تمبرهای اولیه ایران، راهنمای تمبرهای ایران، راهنمای اسکناس‌های ایران و چندین عنوان کتاب دیگر در زمینه مجموعه‌داری از وی به جا مانده است.

مرحوم نوین فرحبخش چند ماه پیش در زمستان ۱۳۹۱ به علت بیماری کلیوی جان به جان آفرین تسلیم نمود.

شایان ذکر است الگوی شخصیت جذاب او برای بیش از نیم قرن مشوق و انگیزه‌ای قوی برای جذب شدن جوانان به کلکسیونری تمبر در ایران بوده است. روانش شاد.





یا مثلاً اگر تمبری با اشتباه چاپی منتشر شده باشد و مانند تمبر ۲۴ سنتی پست هوایی آمریکا که نخستین سری آن عکس هواپیما به صورت برعکس روی آن چاپ شده بود و حالا نسخه‌های محدود بازمانده از آن بسیار گران قیمت است.

از دیگر تمبرهای بسیار گران قیمت و کلکسیونری

می‌توان به تمبر جزیره گویان انگلستان اشاره کرد که ۱۸۵۶ چاپ شده است و همچنین تمبر یک پنی جزیره موریس که در ۱۸۴۸ منتشر شده است.

طبیعی است که هرچه تعداد موجود از یک سری تمبر نایاب‌تر باشد و البته تمیزتر و سالم‌تر نگهداری شده باشد، از ارزش بالا تری برخوردار است. ضمن اینکه تمبر به عنوان اوراق بهادار شناخته می‌شود و در داخل آن مانند کاغذ اسکناس نقوشی وجود دارد که امکان کپی کردن آن را تقریباً ناممکن می‌کند. البته ناگفته نماند که بعد از انقلاب در ایران تمبرهایی روی کاغذ معمولی و حتی بدون دندان چاپ شد که نیازی به توضیح نمی‌بینم که این تمبرها فاقد هرگونه ارزش تاریخی خواهند بود چرا که هر کس با دستگاه پرینتر خانگی خود قادر به کپی کردن آن است.

اجازه بدهید به شما مهمترین مرجع تمبر شناسی در جهان را معرفی کنم که کتاب اسکات (Scott) نام دارد. کتاب اسکات که هر ساله منتشر می‌شود حاوی کلیه تمبرهایی است که در هر کجای جهان دولت‌ها گوناگون به انتشار آن مبادرت ورزیده‌اند و همه ساله قیمت کلیه تمبرهای جهان را تعیین و منتشر می‌کند. همین‌جا از عزیزی که برای تعیین قیمت تمبرهای خود با من تماس می‌گیرند خواهش می‌کنم که کتاب اسکات مراجعه کنند که مرجعی قابل اعتماد است. فقط ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که قیمتی که خریداران کلکسیون‌های تمبر بابت یک قطعه تمبر پرداخت می‌کنند در حدود فقط ۳۰ درصد از ارزش تخمینی آن تمبر در کتاب اسکات است. لازم به یاد آوری است که کلیه تمبرهای ایرانی نیز در این کتاب قیمت گذاری شده است.

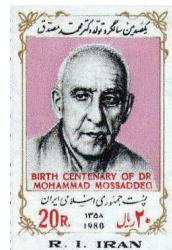
در چند ماه اخیر سوالات متعددی درباره تمبر از سوی خوانندگان مطرح شده است.



از جمله دوستانی درباره گران‌ترین تمبر ایران پرسیده‌اند که تمبر طلایی یک تومانی دوران ناصری است و در حال حاضر نزدیک به ۷۰۰ میلیون تومان ارزش دارد. از این تمبر فقط هفت عدد در جهان باقی است و در خارج از ایران هم از شهرت بسزایی برخوردار است. نکته اینجاست که نسخه اصلی این تمبر را برای بازشناسی باید در زیر میکروسکوپ دید

که در این حالت نقطه‌هایی طلایی در روی چاپ تمبر قابل رویت است. در غیر این صورت بدلی بوده و فاقد هرگونه ارزشی است.

سوال دیگری که در این مدت به دفعات از من پرسیده شده است به انتشار تمبر در دوران دکتر مصدق مربوط است که آیا تمبر با عکس دکتر مصدق



واقعیت دارد یا خیر؟ در پاسخ به این سوال باید بگویم که در طول تاریخ تمبر در ایران از آغاز تا پایان دوران شاهنشاهی هرگز و تحت هیچ شرایطی عکس هیچکدام از نخست وزیران ایران روی تمبر چاپ نشده است. بلکه فقط یکبار آن هم به وسیله جمهوری اسلامی در ۲۹ اسفند ۱۳۵۸ برای اولین و آخرین بار تصویر دکتر محمد مصدق روی تمبر منتشر شده است.

همانطور که پیش از این گفتیم، اگرچه سابقه ابتکارات نامه‌رسانی به عهد باستان و دوران هخامنشیان باز می‌گردد اما برای نخستین بار سرویس پست در کشور انگلستان راه‌اندازی شد.

پست اما کلمه‌ایست که در روم باستان (دوران سزار آگست) ریشه داشته است و این کلمه از همین منبع به ادبیات رایج امروز جهان بازگردانده شده است.

پست اگرچه در ابتدا در خدمت ادارات دولتی و قضایی انگلستان بود اما در ۱۶۸۰ فردی بنام «ویلیام دوکرا» سیستمی در سطح شهر لندن به راه انداخت که به سیستم یک پنی شهرت می‌یابد و در قبال دریافت و رساندن هر نامه‌ای فقط یک پنی دریافت می‌کند. این سیستم اما به دلایل مالیاتی دوامی نمی‌آورد. دوپست سال بعد سیستم ۲ پنی راه افتاد که دقیقاً همین کار را انجام می‌داد. اما از آنجا که وجه مربوط به نامه رسان را کسی که باید نامه را دریافت می‌کرد موظف به پرداخت بود، این سیستم با مشکلات جدید روبرو می‌شود. یکی از شگردهایی که رندان انگلیسی از آن استفاده می‌کردند این بود که پیام را در آدرس می‌گنجانیدند و دریافت کننده نامه که از محتوای پیام آگاه شده بود دیگر تمایلی به دریافت نامه و پرداخت وجه آن نداشت.

تا آنکه حدود سی و هفت سال بعد در ۱۸۳۷ با پیشنهاد «سر رولند هیل»



نخستین تمبر پستی دنیا بر اساس الگو برداری از سیستم اخذ مالیات انگلستان با طرحی از نیم رخ ملکه ویکتوریا منتشر شد. اما این تمبر که فقط یک پنی قیمت داشت موجب اعتراضاتی در انگلستان شد چرا که عامه مردم، زبان زدن به پشت صورت ملکه و نیز مهر زدن به روی صورت او را عملی توهین آمیز به ملکه خود قلمداد می‌کردند. علی‌الرغم

این اعتراض‌ها این مسیر ادامه یافت و بزودی سهولت استفاده از تمبر در



مراسلات پستی همگانی شد. این ابتکار به حدی کارساز بود که به زودی دیگر کشورها هم از آن الگو گرفتند و در کمتر از ۴۰ سال بعد در ۱۸۷۵ «هلیچ وان استفن» آلمانی اتحادیه جهانی تمبر را در آلمان تاسیس کرد که هنوز هم با پرچاست و تنظیم مقرارتی در این زمینه را به عهده دارد. اما جالب اینجاست که انگلستان به دلیل اینکه نخستین کشوریست که تمبر را منتشر کرده‌است، هرگز روی تمبر نام کشور خود را ننوشته است و از این لحاظ انحصاری است.

در آمریکا هم پست به سرعت جای خود را باز کرد. روی سردر اداره پست نیویورک که یکی از قدیمی‌ترین ساختمان‌های پست در خاک آمریکاست، این شعار معروف داریوش هخامنشی نقش بسته است: «نه برف، نه باران، نه سرما، نه گرما و نه تاریکی نمی‌توانند پیک های ما را از حرکت بازدارند.»

بد نیست بدانید که چگونه تمبرها ارزش می‌یابند؟ چگونه است که یک تکه کاغذ به مرور زمان از ارزش بالایی برخوردار می‌شود و حتی تا مرز چند میلیون دلار خرید فروش می‌شود.

شاید یکی از دلایل مهم و تاثیر گذار در این امر تیراژ انتشار یک تمبر است. برای مثال تمبرهای یادگاری که با تیراژ بالا منتشر شده است و مردم آنها را نگه داشته و استفاده نکرده‌اند، طبیعی است که به مرور زمان افزایش قیمت ناچیزی داشته. اما نسخه‌های برخی تمبرها که با تیراژهای ناچیز منتشر شده و به مرور زمان مورد استفاده واقع شده و از بین رفته‌است، حالا از ارزش چشمگیری برخوردار است.



اندر حالات و مقالات دوکی اول، خاتم‌السلطان

نوشته : حسین لی



دست برداریم و رک و راست بگویم که در این عکس آرزوی‌های قلبی دوکی متبلور شده است، یعنی او در یک لحظه به خصوص که از لحاظ روانشناسی و جامعه‌شناسی قابل مطالعه و بررسی است، خود را در هیئت یک پادشاه دیده، لبخند ملوکانه زده و با دست مبارک، احساسات مردم را توشیح کرده است.

بنابراین وقتی «دوکی» را دیدم که مبهوت عکس خود شده است به شوخی گفتم: «اعلیحضرت دوکی اول، خاتم‌السلطان!» دوکی که عادت دارد وقت و بی‌وقت و بی‌جهت و باجهت می‌خندد، این بار لبخند ملیحی بر لبانش نقش بست، زیرا باورش شده بود که اعلیحضرت است و دارد تبسم می‌فرماید.

بعد از این دیدار و ملاحظه خودشیفتگی دوکی تصمیم گرفتم با او در این زمینه مصاحبه‌ای به عمل آورم. وقتی وارد دفتر مخصوص ایشان شدم در مقابل من تعظیم آنچنانی کرد که سرش به میز یکی از همکاران نزدیک خورد. درد گرفت یا نگرفت، خم به ابرو نیاورد.

دوکی در حالی که مجذوب عکس قاب گرفته خود شده بود به سؤالاتم پاسخ گفت:

من - آیا وقتی به عکس خود نگاه می‌کنید احساس شاهانه می‌کنید؟

دوکی - بلی! خیلی، خیلی دوست دارم شاه بشوم.

فکر می‌کند که شاه شدن مثل چلوکباب خوردن است، به همین خاطر آب از لب و لوجه‌اش سرازیر می‌شود.

من - آیا ممکن است وقتی به قدرت رسیدید مثل شاهان گذشته قانون اساسی را زیر پا بگذارید.

دوکی - این چه فرمایشی است می‌فرمائید، من هر کاری شما و ملت

این آقای «دوکی» که همان «دکتر خودمان» باشد، خیلی شبیه هندی‌هاست و هر کسی او را می‌بیند به یاد شاه‌رخ خان، آمتیاب بچن و وجنتی مالا می‌افتد. به نظر می‌رسد که اجداد او جزو نخستین دسته‌ی مهاجران هند و اروپایی بوده باشند که با قطار سریع‌السیر سیبری به قفقاز و از آنجا از طریق ایران به هند می‌رفتند، بنابراین دور از ذهن نیست که اجدادش برای انجام فرایض مذهبی در یک ایستگاه کویری پیاده شده و از قطار جا مانده باشند. اما آخرین عکسی که یک عکاس حرفه‌ای از «دوکی» در یکی از گردهمایی‌های ایرانیان گرفته، عکس این نظر را ثابت می‌کند، به نظر می‌رسد به بخشی از آریایی‌ها که به هند کوچ کرده‌اند از کرده‌ی خود پشیمان شده و قصد بازگشت از همین مسیر به سیبری را داشته‌اند که باز قطار در یک ایستگاه کویری متوقف می‌شود و ...

در این جا یک فرضیه‌ی سومی هم وجود دارد، ممکن است بخشی از آریایی‌ها که راهی شمال اروپا شده‌اند طاق‌ت سرما را نیاورده باشند و پشیمان شده و راه جنوب یعنی هند را برگزیده باشند که باز قطار آنها که در یک ایستگاه کویری متوقف شده و ...

اصلاً روشن‌تر بگویم این عکس دوکی را که می‌بینید اصلاً شبیه هندی‌ها نیست و این خود فریضه‌ی چهارم را ایجاب می‌کند، یعنی اصلاً قوم آریایی‌ای در کار نبوده، طایفه‌ای از بومی‌های جنوب که دیگر طاقت گرما را نداشته‌اند، تصمیم می‌گیرند که عازم شمال شوند، آنها می‌بایستی در یک ایستگاه کویری سوار قطار شمال می‌شدند که اشتباهاً دوباره سوار قطار جنوب می‌شوند، اما جد بزرگوار ایشان که خواسته دست به آب بگیرد، کارش بالا می‌گیرد و از قطار جا می‌ماند. اصلاً بیائید از این فرضیه‌سازی‌ها که بیشتر به درد مطالعات زیست‌شناسی و تنازع بقا و غیره می‌خورد



می‌دهم یک ودیعه مردمی باشم، یعنی از طرف مردم انتخاب شوم. چون در این صورت مردم هر گلی که زده‌اند به سر خودشان زده‌اند و با نظر سایه خدا هم کاملاً مخالفم چون با توجه به شناخت شخصی و نزدیکی که با خداوند متعال دارم می‌دانم که چقدر ایشان عظیم هستند و اگر سایه ایشان به زمین بیافتد، همه جا را تاریکی فرا می‌گیرد و ظرف کمتر از چهل و هشت ساعت همه چیز یخ می‌زند.

من - با ولایت فقیه چکار خواهید کرد؟

دوکی - قانون می‌تواند این رابطه را تفسیر کند، بهتر این است که دو نوع سلطنت داشته باشیم، یک سلطنت سیاسی، یکی هم سلطنت روحانی، در این صورت است که تفکیک قوای واقعی به دست می‌آید و معنای واقعی جدایی دین از سیاست هم همین است.

من - آیا فکر نمی‌کنید که وقتی قدرت خود را تثبیت کردید به فکر سوء استفاده از آن باشید؟

دوکی - سؤال جالبی کردید! در پاسخ باید بگویم که «سوء استفاده» یک ترکیب عربی است که کاربرد آن منع شده است آنچه به لحاظ جامعه‌شناسی واژه‌ها بکار برده شده، «سو استفاده» است. واژه ترکی «سو» به معنی آب و استفاده از آب است که اشکالی ندارد. اما این واژه به لحاظ جامعه‌شناسی تاریخی در دوره قاجاریه رواج پیدا کرد و چون شاهان این سلسله همه ترکی می‌دانستند به همین خاطر جابجا و وقت و بی‌وقت برای قضای حاجت، وضو و غسل، مدام از آب و آفتابه استفاده می‌کردند. واژه سو استفاده در دربار رواج پیدا کرد و چون «سو» یعنی آب، در ایران کم بود قاجارها به حکام دست‌نشاندهی خود در ایالات دستور اکید صادر کرده بودند که مردم را از سو استفاده باز دارند، از آنجایی که در بیشتر ایالات مردم زبان ترکی نمی‌دانستند به استفاده بی‌رویه از «سو» یعنی آب دامن می‌زدند و همین امر باعث قشون‌کشی و جنگ داخلی می‌شد. به این لحاظ شاهان قاجار از انگلیسی‌ها که اهل سوء استفاده نبودند کمک گرفتند. و واقعاً انگلیسی‌ها هیچ‌کدام به هنگام قضای حاجت از آب و آفتابه استفاده نمی‌کردند.

آنها اجازه داشتند به خلیج فارس و یا دریای خزر بروند و در آبهای شور خود را بشویند، برای همین بود که همیشه بوی نمک و ماهی می‌دادند. انگلیسی‌ها برای اینکه آب را آلوده نکنند به سراغ نفت رفتند و بعد نفت را با کشتی برای استحمام به انگلیس می‌بردند. از زمان مصدق معلوم شد که آنها دارند از نفت سو استفاده می‌کنند.

من - اگر پیامی برای ملت ایران دارید لطفاً به طور مختصر بفرمائید.

دوکی - بنام خدا، ملت شهید پرور و شاه دوست ایران زمین...

در این لحظه مجبور می‌شوم سخنان او را قطع و رو به دوربین کرده و بگویم:

- بینندگان و شنوندگان عزیز اجازه بدهید لحظاتی به بازارچه آگهی‌ها سری بزنیم و باز گردیم...

صفحه تلویزیون همان عکس دوکی را نشان می‌دهد. صدای دوکی تهییج‌کننده و با صلابت پخش می‌شود: ملت قهرمان ایران برای رهایی از ظلم و جور حکام، همه یک صدا بگوئید:

دوکی! یا دوکی! دوکی، یا دوکی!

دوکی، یا دوکی! دوکی یا دوکی...

بگوئید همان کار را می‌کنم، اگر بگوئید قانون اساسی روی سرت بگذارد! روی سرم می‌گذارم. بگوئید زیر سر، زیر سر می‌گذارم، بگوئید زیر پا، زیر پا می‌گذارم. تصمیم نهایی با شماست.

من - آیا به تاجگذاری هم فکر کرده‌اید؟

دوکی - بله خیلی دوست دارم، شاه باید حتماً تاج داشته باشد.

من - بعید می‌دانم این ملت با توجه به تجربه‌ای که پشت سر گذاشته‌اند، بگذارند شما تاج کیانی را بر سر بگذارید، احتمال زیاد دارد که تاج خار بر سر شما بگذارند.

دوکی - تاج باشد، هر چه می‌خواهد باشد، اگر تاج خار را داخلش را چمن‌کاری کنند که سرم را زخم نکند چه اشکالی دارد.

من - آیا شما با جشن‌های دو هزار و پانصد ساله موافق بوده‌اید یا مخالف؟

دوکی - البته من زمان جشن‌های دو هزار و پانصد ساله هنوز متولد نشده بودم، اما با آن جشن‌ها حتی پیش از تولد هم مخالف بودم. برگزاری آن جشن اشتباه محض بود و به حیثیت خارجی ایران لطمات شدید وارد کرد.

من - چه لطماتی؟

دوکی - آنهایی که جشن را برگزار کردند سواد تاریخی درستی نداشتند، برای ملتی که وارد دو هزار و ششصدمین سال شاهنشاهی‌اش شده بود جشن دو هزار و پانصد ساله برگزار کردند. مثل این است که کسی پنجاه ساله شود، اما برایش جشن تولد چهل سالگی بگیرند.

من - برای جبران این اشتباه تاریخی چکار باید بکنیم؟

دوکی - در دوران سلطنت من جشن دو هزار و ششصدمین سال را با شکوه تمام برگزار خواهیم کرد.

من - آیا شما در دوران حکومت خود با سرمایه‌دارانی که می‌خواهند از طریق پول و پارتی مقامات دولتی را کسب کنند، مبارزه خواهید کرد؟

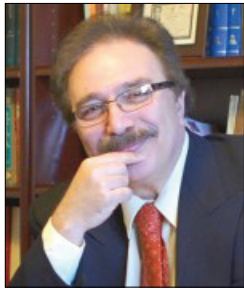
دوکی - این سؤال از شما بعید است، در یک جامعه دموکراسی این آزادی وجود دارد که سرمایه تحرک داشته باشد وقتی کسانی بتوانند از طریق پول و پارتی به مقامات و مناصب دولتی برسند، این نه تنها مخالف دموکراسی نیست، بلکه بخش بسیار مهمی از آن است. از طریق پولی که سرمایه‌داران صرف به قدرت رسانیدن افراد می‌کنند ما می‌توانیم خرج دربار را جدا از بودجه دولتی تأمین کنیم. شاه باید یک منبع درآمدی داشته باشد، همان‌طور می‌دانید سلطنت یک پادشاه فقیر بر مردم افتخار نیست. شما در همین آمریکا هم که مهد آزادی است می‌بینید که پول و پارتی حرف اول را می‌زنند.

من - برای تحصیل کردگان چه جایگاهی در نظر گرفته‌اید؟

دوکی - خوشبختانه ما آن قدر فارغ‌التحصیل دکتر از دانشگاه آزاد و پیام نور و غیره داریم که می‌توانیم همه مناسب و مشاغل مهم را به آنها واگذار کنیم. مثلاً برای دکتر احمدی‌نژاد پست وزارت دربار را در نظر گرفته‌ام.

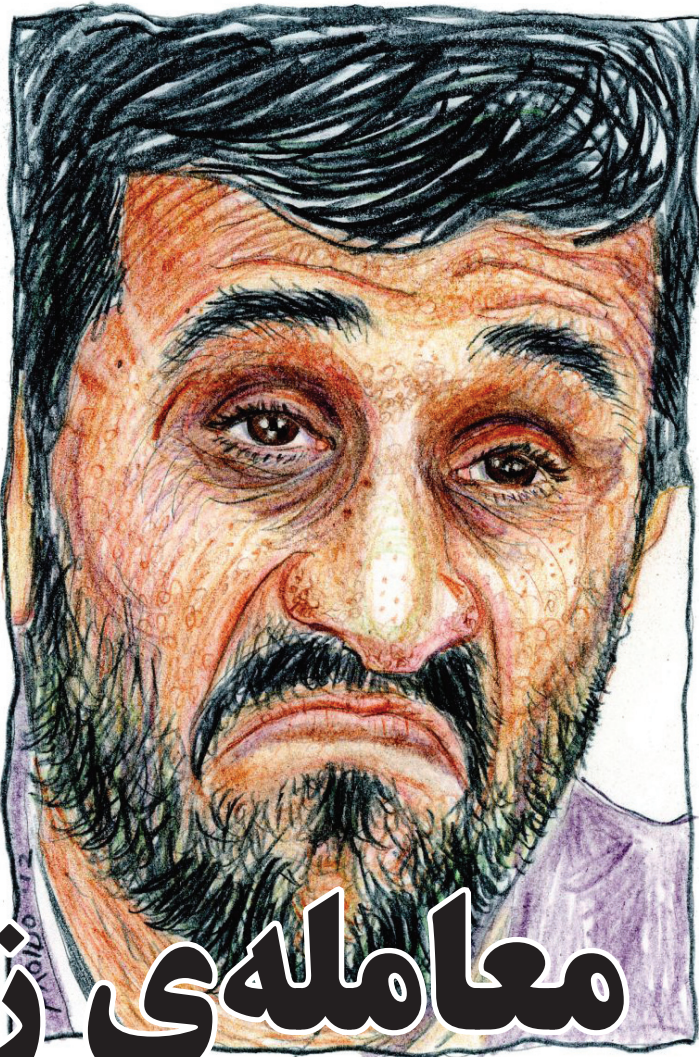
من - آیا شما هم فکر می‌کنید که سلطنت یک موهبت الهی است و شاه سایه خدا در روی زمین است؟

دوکی - من غلط می‌کنم چنین نظری داشته باشم، چون مردم یاد گرفته‌اند که موهبت الهی را به سرعت سرنگون کنند، بنابراین من ترجیح



طنز نوشته ای از: حمیدرضا رحیمی

www.hazl.com



معامله‌ی زیان آور

ارتباط، چنین مرقوم داشته است :
«مکرر از به گوش خود از زبان یغما شنیدم که این دوست عامی -یعنی حاجی محمد(ص) اسماعیل- مرا در عالم رسوا و بد نام خواهد کرد. بعضی اشعار و مکاتیب مردم را بنام من در دفتر و دیوان می برد و چندانکه ابرام می کنم و سوگند می خورم از من نیست، از دفتر خارج کن و مرا بدنام و رسوا مخواه، باور نمی دارد و در ضبط آنها حریص تر می شود!»

حالا حکایت برادر احمدی نژاد است، و تازه ترین خبری که فدوی در این باب ملاحظه، و او را مبالغ نیزنگران کرده است :
رییس جمهوری، سفرای جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورها را سفیران امام عصر(عج) توصیف کرد/اعتدال و اما نگرانی فدوی که خود از مؤمنین ستاره دار است، از اینجا ناشی می شود که نکند که این سفیران امام عصر(عج) نیز مانند اسلاف خود بوده، و برخلاف همتایان درون مرزی خود، «آن کار دیگر» (۳) را بجای «خلوت» در استخر مختلط بکنند! و دوباره کاری به شرح زیر

... نخیر!.. این برادر مهندس الاسلام والمسلمین احمدی نژاد دامت تحریکاته هم، هیچ جور ول کن معامله‌ی حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان ارواح العالمین له الفداء(عج) نیست، و هر قدر هم آن حضرت پیام می فرستد که خر دجال ایشان از کزه گی دم نداشته است، بخرج وی نمی رود و معظم له را همچنان، بر سر هر کوی و برزن، بی مضایقه هزینه می کند!

و فدوی نمی داند چرا به اینجا که رسید، یاد یغما جندقی پیش درآمد طنز سیاسی در عنفوان مشروطه افتاد و آن دوست با مزه اش، یعنی حاجی محمد(ص) اسماعیل «که از اوسط الناس اهالی دارالخلافه و فطرتا سلیم و نیک سجیت ولی از فنون تتبع و دانش بی بهره بود»! نهایت شوق به جمع متفرقات یغما داشت و در هرجا و هرکس که نظم و نثری می دید و می شنید که به ذوق و قیاس خود گمان می کرد که از یغماست، نسخه‌ای می گرفت و دفتری می پرداخت... (۱)

باری سلطان محمد(ص) میرزا سیف الدوله(چهل و چهارمین پسر فتحعلیشاه!) (۲) در مقدمه دیوان خود در ۱۲۹۲ ه.ق. در همین



لیبی که هر دو اوضاع سیاسی - اجتماعی محل مأموریت خود را که به ترتیب منجر به سقوط و اعدام همتایان گرامی مقام معظم رهبری ادامه الله علوه، چائوشسکو و قذافی شده بود، مانند آن خواننده‌ی جوان گزارش کرده بودند که : همه چی آرومه !...زیاده ارزی (۴) نیست، شما اگر داشتید، فدوی می خرد!

علی الله التکلان و هوالمستعان فی جمع امور
۲۹ مارچ المفرح سنه‌ی ۲۰۱۳ ترسائی
کتبه‌الفقیر کمتر از قطمیر - فدوی
تا درودی دیگر، بدرود

پانویس:

(۱) از صبا تا نیما - یحیی آراین پور ج ۱ ص ۱۱۲

(۲) خدا قوت !

(۳) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند

چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند/حافظ

(۴) فدوی می داند که خوانندگان محترم ضد انقلاب منتظرند که فدوی اشتباهی بکند تا بی در نظر گرفتن خدمات وی، او را جلوی خورشید کباب کنند، لکن نخیر! دوستان اشتباه فرمودند؛ سواد فدوی هنوز تا بدین اندازه نم نکشیده است، فقط تصمیم گرفته است که :

بیت

تا بی سرو پا باشد اوضاع فلک زینسان

در سر هوس ساقی، در دست شراب اولی!

یعنی تا اوضاع ارز، به ویژه برای دانشجویان برون‌مرزی بدین روال است، اعتراض ارز خشک کرده، و هر گونه عرض را، ارز بنویسد !

دست آقا امام زمان ارواح العالمین له الفداء (عج) بدهند:

روزنامه وال استریت ژورنال در گزارشی اعلام می کند پلیس برزیل یک دیپلمات ایرانی پنجاه و یک ساله را به دلیل «دست اندازی» به دختران زیر سن قانونی برای مدتی بازداشت کرد. در شرح ماوقع آمد که این دیپلمات ایرانی به آزار جنسی از طریق لمس کردن دو دختر ۹ و ۱۴ ساله در یک استخر مختلط متهم شده است. / الف و نیز:

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در پی بازداشت موقت یک دیپلمات ایرانی (حکمت‌الله قربانی) به اتهام آزار و اذیت جنسی چند دختر نوجوان در استخری واقع در شهر برازیلیا، پایتخت برزیل، سفارت جمهوری اسلامی ایران طی بیانیه‌ای این گزارش‌ها را «نادرست» و ناشی از «اختلافات فرهنگی» دانسته است. / صدای آلمان

حال فدوی، برای اینکه بهانه بدست خوانندگان محترم ضد انقلاب ندهد، اولاً از ذکر خیر پناهنده شدن سفیران امام عصر (عج) یعنی حسین (ع) حیدری کنسول ایران در نروژ در سال ۸۸ و حسین (ع) علی (ع) زاده کاردار جمهوری شکوهمند اسلامی در فنلاند، صرف نظر می کند...! این را هم نمی گوید که تنی چند از سفیران پیشین امام عصر (عج) توسط مقامات فرودست آقا (عج) یعنی علی (ع) اکبر ولایتی و علی (ع) اکبر صالحی وزیران خارجه ی پیشین و کنونی عزل شده اند که اتهام شان البته برخلاف معمول و مألوف، نه در حوزه ی جنسی، که در عرصه ی دیپلماسی و البته بسیار جزئی، و ناشی از احاطه ی آنان به وقایع اتفاقیه ی حوزه ی مأموریت شان بوده است؛ از جمله جمشید گوهری سفیر وقت آقا (عج) در رومانی و نیز علی (ع) اصغر ناصری در



یک سبد حکایت



محمود افهمی

دست کسی رو شدن یا دست کسی را رو کردن یا خواندن

و به قولی همه مدارک خواسته شده را بی‌کم و کاست ارائه کرده می‌گوید: «ما از چیزی وحشت نداریم که! ما رو بازی می‌کنیم. اونو بترسه که ریگ به کفشش داره. ما روییم...!»

این اصطلاح رایج از بازی ورق‌بازی برخاسته است. «رو کردن» یعنی ورق‌هایی که از پشت نمایان بوده و مفاد آن ناپیدا، به خواست صاحب برگ رو شده و همگان به ارزش و نوع آن پی برده‌اند. اینجاست که می‌گویند «دست کسی رو شد» (دست یعنی ورق‌های در اختیار فرد). طبعاً وقتی دست کسی (همان ورق‌هایی که در اختیار اوست) به هر علتی رو شود و اعضای تیم مقابل از مفاد و ارزش آنها باخبر شوند دیگر بازی آن لذت سابق را نداشته و یک‌سویه می‌شود. در بین مردم این ترکیب زمانی بکار می‌رود که حيله یا ترفند فردی در فریب شخص یا اشخاص دیگری مُثمر نشده و ناکام مانده‌باشد. در این صورت افرادی که مورد این حيله بوده و از آن نجات یافته‌اند خواهند گفت: «دست فلانی دیگه برای ما رو شده». به خصوص اگر آن فرد فریبکار بخواهد برای بار دوم اقدام به عوام‌فریبی نماید.

از همین ریشه است اصطلاح «دست فلانی رو خوندم یا خوندم». یعنی به تجربه یا حيله از نوع و ارزش ورق‌هایی که در اختیار اوست باخبر شده‌ایم. در معنی استعاری نیز یعنی «ما از ترفند و نقشه فلانی آگاهیم». یا وقتی فردی با تلخی می‌گوید: «ول کن بابا! دست ما رو خوندم...» یعنی همه نقشه‌ها ما لو رفته و دیگر حيله‌ی ما کارگر نیست.

و باز از همین ریشه است اصطلاح «رو بازی کردن». گاهی در بازی حکم، فردی که دستی بسیار عالی و حتماً برنده به او رسیده، به تمسخر و ریشخند کردن تیم مقابل دستش را روی زمین چیده و اصطلاحاً «رو» می‌کند و با رجزخوانی خواهد گفت: «ما رو بازی می‌کنیم». در فرهنگ کوچک و بازار نیز وقتی فردی از هر تهمت‌مبراست و در دعوا حسابش پاک است و از چیزی وحشت ندارد

Mahmoud Afhami
مجموعه ای از رسه های ضرب المثل های فارسی
و نکه کلام های عامانه

یک سبد حکایت

1 855.HEKAYAT
WWW.YEK SABADHEKAYAT.COM

AVAILABLE NOW

چپق کسی را چاق کردن

مچ کسی و گرفتن



در معنی استعاره یعنی کسی را رسوا ساختن. یا فردی را در حال ارتکاب جرم دستگیر کردن پیش از آنکه بتوان مقصود خود را حاصل نماید. این ترکیب از بازی «گل یا پوچ» گرفته شده است. در این بازی که سابقاً در شب‌نشینی‌های خانوادگی خیلی رایج بوده، فردی که «اوسا» (خفیف شده‌ی استاد) نامیده می‌شد مسئول پیدا کردن «گل» بود. دیگران نیز به او مشاوره می‌دادند. اوسا که معمولاً فرد خبره‌تری نسبت به سایرین بوده و کار بلد است به فراست و یا از روی رفتارهای پراسترس و هراس‌آلود یکی از بازیکنان تیم روبرو می‌توانست حدس بزند که گل در دست اوست. از این رو ناگهان و بدون مقدمه مچ دست او را می‌چسبید و با تکان خفیفی می‌گفت: «گل اینجاست مگه نه؟!». فرد مذکور اگر کار بلد بود با آرامش می‌گفت: «نمی‌دونم! مردش هستی بگیر گل رو» اما اگر به خاطر داشتن گل، دچار هیجان شده بود، هول شده و یک هو مشت خود را باز می‌کرد. و چون اوسا نگفته بود «گل اینجاست» یا «گل رو بده» و او بی‌جهت گل را نشان داده بود، بازنده بازی می‌شدند و گل به تیم روبرو می‌رسید. در این حال می‌گفتند: مچش رو خوب گرفتی‌ها!

در توضیح این مدخل، ناخودآگاه ترکیب دیگری را هم نام بردم: «مشت کسی را باز کردن» یا «مشت کسی باز شدن». این ترکیبات هم از بازی گل یا پوچ برخاسته‌اند. وقتی استاد درمی‌یافت که مشت خالی از گل است، دستور پوچ کردن آن را داده و فرد باید مشتش را باز می‌نمود و به همگان نشان می‌داد که گل در مشت او هست یا نیست. اینجا بود که می‌گفتند: «مشت فلانی هم باز شد». امروزه در محاوره کوچه و بازار اگر ترفند پنهانی کسی لو رفته و یا مقصود پنهانی او آشکار شود و دیگران از نیت او باخبر شوند می‌گویند: «مشت فلانی هم پیش ما باز شده...»



در مراسم سربروی بعد از غذا نوبت به قلیان یا چپق بود. برای جوانترها که «چپق» را نمی‌شناسند عرض کنم که چپق همان پیپ فرنگی خودمان است. با این تفاوت که دسته‌اش بسیار بلندتر و کاسه‌اش بزرگتر است. توتون بیشتری نیاز داشته و کشیدنش با توجه به حجم توتون مهارتی خاص می‌خواهد و گیرایی عجیب و شدیدی دارد. آنگونه که با یک کام ممکن است فرد ناشی را بی‌هوش کند. القصة! فرد محکوم وقتی غذایش را تمام می‌کرد یکی از فرآشان چپقی را برایش روشن کرده و اصطلاحاً چاق (= روبراه، آماده، بی‌عیب، کامل) می‌کرد. محکوم می‌بایست دست کم یک کام از این چپق بگیرد و اگر دودی نبود همین یک کام او را به سرفه و سرگیجه می‌انداخت و موجبات خنده حضار را جور می‌کرد. بعد از این مرحله میرغضب با شمشیر و پیش بند چرمی و سینی و لگن منتظر فرمان شاه بود تا سر محکوم را ببندازد.

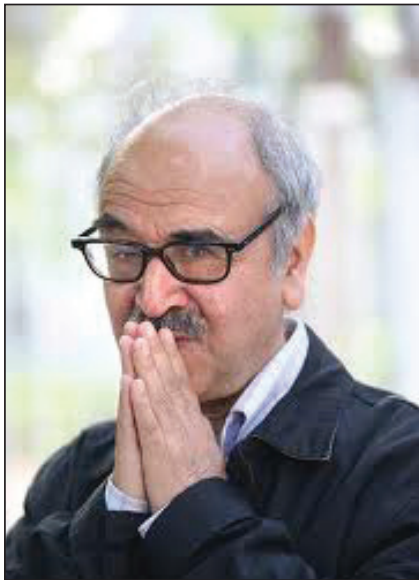
حالا وقتی کسی موجبات مجازات فردی را مهیا سازد و یا موجب استخفاف و تنبیه شدنش بشود می‌گویند: «چپق فلانی رو چاق کرد!» یا وقتی فردی بخواهد کسی را تهدید نماید که او را به بلایی دچار خواهد کرد می‌گوید: «یه چپقی برات چاق کنم که خودت کیف کنی!» یا برای تهییج فردی برای مبارزه با فرد دیگر می‌گویند: «چپقش رو چاق کن»



بازخوانی فراز و نشیب ادبیات معاصر به روایت کتاب «با چراغ و آینه» - قسمت چهارم:

ملک‌الشعراى بهار ستایشگر آزادی

نوشته: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی



جنبش‌ها بوده و ازین رو، حرکت انقلابی - خواه اجتماعی خواه فکری و عقلی - موجب ترقی ادبیات و باعث بروز و ظهور ادبا و نویسندگان بزرگ شده و می‌شود.

همان‌طور که جنبش مشروطه موجد و پدیدآورنده‌ی یک دسته از ادبا و چند مکتب ادبی مهم و چندین استاد و هنرمند نامی گردید، شک ندارم که جنبش امروز - جنبشی که در نتیجه‌ی جنگ خونین و حرکت آزادی‌خواهانه‌ی روشنفکران و تحول بزرگ سیاسی و اجتماعی و ادبی پیدا شده است - بار دیگر دسته‌ی تازه و مکتبی بزرگ و استادانی نامدار برای ما تدارک خواهد کرد...» و در همین خطابه‌ی خود گفت:

«اما اکنون بر سر دو راهی تاریخ خود قرار داریم؛ راهی به سوی کهنگی و توقف و راهی به طرف تازگی و حرکت. هر گوینده و نویسنده که مردم را به سوی آینده و جنبش و حیات هدایت نماید و صنعت او حقیقی‌تر و غمخوارانه‌تر باشد کالای او در بازار آتیه رایج‌تر و مرغوب‌تر خواهد بود. آقایان، توقف و طفره در طبیعت محال است. هستی عبارت از حرکت است. هر متفکر و نویسنده که هوادار توقف و محافظت وضع حالیه باشد، با دلیل منطقی، باید اذعان کند که رو

و کتب دیگر که به صورت انتقادی به دست او تصحیح شده است. وی برای نخستین بار مقوله «سبک‌شناسی» را، به طوری که امروز رایج است، در تاریخ ادبیات ما مطرح کرد و خود در این باب، بهترین تحقیقات و گسترده‌ترین پژوهش‌ها را، در آن روزگار، انجام داد.

دیگر، بهار سیاستمداری است که در عرصه‌ی گیر و دار آزادی، درشت خفتانش به تن فرسود (بثالشکوی) و تا واپسین لحظه‌های زندگی، در سنگر مبارزه زیست؛ اگرچه حیات او در این راه بی‌پست و بلند نبود.

از سوی دیگر، بهار شاعر، زبان روزگار خویش و یگانه‌ی سخنوران چند قرن اخیر ایران بود؛ شاعری که گذشته‌ی ایران را همیشه پیش چشم داشت و از یاد شکوهمند آن روزگاران، خون در سر او موج می‌زد از شرف و فخر (لزینه) و قلبش با تحرک زمان و لحظه‌های زندگی می‌تپید؛ سراپا خشم و خروش بود که چرا امروز چنینیم یا آنکه در گذشته چنان بودیم با این همه، مانند یک شاعر بزرگ ملی، طرح اجتماعی روینده و بارور و آزاد و خوشبخت را همواره در آینه‌ی آرزوهای خویش منعکس می‌کرد. روزی که:

دوران جوانمردی و آزادی و رادی

بادید شود چون شود این ملک برومند
ورزنده شود مردم و ورزیده شود خاک
از کوه گشاید ره و بر رود نهد بند
و می‌گفت:

ورزانکه نمانم من و آن روز نینم
این چامه بماناد بدین طرف پساوند
بهار شاعری تجدطلب بود و زندگی او بهترین گواه این سخن است و اگر می‌بینیم سخنش را در یکی از کهنسال‌ترین قالب‌های شعر کلاسیک فارسی عرضه کرده، نباید او را مخالف تحولات ادبی به شمار آوریم زیرا وی - در نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران، که در سال ۱۳۲۵، به هنگامی که خود وزیر فرهنگ بود، تشکیل شد - در خطابه‌ی خویش، با صراحت تمام گفت:

«حیات، عبارت از جنبش و فعالیت است و حیات ادبی نیز همواره در گرو فعالیت‌ها و

روز اول اردیبهشت را «روز بهار» می‌خوانیم و به یاد او هستیم. به یاد شاعری که به راستی شایسته‌ی عنوان «ستایشگر آزادی» است و برگزیده‌ی قرن خویش و سرآمد اقران، در مجموعه‌ی استعدادها موفق و در چندین رشته از کارهای ادبی یگانه‌ی روزگار.

بهار یکی از پرفروغ‌ترین شعله‌های قصیده‌سرایی در طول تاریخ ادبی ماست و بی‌هیچ گمان از قرن ششم بدین سوی، چکامه‌سرایی به عظمت او نداشته‌ایم. در میان قصیده‌سرایان درجه‌ی اول زبان فارسی - که از شماره‌ی انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کنند - به دشواری می‌توان کسانی را سراغ گرفت که بیش از او، شعر خوب و موفق داشته باشند. در قصاید برگزیده‌ی او مجموعه‌ی عناصر شعری، به حالت اعتدال و یکدست جلوه می‌کنند. عاطفه و خیال و هدف انسانی همراه با نیرومندترین کلمات - که با استادی فراوان در کنار هم جای گرفته - در شعر او به هم آمیخته‌اند. قصیده در معنی درست کلمه، بر بنیاد سنت‌های کهن و دور از هر گونه پریشان‌گویی، آخرین بار در شعر او تجلی کرد و پس از چندین قرن بار دیگر چهره‌ی یک چکامه‌سرای بزرگ را در صفحات تاریخ ادبیات ما آشکار ساخت. بر روی هم، بهار بارورترین استعدادی بود که در شعر کلاسیک فارس - به روزگار ما - چهره نمود.

محمد تقی بهار فرزند صبوری ملک‌الشعراء در آذر ۱۲۶۵ (۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۰۴ قمری) در طوس (مشهد) چشم به جهان گشود و در نخستین روز اردیبهشت ۱۳۳۰ شمسی، پس از یک عمر فعالیت ادبی و اجتماعی، از روزنامه‌نگاری و مشروطه‌خواهی تا استادی دانشگاه و وزارت فرهنگ، زندگی را بدرود گفت.

شخصیت بهار، از چند سو دارای اهمیت است؛ بهار در عالم تحقیق، یکی از هوشیارترین محققان نسل خویش بود که بعضی کارهای تحقیقی او در عالم ادب - به سبب شم خاص انتقادی و ذوق مایه‌وری که داشت - هنوز همچنان تازگی دارد و مرجعی است برای اهل ادب، مانند مقداری از مباحث کتاب سبک‌شناسی و بسیاری مقالات

امروزین که در قلمرو زبان فارسی و نیازمندیهای زندگی معاصر، به تازگی چهره نموده است، روی گردان نبود. اما در این رهگذر، چندان استادی و هنر نشان می‌داد که به دشواری می‌توان تازه بودن آن کلمه‌ها را باز شناخت و از دیگر واژه‌های قدیمی زبان امتیاز دارد.

از نظر محتوای اجتماعی و پیوند با زندگی معاصر، شعرش آئینه‌ی روشن تلاش‌های نسل اوست؛ از نخستین قصایدی که به هنگام جوانی در ستایش آزادی و مشروطیت سروده تا «جغد جنگ»- که آخرین برگ از دفتر شاعری اوست- همه جا رنگ آزادی‌پژوهی و آزاداندیشی به روشنی آشکار است. گرمی باد یاد و خاطره‌ی ارجمند او!

● ما همان‌طور که

نمی‌خواهیم شعرا را از پیروی کلاسیک منع کنیم،
نمی‌خواهیم آنان را از پیروی شعر سفید (بی‌قافیه و بی‌وزن) هم منع نماییم.
ما باید گویندگان را آزاد بگذاریم که هنرنمایی کنند.

● ما اکنون بر سر دو راهی

تاریخ خود قرار داریم؛ راهی به سوی کهنگی و توقف و راهی به طرف تازگی و حرکت.

● قصیده در معنی درست

کلمه، بر بنیاد سنت‌های کهن و دور از هرگونه پریشان‌گویی، آخرین بار در شعر او تجلی کرد.

نیندازد... آن را دور بیندازید... تا شما را یک هیجان و حسی حرکت ندهد، بیهوده شعر نگوئید. اول فکر کنید که چه چیز سابق شعر گفتن شماست. آیا کسی را دوست دارید، کسی را دشمن دارید، مظلومید، فقیرید، شجاعید و می‌خواهید تشجیع کنید، گله دارید، امتنان دارید؟ چه چیزی است که شما را و طبع شما را می‌خواهد به خود مشغول کرده و به لباس یک یا چند شعر، خودش را به مردم نشان دهد. هر چیزی که هست همان را با هر قدر فکر و عقل و ذوقی که دارید، همان‌طور که هست- بدون گرافه و با حقیقت و صدق- به نظم درآورده یا به نثر بنویسد.

شاعر آن است که در وقت تولّد شاعر باشد، به زور علم و تتبع نمی‌توان شعر گفت. تقلید الفاظ و اصطلاحات بزرگان و دزدیدن مفردات و مضامین مختلفی‌مردم و با هم ترکیب کردن، کار زشت و نالایقی است و نمی‌شود نام آن را شعر گذاشت. کسی که طبع ندارد، کسی که از کودکی شاعر نیست، کسی که اخلاق او از مردم عصرش عالی‌تر و بزرگوارتر نیست و بالاخره کسی که هیجان و حس رقیق و عاطفه‌ی تکان‌دهنده‌ی ندارد، آن کس نمی‌تواند شاعر باشد، ولو مثل قائل صد هزار شعر بگوید و یا مثل فتح‌علی خان صبا چند کتاب پر از شعر از خود به یادگار بگذارد...»

عناصر صوری و معنوی شعر در چکامه‌های بهار بهترین جلوه‌ها را دارند. جوشش‌های عاطفی و هیجان‌های روحی او که در قصایدی مانند «بش‌الشکوی»، «دماوند» و «هیجان روح» دیده می‌شود، در کمتر شاعری از قدما به جز ناصر خسرو و مسعود سعد و خاقانی سراغ داریم و از نظر تخیل و رقت‌اندیشه، ساخته‌های ذهنی او- به هنگام پرداختن تصویرهای مناسب در نمایشگری احساس- چندان به جا و مناسب است که رنگ‌های ترکیب شده در یک تابلو. چنانکه در گزارش «سفر باکو» و پرواز هواپیما می‌خوانیم:

مرکب آرام و هوا روشن و دریا خاموش
خلوتی بود و سکوتی ز خرد گویاتر
ما خروشان و دمان در دل آن خاموشی
چون به ملک ابدیت وزش و هم بشر
کلمات در شعر او استقلال و شخصیتی دارند، جز آنچه در شعر قصیده سرایان دوره‌های اخیر دیده‌ایم. وی با آنکه زبان خویش را، از زبان شاعران خراسان کهن- که خود جانشین شایسته‌ی آن بزرگان بود- می‌گرفت، از به کار بردن واژه‌های

به عقب می‌رود و هر کسی که در زندگی رو به عقب رفت، به سوی مرگ شتافت؛ خاصه ادیب و گوینده که باید همواره به مسافت‌بعیده پیشاپیش قوم حرکت کند تا قوم را که فطرتاً دیر باور و مایل به توقف است، قادری پیش‌تر بکشد.»
و درباره‌ی تحولات شعری در خطابه‌ای دیگر گفت:

«... ما همان‌طور که نمی‌خواهیم شعرا را از پیروی کلاسیک منع کنیم، نمی‌خواهیم آنان را از پیروی شعر سفید (بی‌قافیه و بی‌وزن) هم منع نماییم. ما باید گویندگان را آزاد بگذاریم که هنرنمایی کنند.»
بهار از آنجا که به شخصیت تثبیت‌شده‌ی خویش ایمان داشت و در هراس آن نبود که شهرت و شخصیتش تحت الشعاع استعداد‌های نوجوی قرار گیرد، هرگز از ستایش نوگرایی و تحول‌پژوهی باز نمی‌ایستاد و به راستی که چنین بود؛ زیرا او قصیده را به مرزی از کمال رسانده بود که تاریخ ادبیات ما نام او را، به عنوان آخرین تجلی شعر کلاسیک و یکی از چند تن چکامه‌سرای درجه‌ی اول زبان فارسی ثبت کرده است.

بهار، شاعر بود- شاعر به معنی راستین کلمه- نه از مقوله‌ی استادانی که با خواندن دیوان عنصری و عمیق بخارائی و عثمان مختاری شاعر می‌شوند و دعوی سنگرداری و دفاع از حریم ادب کهنسال ایران دارند. او خود درباره‌ی شعر و شاعری سخنانی داشت که امروز پس از گذشت نیم قرن هنوز هم بهترین گفتار است. وی در مقاله‌ی «شعر خوب»- به سال ۱۲۹۷ در مجله‌ی ادبی دانشکده، که خود منتشر می‌کرد- چنین نوشت:

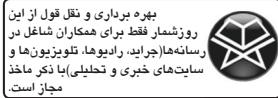
«شعر خوب چیزی است که از احساسات، عواطف، و انفعالات و از حالات روحیه‌ی صاحب خود، از فکر دقیق پر هیجان و لمح‌های گرم تحریک شده‌ی یک مغز پر جوش و یک خون پر حرارت حکایت کند... شعری که مقصود ماست، شعری است که از یک دماغ شاعر خلیق... در بحبوحه‌ی احساسات و تراکم عواطف و عوارض گوناگون و در یک حال هیجانی گفته شده باشد... هر چه هیجان و اخلاق گوینده- در موقع گفتن یک شعر یا ساختن یک غزل- قوی‌تر و نجیب‌تر باشد، آن شعر بهتر و خوب‌تر خواهد بود. شعر خوب آن است که خوب تهییج کرده و خوب فهمیده شود و خوب به حافظه سپرده شود...»

«هر شعری که شما را تکان ندهد به آن گوش ندهید. هر شعری که شما را نخواند یا به گریه

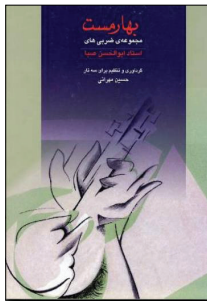
روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

۱۲ فروردین تا ۱۰ خرداد

April - May 2013



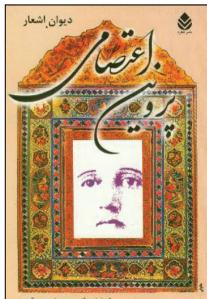
بهره برداری و نقل قول از این روز شمار فقط برای همکاران شاغل در رسانه‌ها (چراغ، رادیو، تلویزیون‌ها و سایت‌های خبری و تحلیلی) با ذکر ماخذ مجاز است.



سه‌تار و سنتور (درگذشت ۲۸ آذر ۱۳۳۶ خورشیدی)
 کتاب‌های آموزشی ابوالحسن صبا برای ویولن، سه‌تار و سنتور در شرکت کتاب موجود می‌باشند.
 ۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی)
 زادروز پروفسور احسان یارشاطر بنیاد گذار دانشنامه ایرانیکا
 ۱۳۱۵ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)
 زادروز نادر ابراهیمی، داستان‌نویس ایرانی
 ۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)
 زادروز رخشان بنی‌اعتقاد، کارگردان و فیلمنامه‌نویس
 ۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)
 زادروز آزیتا قهرمان، نویسنده
 ۱۳۶۲ خورشیدی (۱۹۸۳ میلادی)
 درگذشت علینقی بهروزی - محقق و مؤلف
 ۱۳۷۹ خورشیدی (۲۰۰۰ میلادی)
 درگذشت عباس سحاب، پدر جغرافیای نوین ایران
 ۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)
 درگذشت رضا کرمرضایی، بازیگر

۱۵ فروردین (۴ اپریل)

۱۰۹۳ خورشیدی (۱۷۱۴ میلادی)
 درگذشت محمد صالح اصفهانی، خوشنویس دوره صفوی
 ۱۳۲۰ خورشیدی (میلادی ۱۹۴۱ میلادی)
 درگذشت پروین اعتصامی، شاعر
 کتاب دیوان اشعار پروین اعتصامی به فارسی و به فارسی و انگلیسی در شرکت کتاب موجود می‌باشد.
 ۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۱ میلادی)
 زادروز رضا شفیعیان، نوازنده سنتور
 ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۹ میلادی)
 زادروز ایرج ضیایی، شاعر
 ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)
 درگذشت دکتر احمد بیرشک، محقق و پیشگام معاصر علوم ریاضی و تجربی

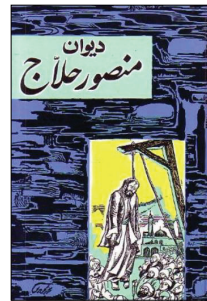


۱۶ فروردین (۵ اپریل)

۱۳۲۶ خورشیدی (۱۹۴۷ میلادی)
 درگذشت محمدعلی شاه، پادشاه قاجار
 ۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)
 زادروز بنفشه حجازی، شاعر و پژوهشگر
 ۱۳۳۷ خورشیدی (۱۹۵۸ میلادی)
 اعلام رسمی طلاق محمدرضا شاه پهلوی و ملکه ثریا (اسفندیاری)
 ۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)
 درگذشت احمد آرام، پژوهشگر، نویسنده و مترجم در آمریکا
 ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
 درگذشت حسن حسینی، شاعر

۱۷ فروردین (۶ اپریل)

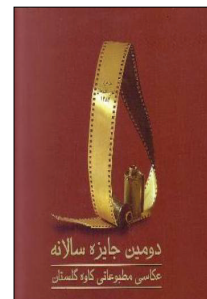
۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۲ میلادی)
 زادروز یدالله رویایی، شاعر و یکی از تحلیل‌گران شیوه‌ی نیماوشیخ



۱۲ فروردین (۱ اپریل)

۳۰۱ خورشیدی (۹۲۲ میلادی)
 بر دار کردن حسین بن منصور حلاج، عارف پرآوازه ایرانی به دستور ابومحمد حامد بن عباس وزیر المقتدر عباسی
 کتاب‌های متعدد در مورد حسین بن حلاج در شرکت کتاب موجودند. با همکاران ما در شرکت کتاب تماس بگیرید و یا به وب‌سایت شرکت کتاب www.ketab.com مراجعه کنید
 ۱۲۹۷ خورشیدی (۱۹۱۸ میلادی)
 انتشار شماره پنجم مجله «زبان زنان» به مدیریت صدیقه دولت‌آبادی
 ۱۳۰۴ خورشیدی (۱۹۲۵ میلادی)
 زادروز منصور یاحقی آهنگساز و نوازنده چیره دست سنتور
 ۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)
 زادروز بهاءالدین خرمشاهی، پژوهشگر
 ۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)
 زادروز مهین خدیوی، شاعر
 ۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی)
 گشایش آرامگاه حکیم عمر خیام نیشابوری و شیخ عطار در نیشابور
 ۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی)
 گشایش آرامگاه نادر شاه افشار در مشهد از آثار ساخته شده توسط انجمن آثار ملی
 با طراحی مهندس هوشنگ سیحون
 ۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)
 تأسیس مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران
 ۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)
 درگذشت عبدالرسول خیام پور - محقق و مؤلف
 ۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)
 در این روز یک فرزندم توسط خمینی برای آن که به حکومت اسلامی خود رسمیت دهد (بدون حضور هیئت نظار سازمان ملل متحد) انجام شد و اعلام کردند که اکثریت ۹۸/۲۰ درصد مردم ایران به جمهوری اسلامی رای داده اند.
 ۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی)
 درگذشت الهیار صالح، وزیر، سفیر، سیاستمدار ایرانی و از رهبران جبهه ملی ایران
 ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)
 درگذشت ژاله کاظمی برنامهنما ساز رادیو و تلویزیون و دوبلور، در آمریکا

۱۳ فروردین (۲ اپریل)

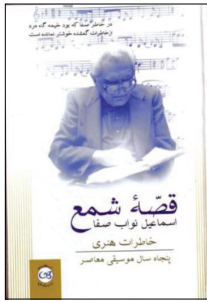


۱۳۳۷ خورشیدی (۱۹۵۸ میلادی)
 زادروز علی خدایی، قصه‌نویس
 ۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۳ میلادی)
 درگذشت کاوه گلستان، عکاس و مستندساز ایرانی در عراق در پی انفجار مین (تولد در ۱۷ تیر سال ۱۳۲۹ خورشیدی)
 کتاب‌های کاوه گلستان در شرکت کتاب موجود می‌باشند

۱۴ فروردین (۳ اپریل)

۱۲۸۲ خورشیدی (۱۹۰۳ میلادی)
 زادروز ابوالحسن صبا، آهنگساز، مدرس، پژوهشگر موسیقی و نوازنده ویولن،





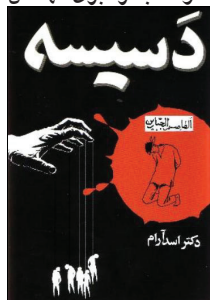
ردیف آوازی به روایت نورعلی برومند است.
 ۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)
 زارروز احمد میرعلایی، مترجم
 ۱۳۴۴ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی)
 سوءقصه به جان محمدرضا شاه پهلوی توسط سرباز
 وظیفه رضا شمس آبادی
 ۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۵ میلادی)
 درگذشت اسماعیل نواب صفا، شاعر و موسیقیدان
 خاطرات هنری ایشان با عنوان «قصه شمع» در شرکت
 کتاب موجود است
 ۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

درگذشت کیومرث ملک مطیعی - هنرپیشه سینما و تلویزیون. او کار در سینما را از سال ۱۳۵۰ با «یک چمدان سکس» به کارگردانی محمد متوسلانی شروع کرد.

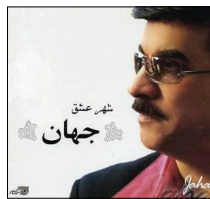
۲۲ فروردین (۱۱ اپریل)

۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)
 اعلام رسمی تشکیل «کنسرسیوم بین المللی» برای فروش نفت ایران
 ۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)

اعدام غلامرضا نیک پی، شهردار تهران - سرلشکر علی نشاط، فرمانده گارد
 جاویدان - سرلشکر حسینعلی بیات نماینده مجلس شورای ملی - سپهبد علی
 حجت کاشانی، رئیس تربیت بدنی - عباسعلی خلعتیری، وزیر امور خارجه کابینه
 هویدا و آموزگار - مهندس منصور روحانی، وزیر برق و وزیر کشاورزی کابینه
 هویدا - سپهبد محمد تقی مجیدی، رئیس اسبق دادگاه نظامی - سرلشکر حسن
 پاکروان، دومین رئیس ساواک - سپهبد ناصر مقدم، چهارمین رئیس ساواک به
 دستور روح الله خمینی و شورای انقلاب و آگاهی دولت موقت به رهبری مهندس



مهدی بازرگان
 کتاب در «دامگه حادثه- بررسی علل و عوامل
 فروپاشی حکومت شاهنشاهی» گفتگوی عرفان قانعی فرد
 با پرویز ثابتی فائمه مقام ساواک
 کتاب «داوری- سخنی در کارنامه ساواک» نوشته
 تیمسار منوچهر هاشمی
 کتاب «دسیسه» نوشته دکتر اسد آرام در مورد
 بعضی از مقامات حکومت شاهنشاهی که در همان دوران
 بازداشت شدند و با بر سر کار آمدن حکومت خمینی
 بعضی از آنها بمانند مهندس منصور روحانی به جوخه
 اعدام سپرده شدند، توضیح و تشریح کرده است
 هر سه کتاب از انتشارات شرکت کتاب
 ۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)



جهان قشقای خواننده موسیقی پاپ ایرانی در سن ۵۵
 سالگی بر اثر حمله قلبی در آمریکا درگذشت.
 جهان که در سال ۱۳۳۴ شمسی به دنیا آمد، در طول بیش
 از ۴۰ سال فعالیت هنری خود ترانه های زیادی را با آن
 صدای محزون خود خواند. او به نام نگاه کن برگرفته از
 شعری از فروغ فرخزاد است.
 از این هنرمند آلبومهای شهر عشق، به یاد بزرگان،
 لحظه های عاشقی، طلوع فردا، خبر تازه، از دست عشق، سرگذشت، پرنده و پرواز به
 یادگار مانده است.

۲۳ فروردین (۱۲ اپریل)

۱۳۰۱ خورشیدی (۱۹۲۲ میلادی)
 زارروز پرویز داریوش، مترجم
 ۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۷ میلادی)
 دریافت امتیاز مجله «بیک سعادت نسوان»، توسط روشنگر نوع دوست
 ۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۳ میلادی)
 درگذشت فریدون کار در لندن
 ۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۵ میلادی)

درگذشت شاهرخ مسکوب، نویسنده، پژوهشگر و مترجم ایرانی در پاریس - بر اثر
 ابتلا به بیماری سرطان خون.
 وی از پژوهشگران نامی ایران در زمینه شاهنامه فردوسی بود. کتابهای مقدمه‌ای

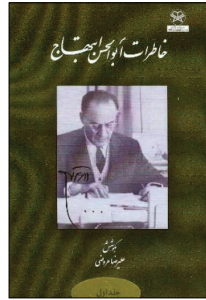
۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)
 درگذشت هاشم عربشاهی، رئیس سابق آگاهی و شکنجه‌گر زندانیان سیاسی، در
 سن ۷۳ سالگی، در زندان شهربانی
 ۱۳۲۳ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی)
 درگذشت خلیل ثقفی (اعلم الدوله)، مؤسس و رئیس نخستین انجمن روان شناسی
 در ایران و مؤلف چندین کتاب در همین زمینه

۱۸ فروردین (۷ اپریل)

۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۵)
 درگذشت رحیم خان قانونی شیرازی، نوازنده قانون
 ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۹ میلادی)
 افزایش غرفه‌ای از قرآن‌های خطی، به غرفه‌های موزه ی ایران باستان.
 ۱۳۵۰ خورشیدی (۱۹۷۱ میلادی)
 ترور سرلشکر فرسو - رئیس اداری ارتش شاهنشاهی
 ۱۳۷۲ خورشیدی (۱۹۹۳ میلادی)
 درگذشت علیرضا افضل‌پور، بنیانگذار دانشگاه کرمان
 ۱۳۷۹ خورشید (۲۰۰۰ میلادی)
 درگذشت محمدعلی فردین، بازیگر سرشناس سینمای ایران

۱۹ فروردین (۸ اپریل)

۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۳ میلادی)
 زارروز جمال میرصادقی
 ۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)
 خودکشی و درگذشت صادق هدایت - نویسنده و پژوهشگر صاحب سبک و
 راهگشای معاصر
 درگذشت حسین شهیدنورایی (از یاران نزدیک صادق
 هدایت)
 ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)
 درگذشت جمشید اسماعیلخانی، بازیگر سینما، تئاتر و
 تلویزیون
 ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
 درگذشت علیرضا عروزی معاون پیشین وزارت
 بزرگانی و وزارت کشور در دوران پهلوی در ۶۴ سالگی
 در لندن. وی فرزند دکتر آذر ابتهاج بود.
 کتاب خاطرات ابوالحسن ابتهاج در ۲ جلد از انتشارات
 شرکت کتاب



۲۰ فروردین (۹ اپریل)

۱۳۱۶ خورشیدی (۱۹۳۷ میلادی)
 زارروز مهشید امیرشاهی نویسنده و مترجم و فعال
 سیاسی در شهر کرمانشاه
 کتاب‌های در حضر و در سفر از انتشارات شرکت
 کتاب و کتاب‌های مادران و دختران ۴ جلدی از انتشارات
 نشر فردوسی در سوئد در شرکت کتاب موجودند.
 ۱۳۱۸ خورشیدی (۱۹۳۹ میلادی)
 زارروز دکتر فریدون جنیدی، اسطوره شناس ایرانی
 کتاب‌های شاهنامه در ۶ جلد و کتاب‌های دیگر ایشان
 در باب فرهنگ باستان ایران در شرکت کتاب موجود است.
 ۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۲)
 درگذشت حاج محمد نمازی، بنیانگذار بیمارستان نمازی
 شیرازی و بنیانگذار شبکه آب لوله کشی در شیراز
 ۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)
 قطع رابطه ایران و آمریکا
 ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
 درگذشت محمدرحیم متقی آبروانی بنیانگذار کارخانه کفش ملی در ایران.



۲۱ فروردین (۱۰ اپریل)

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)
 زارروز نورالدین رضوی سروستانی - خواننده و ردیف‌دان - از آثار وی دوره



۱۳۳۷ خورشیدی (۱۹۵۸ میلادی)
 نخستین کارخانه‌ی داروسازی (تولید دارو) در ایران آغاز به کار کرد
 ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
 درگذشت پوپک گلدره بازیگر سینما و تلویزیون در تهران
 ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)
 درگذشت پروین دولت‌آبادی شاعر نام‌آشنای کودکان ایران در سن ۸۴ سالگی در ایران.

۲۸ فروردین (۱۷ اپریل)

۱۲۴۶ خورشیدی
 زادروز حسن خان نوری اسفندیاری (محتشم السلطنه) در یوش‌مازندران. خوشنویس و نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی - از آثار او: اخلاق محتشمی، علل بدبختی و علاج آن.
 ۱۳۳۶ خورشیدی (۱۹۵۷ میلادی)
 زادروز فریده خردمند، قصه‌نویس
 ۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)
 زادروز مجید مجیدی، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و بازیگر ایرانی
 ۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۱ میلادی)
 ساختمان بنای راکتور اتمی دانشگاه تهران آغاز شد
 ۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

شجاع‌الدین شفا نویسنده و پژوهشگر ایرانی شامگاه جمعه ۲۸ فروردین در سن ۹۲ سالگی در پاریس درگذشت.
 شجاع‌الدین شفا در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی در خانواده‌های فرهیخته در شهر قم متولد شد. در دانشگاه تهران در رشته ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و تحصیلات خود را در بیروت و پاریس تا اخذ درجه دکترا در رشته ادبیات تطبیقی ادامه داد.

آقای شفا در دوران پیش از انقلاب پست‌های فرهنگی بالایی داشت. او مدتی دبیرکل شورای فرهنگی سلطنتی بود و ریاست کتابخانه ملی پهلوی را بر عهده داشت. گفته‌اند که برخی از متون معروف منسوب به محمدرضا شاه پهلوی مانند کتاب «انقلاب سفید» و بسیاری از نطق‌های معروف او مانند سخنرانی خطاب به کوروش کبیر در مراسم جشنهای ۲۵۰۰ ساله به قلم آقای شفا بوده است.
 شجاع‌الدین شفا پس از انقلاب به‌ویژه در عرصه فرهنگ و ادب با نظام اسلامی به مبارزه پرداخت و در جدال با موازین اعتقادی جمهوری اسلامی چند کتاب منتشر کرد.

۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)
 هژبر بیژنی از چهره‌های سرشناس و ثروتمند سال‌های پیش از انقلاب، در سن ۷۶ سالگی در کاستاریکا درگذشت.
 ۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)
 درگذشت بیژن پاکزاد، طراح و تولیدکننده سرشناس ایرانی - آمریکایی لباس‌های مردانه و عطر، بر اثر سکته مغزی در بیمارستانی در لس‌آنجلس.

۲۹ فروردین (۱۸ اپریل)

۱۳۲۷ خورشیدی (۱۹۴۸ میلادی)
 زادروز سیروس شمیسا، قصه‌نویس، منتقد ادبی و پژوهشگر
 ۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی)
 مهراوه شریفی‌نیا، بازیگر سینما
 ۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۶ میلادی)
 درگذشت جلال مقدم، بازیگر سینما و تئاتر

۳۰ فروردین (۱۹ اپریل)

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)
 ایران‌اعلم، عنوان نخستین استاد زن در دانشکده پزشکی را به دست آورد.
 ۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)
 درگذشت محمدجواد تربتی، ادیب و شاعر و مدیر روزنامه پولاد.
 ۱۳۵۴ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)
 تیرباران هفت تن از چریک‌های فدایی خلق و دو تن از اعضای مجاهدین خلق در زندان اوین: محمد چوپان زاده، جلیل افشار، عزیز سمرمدی، بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، مشعوف کلانتری، و عباس سورکی (از فداییان خلق). کاظم نوالانوار و مصطفی جوان خوشدل (از مجاهدین خلق).

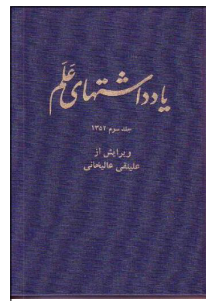
بر رستم و اسفندیار و سوگ سیاوش از آثار مهم او در این زمینه است.
 ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
 درگذشت استاد دکتر عزت‌الله همایونفر شاعر و نویسنده مبارز ایرانی.
 ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)
 درگذشت عباس کاتوزیان نقاش ایرانی، بر اثر کهولت سن در سن ۸۵ سالگی در تهران. وی از شاگردان کامالملک نقاش بود.
 ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)
 درگذشت صمد سرداری‌نیا، محقق و مورخ تاریخ معاصر کشور و آذربایجان. وی متولد اردیبهشت ۱۳۲۶ بود. از آثار او می‌توان از مشاهیر آذربایجان، قره‌باغ در گذرگاه تاریخ، تبریز شهر اولین‌ها، تبریز در نهضت تنباکو، آذربایجان پیشگام جامعه مدنی و باقرخان سالار ملی نام برد.
 ۱۳۹۱ خورشیدی (۲۰۱۲ میلادی)
 درگذشت فریدون پوررضا، خواننده و موسیقیدان گیلک و صاحب‌نظر در زمینه موسیقی فولکلوریک گیلکی

۲۵ فروردین (۱۴ اپریل)



۱۲۷۹ خورشیدی (۱۹۰۰ میلادی)
 زادروز محمد حجازی، نویسنده، رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس، مترجم، سیاستمدار و روزنامه‌نگار ایرانی
 مجموعه کتاب‌های محمد حجازی (از انتشارات شرکت کتاب) در شرکت کتاب موجود می‌باشند
 ۱۲۸۱ خورشیدی (۱۹۰۲ میلادی)
 زادروز ابوالحسن صبا - موسیقیدان و نخستین تدوین‌گر نت در موسیقی ایرانی
 کتاب‌های نت استاد در شرکت کتاب موجود اند
 ۱۲۹۱ خورشیدی (۱۹۱۲ میلادی)

سرور مهکامه، شاعر ایرانی در لاهیجان به دنیا آمد (او در شمار هیئت ریسه‌ی نخستین کنگره نویسندگان ایران در سال ۱۳۲۵ بود)
 ۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۳ میلادی)
 درگذشت مهدی محی‌الدین قشتمه‌ای - استاد فلسفه در دانشگاه و مفسر قرآن کریم
 ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)
 درگذشت امیراسدالله علم - نخست وزیر و وزیر دربار پهلوی



کتاب‌های اورژینال یادداشت‌های اسدالله علم به کوشش دکتر عالیخانی و از انتشارات آیکس در شرکت کتاب موجود می‌باشند.
 ۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)
 درگذشت اکبر داناپرست استاد و دانشمند علوم ریاضی
 کتاب آثار الباقیه ابوریحان بیرونی به کوشش شادروان داناپرست در شرکت کتاب موجود است

۲۶ فروردین (۱۵ اپریل)

۱۲۴۰ خورشیدی (۱۸۶۱ میلادی)
 زادروز عمادالکتاب استاد خوشنویس، شاعر و عضو کمیته مجازات در قزوین
 ۱۳۰۷ خورشیدی (۱۹۲۸ میلادی)
 زادروز نادر جهانمائی خلبان نیروی هوایی شاهنشاهی ایران و پدر آکروچت ایران
 ۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی)
 زادروز محمدعلی کشاورز، بازیگر سینما و تئاتر ایران.
 ۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)
 تشکیل «جمعیت پرورش کودک» به مدیریت نصرت مشیری
 ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)
 درگذشت بهروز مقصدلو، هنرمند، معمار و مستندساز ایرانی در سن ۶۰ سالگی بر اثر سکته قلبی در بیمارستان کسری در تهران.

۲۷ فروردین (۱۶ اپریل)

۱۳۳۵ خورشیدی (۱۹۵۶ میلادی)
 به تصمیم کنسر سیوم، میزان استخراج نفت ایران، دو و نیم میلیون تن افزایش یافت



۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت استاد احمد باربد نوازنده استاد موسیقی اصیل ایرانی و نوازنده برجسته تار در تهران.

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت هادی میرمیران معمار برجسته ایرانی در سن ۶۱ سالگی در پی عمل جراحی در ستون فقرات، در آلمان و در ایران به خاک سپرده شد. از آثار وی: طرح کتابخانه ملی ایران، ساختمان مرکزی بانک توسعه صادرات، موزه ملی آب ایران و...

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت دکتر ابوالحسن فرهودی در پاریس، استاد پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی تهران و بنیانگذار رشته فوق تخصصی ایمونولوژی در ایران

۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

حمیده خیرآبادی، (نادره) - بازیگر باتجربه سینما و تلویزیون ایران و مادر ثریا قاسمی، دیگر هنرپیشه سرشناس ایرانی، در ۸۶ سالگی در تهران درگذشت. حمیده خیرآبادی متولد ۳۰ آذر ۱۳۰۳ در رشت بود و تحصیلاتش را با وجود ازدواج زودرس در نوجوانی (۱۳ سالگی) تا دیپلم ادامه داد. او از سال ۱۳۲۶ با بازی در تئاتر وارد دنیای هنرپیشگی شد و پس از آن در سال ۱۳۳۲ با بازی در نقش یک مادر در فیلم «میهن پرست» به سینما وارد شد و در سالهای پیش از انقلاب با نام سینمایی «نادره» شهرت و محبوبیت یافت.

۳۱ فروردین (۲۰ اپریل)

۱۳۵۴ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)

پخش اعلامیه مقامات امنیتی، درباره «فران نه تن از ماجراجویان زندانی از زندان اوین و کشته شدن آن‌ها به ضرب گلوله ی مأموران»

۱۱ اردیبهشت (۲۱ اپریل)

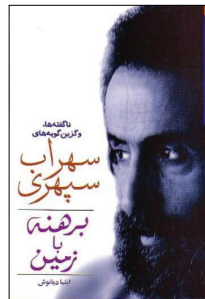
۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۷ میلادی)

درگذشت ادیب الممالک فراهانی
۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)
زادروز محمد مختاری، شاعر و پژوهشگر و از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای با آمریت علی خامنه‌ای و مصباح یزدی
۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)

درگذشت محمدتقی بهار (ملک الشعراء)، شاعر، ادیب و سیاستمدار

۱۳۳۵ خورشیدی (۱۹۵۶ میلادی)

زادروز مدیا کاشیگر، شاعر، قصه نویس و مترجم
۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)
درگذشت سهراب سپهری - شاعر و نقاش صاحب سبک معاصر. از آثار او اتاق آبی و هشت کتاب
آثار سهراب سپهری به صورت کتاب و کتاب گویا در شرکت کتاب موجود می باشند
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)



نصب لوح یادبود در رستوران میکونوس در برلین آلمان به مناسبت ترور دکتر صادق شرفکندی، فتح عدلی، همایون اردلان و نوری دهکردی از رهبران حزب دمکرات کردستان، در این محل

۲۲ اردیبهشت (۲۲ اپریل)

۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)

درگذشت سرتیپ ستاد محمود افشارطوس، ریس کل شهربانی در دولت دکتر مصدق که به طرز مشکوکی به قتل رسید

۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)

زادروز قیصر امین پور، شاعر
۱۳۶۶ خورشیدی (۱۹۸۷ میلادی)
درگذشت محمود محمودی خوانساری - خواننده و موسیقیدان

۱۳ اردیبهشت (۲۳ اپریل)

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)

درگذشت بهمن هیرید، مدیر و موسس مجله موزیک ایران
۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)
درگذشت محمودولی قرنی، نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی

۱۳۷۳ خورشیدی (۱۹۹۴ میلادی)

درگذشت ابوالحسن ورزی - شاعر

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت ایرج رستمی روزنامه نگار و ناشر روزنامه «ایران نیوز» در شهر گلندل کالیفرنیا

۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی)

درگذشت دکتر هلاکرامید رجل سیاسی دوران حکومت محمدرضاشاه پهلوی، نماینده مجلس شورای ملی و دبیرکل حزب مردم و رئیس دفتر و مشاور سیاسی شاهزاده رضا پهلوی در تبعید، در پاریس

۴ اردیبهشت (۲۴ اپریل)

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)

تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

تأسیس فرستنده رادیو ایران

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)

زادروز شهلا لاهیجی، مترجم، ناشر، و فعال حقوق زنان

۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)

درگذشت سپهبد نادر باتمان‌قلیچ، رییس ستاد ارتش شاهنشاهی در دوره محمدرضاشاه پهلوی.

۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)

درگذشت لیلی متین‌دفتری هنرمند، نقاش و مدرس دانشگاه هنرهای زیبا دانشگاه تهران در پاریس. لیلی دختر دکتر احمد متین‌دفتری نخست‌وزیر پیشین ایران و نوه دکتر محمد مصدق بود.

۵ اردیبهشت (۲۵ اپریل)

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)

شرکت فرخنده جوراچی، نخستین نماینده رسمی زنان ایران در کنگره جهانی زن

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

انجام مراسم گشایش دستگاه فرستنده «رادیو تهران»

۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)

زادروز عمادالدین باقی، تاریخدان، نویسنده، فعال حقوق بشر، روزنامه‌نگار، زندانی سیاسی، رئیس و بنیانگذار کمیته دفاع از حقوق زندانیان و از اعضای سابق سپاه پاسداران و نویسنده کتاب درسی تاریخ معاصر دبیرستانهای ایران در اواخر دهه هفتاد خورشیدی است

۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)

شهبانوی ایران فرح پهلوی به همراهی آندره مالرو در پاریس خانه ایران را در خیابان شانزه لیزه افتتاح کرد.

۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۵ میلادی)

درگذشت رحیم مؤذن‌زاده اردبیلی، گوینده اذان ایرانی مشهور و تاریخی جهان اسلام در آواز بیات ترک و در گوشه روح الارواح

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

درگذشت بیژن ترقی، شاعر و ترانه‌سرا بر اثر نارسایی تنفسی در سن ۸۰ سالگی در تهران. وی در ۱۲ اسفند ۱۳۰۸ در تهران متولد شد و از سال ۱۳۳۵ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد.

کتاب خاطرات زنده یاد بیژن ترقی با عنوان از پشت دیوارهای خاطره و کتاب سروده‌های او با عنوان آتش کاروان در شرکت کتاب موجود هستند

۱۶ اردیبهشت (۲۶ اپریل)

۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)

زادروز فریبا صدیقی، قصه نویس و شاعر

۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)

درگذشت اسماعیل مهردادش، نوازنده تار و معلم موسیقی

۱۳۷۲ خورشیدی (۱۹۹۳ میلادی)

درگذشت حسینعلی هروی، نویسنده و پژوهشگر ادبیات و موسیقی ایرانی

۱۳۷۹ خورشیدی (۲۰۰۰ میلادی)

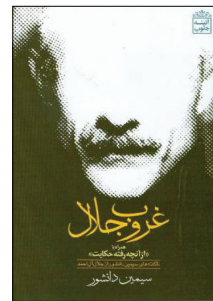
درگذشت نورالدین رضوی سروستانی - خواننده و ردیفان - از آثار وی دوره ردیف آوازی به روایت نورعلی بیرومند است.



۱۷ اردیبهشت (۲۷ اپریل)

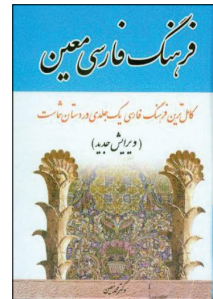
۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۷ میلادی)
انتشار نخستین شماره از روزنامه «تجدد ایران» به مدیریت میرزا سید محمد طباطبائی در تهران
۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۲ میلادی)
رابندرناث تاگور، ادیب و فیلسوف هندوستان، برای یک دیدار فرهنگی وارد تهران شد
۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۲ میلادی)
زادروز تورج نگهبان، شاعر و ترانه سرا
۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)
انتصاب دکتر محمد مصدق به نخست‌وزیری
۱۳۷۹ خورشیدی (۲۰۰۰ میلادی)
درگذشت نورالدین رضوی سروستانی، خواننده و ریصدان موسیقی ایرانی

۱۸ اردیبهشت (۲۸ اپریل)



۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی)
زادروز سیمین دانشور، داستان نویس
کتاب‌های شادروان سیمین دانشور در شرکت کتاب موجود است
۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی)
زادروز جمیله شیخی، هنرپیشه و بازیگر ایرانی
۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)
سید جعفر پیشه‌وری، صدر فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، با هیئتی وارد تهران شد
۱۳۴۵ خورشیدی (۱۹۶۶ میلادی)
زادروز علیرضا پهلوی (دوم)، فرزند سوم محمدرضا شاه پهلوی و شهبانو فرح دیبا
۱۳۴۵ خورشیدی (۱۹۶۶ میلادی)
زادروز سیدعلیرضا میرعلینقی، پژوهشگر تاریخ موسیقی، نوازنده سنتور و از تهیه‌کنندگان سالنامه‌های موسیقی ایران
۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)
زادروز بهرام رادان، هنرپیشه و بازیگر ایرانی
۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۶ میلادی)
درگذشت جعفر روحبخش، هنرمند نقاش ایرانی
۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)
درگذشت منوچهر سخایی (زاده ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران)
خواننده و بازیگر سینمای قبل از انقلاب، از قدیمی‌ترین چهره‌های موسیقی پاپ و از بازماندگان نسلی است که با اجرای ترانه‌های عاشقانه بر بستر ملودی‌های ایرانی، با ارکسترهای غربی و کلام فارسی، در اواخر دهه ۳۰ خورشیدی، محبوبیت خیره‌کننده‌ای برای این سبک موسیقی به ارمغان آوردند.

۹ اردیبهشت (۲۹ اپریل)

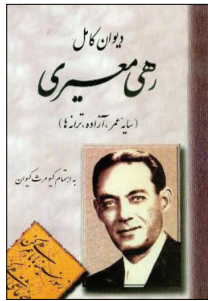


۱۲۹۷ خورشیدی
زادروز استاد دکتر محمد معین، دانشمند، نویسنده، پژوهشگر و رئیس سازمان لغتنامه دهخدا و پدیدآورنده فرهنگ معین
کتاب فرهنگ‌های دهخدا و معین در کتابفروشی شرکت کتاب موجود است
۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)
درگذشت اسماعیل آشتیانی، نقاش
۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)
درگذشت احسان طبری، نویسنده، شاعر، پژوهشگر و از اعضای کمیته مرکزی حزب توده
۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی)
درگذشت علی‌اصغر زند وکیلی، خواننده
۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی)
درگذشت دکتر غلامحسین صدیقی، جامعه‌شناس و از اعضای جبهه ملی و وزیر کشور در کابینه دکتر محمد مصدق
۱۳۸۰ خورشیدی (۲۰۰۱ میلادی)
درگذشت کورش کوشان، از نخستین بازیگران کودک در سینمای ایران

۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)

مرگ خودخواسته سیامک پورزند، روزنامه نگار کهنه کار مقیم ایران، که خود را از بالکن منزل مسکونی‌اش در تهران به پایین پرتاب کرد و به زندگی خود پایان داد.

۱۰ اردیبهشت (۳۰ اپریل)



۱۱۵۰ خورشیدی (۱۸۷۱ میلادی)
درگذشت درویش عبدالمجید طالقانی، استاد خوشنویسی و شاعر، او ابداع‌کننده سبک شکسته نستعلیق در خوشنویسی بود.
۱۲۸۸ خورشیدی (۱۹۰۹ میلادی)
زادروز محمد حسن (بیوک) معیری-رهی، شاعر و ترانه سرا- از آثار وی شب جدایی، آزادها و مجموعه شعرهای آزاده و سایه‌ی عمر.
کتاب‌های راهی معیری در شرکت کتاب موجود هستند
۱۳۲۳ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی)
انتشار مجله «بیداری ما» توسط زهرا اسکندری
۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۵ میلادی)
یورانده شجعی به دریافت درجه دکترا نائل شد. او نخستین استاد زن در دانشکده‌ی ادبیات اصفهان بوده است.
۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)
درگذشت اسماعیل آشتیانی، نقاش، وی از شاگردان کمالاتک بود
۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)
درگذشت روح انگیز سامی نژاد، اولین بازیگر زن سینمای ایران، بازیگر نقش «دختر لر» در فیلمی به همین نام و فیلم لیلی و مجنون

۱۱ اردیبهشت (۱ می)

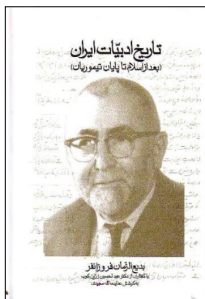
۱۲۷۵ خورشیدی (۱۸۹۶ میلادی)
تور ناصرالدین‌شاه قاجار به دست میرزا رضا کرمانی در حرم حضرت عبدالعظیم در شهر ری.
۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۲ میلادی)
افتتاح آرامگاه سعدی در شیراز توسط محمدرضاشاه پهلوی و ملکه ثریا
۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)
درگذشت مرتضی مطهری، نویسنده و مجتهد و رییس شورای انقلاب اسلامی و تئوریسین جمهوری اسلامی به دست افراد گروه فرقان شد.
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
درگذشت کیومرث صابری فومنی، نویسنده، طنزپرداز و مدیر مسئول و سردبیر نشریه‌ی گل آقا
۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)
درگذشت رضا سیدحسینی مترجم سرشناس در ایران
آثار نویسندگان بزرگی چون آندره مالرو، مارگریت دوراس، یاشار کمال، ژان پل سارتر، آندره ژید، آلبر کامو و بالزاک و... توسط سیدحسینی به فارسی برگردانده شده.
۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)
اعدام دلارا دارابی، نوجوانی نقاش که در سن ۱۷ سالگی مرتکب قتل شده بود توسط قوه قضاییه نظام جمهوری اسلامی ایران در رشت.

۱۲ اردیبهشت (۲ می)

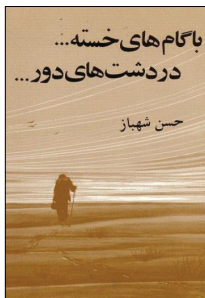
۱۳۰۲ خورشیدی (۱۹۲۳ میلادی)
زادروز رضا ارحام صدر، هنرمند سینما و تئاتر در اصفهان
۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)
درگذشت غلامحسین رهنما، معاون دانشگاه تهران و استاد ریاضیات
۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)
درگذشت حسین مجابی، نقاش مدرنیست

۱۳ اردیبهشت (۳ می)

۱۳۱۶ خورشیدی (۱۹۳۷ میلادی)
زادروز محمد حقوقی، شاعر، منتقد و تحلیلگر ادبی
۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۱ میلادی)
درگذشت جهانگیر مراد حسام السلطنه، نوازنده ویولن و آهنگساز



بود. تصحیح کلیات شمس تبریزی از کارهای برجسته فروزانفر به شمار می‌آید.
 آثار استاد فروزانفر در شرکت کتاب موجود هستند و یکی از آثار ایشان «دیوان شمس کبیر» توسط انتشارات شرکت کتاب مجدداً منتشر شده است
 ۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۷ میلادی)
 درگذشت محمدعلی امیرجاهد - نویسنده و موسیقیدان و تصنیف سرا
 ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
 درگذشت حسین منزوی، شاعر غزل‌سرا در ۵۸ سالگی در تهران - از آثار او: «با سیاوش از آتش»، «عشق در حوالی فاجعه»، «از ترمه و تغزل»، «ترجمه‌ی حیدر بابای شهریار» و...

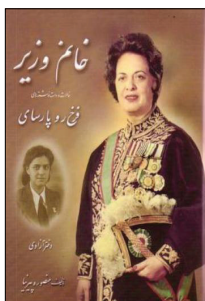


۱۱ اردیبهشت (۷ می)
 ۱۳۲۹ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی)
 انتقال جسد رضاشاه به تهران و دفن در مقبره شهر ری
 ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی)
 درگذشت مهرداد اوستا شاعر و ادیب معاصر
 ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
 درگذشت حسن شهباز پژوهشگر، نویسنده، مترجم و ناشر فصلنامه ره آورد بر اثر سکته قلبی در بیمارستانی در لوس آنجلس.
 آثار حسن شهباز در شرکت کتاب موجود است
 ۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

درگذشت باربد طاهری فیلمساز و نویسنده ایرانی، در بیمارستانی واقع در سن‌حوزه بر اثر بیماری. وی کارش را در سینما با فیلم «رگبار» بهرام بیضایی به عنوان فیلمبردار و تهیه‌کننده آغاز کرد و فیلم‌های «رفیق امیر نادری»، «زیر پوست شب»، «سمک عیار» و «... تهیه و فیلمبرداری کرد. وی از اعتراضات مردم در انقلاب با دوربین ۳۵ میلیمتری مجموعه مستندی ساخت بنام سقوط ۵۷.

۱۳۹۱ خورشیدی (۲۰۱۲ میلادی)
 درگذشت سمانه مرادیانی، شاعر و مترجم بر اثر خودکشی در سن ۲۴ سالگی. وی اولین مترجم ایرانی است که کتابی از ژرژباتای، متفکر فرانسوی را از طریق یک انتشارات رسمی به زبان فارسی برگردانده است.
 ۱۳۹۱ خورشیدی (۲۰۱۲ میلادی)

درگذشت ایرج قادری (زاده ۱۳۱۴ تهران)، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و بازیگر سرشناس و قدیمی سینمای ایران بود. ایرج قادری در ۴۱ فیلم کارگردان، ۴ فیلم نویسنده، ۷۲ فیلم بازیگر، ۹ فیلم تهیه‌کننده و ۱ فیلم تدوینگر بود. آخرین فیلم او شبکه (۱۳۸۹) بود.

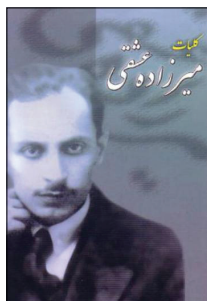


۱۱ اردیبهشت (۸ می)
 ۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)
 درگذشت غلامرضا رشید یاسمی - ادیب و شاعر و استاد دانشگاه
 ۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)
 اعدام فرخ و پارسا آموزش و پرورش کابینه دوم و سوم امیرعباس هویدا، به عنوان مفسد فی الارض در بنیادگاه جمهوری اسلامی با حکم صادق خلخالی
 کتاب خانم وزیر از انتشارات مهر ایران در مورد این زن فرهیخته منتشر شده و در شرکت کتاب موجود است

۱۹ اردیبهشت (۹ می)
 ۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۷)
 الغای کاپیتولاسیون در ایران
 ۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۳ میلادی)
 زادروز جمال میرصادقی، قصه‌نویس
 ۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)
 درگذشت ذبیح‌الله صفا در شهر لوک آلمان. وی از استادان ایرانی ادبیات فارسی بود. از تألیفات مشهور او می‌توان به تاریخ ادبیات در ایران اشاره کرد.

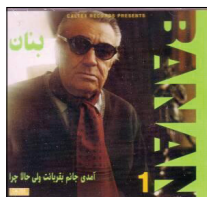
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
 درگذشت احمد میرفندرسکی آخرین وزیر امور خارجه‌ی ایران در پاریس
 ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
 درگذشت گل‌اندام طاهرخانی (سوسن) خواننده - در لوس آنجلس
 ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)
 درگذشت سید هادی میرمیران معمار و آرشیتکت نام آور ایرانی

۱۴ اردیبهشت (۴ می)



۹۰۱ خورشیدی (۱۵۲۲ میلادی)
 انتصاب کمال‌الدین بهزاد نگارگر نامدار به ریاست کتابخانه شاه اسماعیل صفوی
 ۱۲۹۵ خورشیدی (۱۹۱۶ میلادی)
 دستگیری و تبعید محمدتقی بهار (ملکالشعرا)
 ۱۳۰۲ خورشیدی (۱۹۲۳ میلادی)
 ارسال نامه‌ای تشکرآمیز به همراه یک سکه تاریخی برای میرزاده عشقی، جهت سروتن شعری به نام «کفن سیاه»، از سوی مه‌تاج رخشان، طراح «روپوش» به جای «چادر».
 کلیات مصور میرزاده عشقی در شرکت کتاب موجود است
 ۱۳۰۴ خورشیدی (۱۹۲۵ میلادی)
 نخستین بانک ایرانی (بانک سپه) گشایش یافت
 ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی)
 درگذشت احمد طاهری، ادیب و پژوهشگر
 ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)
 درگذشت اسماعیل داورفر، بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون

۱۵ اردیبهشت (۵ می)



۱۲۹۰ خورشیدی
 زادروز غلامحسین بنان خواننده ایرانی که از سالهای ۱۳۲۱ تا دهه ۵۰ در زمینه موسیقی ملی ایران فعالیت داشت. او عضو شورای موسیقی رادیو، استاد آواز هنرستان موسیقی تهران و بنیانگذار انجمن موسیقی ایران بوده است.
 آثار شادروان بنان در مرکز موسیقی و فیلم ایران وابسته به شرکت کتاب موجود است
 ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۹ میلادی)
 انتشار روزنامه‌ی «بانوان» به سردبیری شهناز آزاد (دختر حسن رشیدیه، بنیانگذار نخستین مدرسه مدرن در ایران)
 ۱۳۲۹ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی)
 زادروز گوگوش، هنرپیشه سینما و آوازه‌خوان

۱۶ اردیبهشت (۶ می)

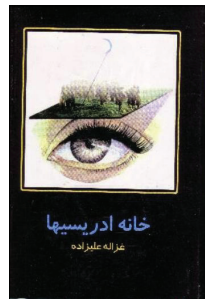
۱۲۹۰ خورشیدی (۱۹۱۱ میلادی)
 زادروز ذبیح‌الله صفا، مورخ و ادیب، مؤلف کتاب تاریخ ادبیات ایران
 ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی)
 انتشار روزنامه «قرن بیستم» به مدیریت میرزاده عشقی
 ۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)
 درگذشت بدیع الزمان فروزانفر - نویسنده و پژوهشگر محمدحسین بشرویه‌ای معروف به بدیع‌الزمان فروزانفر از اساتید برجسته زبان و ادبیات فارسی و مولوی‌شناس نامدار بود.
 وی از چهره‌های بزرگ پژوهش ادبیات فارسی و استاد گروهی از بزرگان ادبیات معاصر بوده‌است از جمله: دکتر عبدالحسین زرینکوب، دکتر محمدرضا شفیعیکنکی، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، دکتر محمدجعفر محجوب، دکتر سیمین دانشور، دکتر جلیل تجلیل، دکتر محمدامین ریاحی، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، دکتر حسینعلی هروی و دکتر سیدجعفر شهیدی.
 او خود شاگرد دهخدا بود. علامه دهخدا در سال ۱۳۱۴ مدرک دکترای وی را امضا و او را به سمت استادی دانشگاه تهران منصوب کرد.
 فروزانفر بنیانگذار نهضت تحقیق در متون کلاسیک ادبیات فارسی و تصحیح آنها

۲۰ اردیبهشت (۱۰ می)

۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی)
تأسیس مدرسه هنرپیشگی سینما، توسط اوانس اوگانیانس
۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)
فرزاد کمانگر فعال حقوق بشر، فعال محیط زیست، روزنامه‌نگار و فعال صنفی، و معلم کرد ایرانی بود که به جرم عضویت و همکاری با پژاک در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شد و در زندان اوین به دار آویخته شد

۲۱ اردیبهشت (۱۱ می)

۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۲ میلادی)
زادروز شهره آغداشلو (وزیری تبار) هنرپیشه تئاتر و سینما
برنده جایزه اسکار برای بهترین هنرپیشه نقش مکمل زن در سال ۲۰۰۳ میلادی، برای بازی در فیلم خانه‌ای از شن و مه و همچنین در سال ۲۰۰۹ میلادی، برای بازی در نقش مکمل زن در مجموعه تلویزیونی خاندان صدام، موفق به دریافت جایزه معتبر امی شد.
۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۶ میلادی)
خودکشی غزاله علیزاده، نویسنده «خانه ادیسی‌ها»
کتاب‌های غزاله علیزاده در شرکت کتاب موجود است
۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)
درگذشت خسرو شاهانی، نویسنده و طنز پرداز
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
مراسم خاکسپاری گلندام طاهرخانی (سوسن) با حضور تعداد کثیری از ایرانیان در گورستان «پیرس برادرز» در نورت هالیوود (جنوب کالیفرنیا) برگزار شد.



۲۲ اردیبهشت (۲۱ می)

۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی)
درگذشت دکتر موسی عمید - استاد و رییس دانشکده حقوق و نایب رییس مجلس شورای ملی

۲۳ اردیبهشت (۱۳ می)

۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)
درگذشت محمدحسن اصفهانی (ادیب الدوله) - سیاستمدار و مدرس و رییس مدرسه دارالفنون
۱۳۱۸ خورشیدی (۱۹۳۹ میلادی)
زادروز محمد مهربار، معمار، مرمتگر، باستانشناس، نویسنده و پژوهشگر

۲۴ اردیبهشت (۱۴ می)

۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۵ میلادی)
زادروز پرویز مشکاتیان، نوازنده و نوازگر
۱۳۶۳ خورشیدی (۱۹۸۴ میلادی)
درگذشت حبیب یغمایی - محقق، نویسنده و روزنامه‌نگار - حبیب یغمایی به مدت سی سال تمام و بدون وقفه ماهنامه ادبی و فرهنگی یغما را منتشر کرد که خود مدیر و سردبیر آن بود. دوره یغما یکی از مهمترین منابع ادبی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ است.
۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی)
درگذشت حسن کامکار، نوازنده و استاد ویلن و مدرس موسیقی

۲۵ اردیبهشت (۱۵ می)

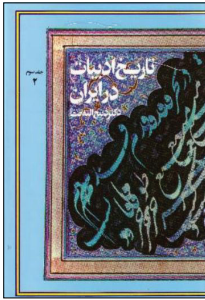
۱۲۷۰ خورشیدی (۱۸۹۱ میلادی)
لغو امتیاز تنباکو در دوران ناصرالدین شاه
۱۳۲۷ خورشیدی (۱۹۴۸ میلادی)
درگذشت شکرالله قهرمانی، نوازنده تار
۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۳ میلادی)
درگذشت مهدی محی الدین الهی قمشه‌ای - استاد فلسفه دانشگاه و مفسر قرآن

۲۶ اردیبهشت (۱۶ می)

۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)
درگذشت حسن رامرد، آهنگساز و نوازنده پیانو

۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)

درگذشت ذبیح الله صفا - پژوهشگر در زمینه تاریخ ادبیات فارسی
کتابهای شادروان ذبیح الله صفا در شرکت کتاب موجود است

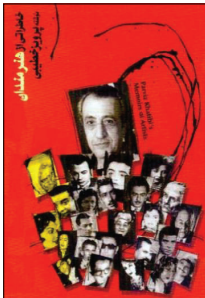


۲۷ اردیبهشت (۱۷ می)

۱۲۷۹ خورشیدی (۱۹۰۰ میلادی)
زادروز روح‌الله خمینی، پایه‌گذار جمهوری اسلامی در ایران و آغازگر حکومت استبدادی دینی و نابودی ارزش‌های انسانی و ملی در ایران

۲۸ اردیبهشت (۱۸ می)

۱۳۰۲ خورشیدی (۱۹۲۳ میلادی)
زادروز پرویز خطیبی، روزنامه‌نگار، طنزپرداز، ترانه‌سرا، نمایشنامه‌نویس، و برنامه‌ساز رادیو و تلویزیون
شرکت کتاب ناشر کتاب کامل خاطرات شادروان پرویز خطیبی با عنوان «خاطراتی از هنرمندان»
۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)
انتشار نخستین شماره‌ی مجله «زادی زنان» به صاحب امتیازی ظفردخت اردلان
۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)
آغاز ساخت آرامگاه خیام نیشابوری از سوی انجمن آثار ملی ایران با طراحی مهندس سیحون



۲۹ اردیبهشت (۱۹ می)

۱۲۶۱ خورشیدی (۱۸۸۲ میلادی)
زادروز دکتر محمد مصدق، دولتمرد بزرگ ایرانی و نخست وزیر ایران از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲. وی همچنین به عنوان معمار ملی شدن صنعت نفت ایران که زیر نفوذ بریتانیا (شرکت نفت ایران و انگلیس بعدها بریتیش پترولیوم بی پی) بود شناخته می‌شود.

۱۲۹۱ خورشیدی (۱۹۱۲ میلادی)

کشته شدن پیرم خان ارمنی، سردار مشروطه ایران در جنگ با ابوالفتح میرزا سالارالدوله.

۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)

انتشار نخستین شماره مجله «زنان» به صاحب امتیازی صفیه فیروز
۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)
زادروز جعفر مدرس صادقی، قصه نویس
۱۳۶۵ خورشیدی (۱۹۸۶ میلادی)
درگذشت خان بابا معتضدی از پیشگامان سینمای ایران

۳۰ اردیبهشت (۲۰ می)

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)
زادروز احمدرضا احمدی، شاعر نوپرداز در کرمان

۳۱ اردیبهشت (۲۱ می)

۱۳۵۴ خورشیدی (۱۹۷۵۰ میلادی)
زادروز همایون شجریان، خواننده و نوازنده تنبک و کمانچه
اصل آثار این هنرمند در مرکز موسیقی و فیلم ایران وابسته به شرکت کتاب برای فروش موجود است
درگذشت ذبیحاله بداعی، بنیانگذار و سردبیر مجله موزه‌ها در ایران
۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)
درگذشت معصومه سیحون (منیر نوشین)، هنرمند نقاش و موسس گالری سیحون در سن ۷۵ سالگی بر اثر خونریزی مغزی و کهولت سن در تهران. وی متولد ۱۳۱۳ در رشت بود. وی همسر هوشنگ سیحون رئیس دانشکده هنرهای زیبا و معماری تهران بود.



و سکوت درگذشت. وی متولد سال ۱۲۹۳ شمسی در تبریز بود. کتاب خاطرات و یادداشت‌های ارتشبد فریدون جم نوشته دکتر مرتضی مشیر از انتشارات شرکت کتاب
۱۳۹۰ خورشیدی (۲۳ می ۲۰۱۱ میلادی)
درگذشت ناصر حجازی، دروازه‌بان مشهور ایرانی که از یک سال و نیم پیش از آن گرفتار بیماری سرطان ریه بود، در سن شصت و دو سالگی در بیمارستان کسری در تهران درگذشت.

۳ خرداد (۲۴ می)

۱۲۹۱ خورشیدی (۱۹۱۲ میلادی)
تدفین جنازه بیرم‌خان در دبیرستان کوشش تهران (خیابان نادری)
۱۳۲۶ خورشیدی (۱۹۴۷ میلادی)
افتتاح نخستین کنگره کارگران ایران
۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۱ میلادی)
درگذشت فرهاد ارژنگی نوازنده تار و آهنگساز
۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی)
درگذشت نصرالله فلسفی - نویسنده و پژوهشگر
۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)
خرمشهر، از متجاوزین عراقی بازپس گرفته شد.
۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۳ میلادی)
درگذشت عماد رام هنرمند آواز

۴ خرداد (۲۵ می)

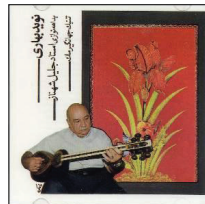
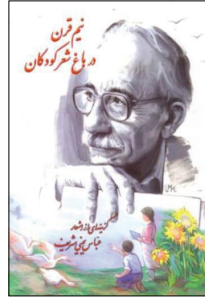
۱۲۸۶ خورشیدی (۱۹۰۷)
زادروز عبدالحسین سپنتا - از نخستین سینماگران ایران
۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی)
کشته شدن شیخ محمد خیابانی، از فعالان انقلاب مشروطیت ایران. وی در خامنه در نزدیکی تبریز متولد شد و از فعالان سیاسی در دوره انقلاب مشروطه ایران بود. او در مجلس دوم به وکالت رسید و بعد از دوره دوم به تبریز رفت و قیام نمود، که سرانجام این قیام به شکست و کشته شدن وی منتهی شد.
۱۳۱۶ خورشیدی (۱۹۳۷)
زادروز جهانبخش پازوکی - آهنگساز و نوازنده
۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹)
درگذشت محمدتقی کمال تهرانی - خوشنویس
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
درگذشت امین امینی کارگردان و بازیگر سینما و تئاتر در سن ۷۴ سالگی در لندن

۵ خرداد (۲۶ می)

۱۳۰۲ خورشیدی (۱۹۲۳ میلادی)
زادروز پرویز شاپور، کاریکلماتوریست، در رقم
۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)
انتصاب نخستین اعضای فرهنگستان ایران از سوی هیأت وزیران وقت:
محمدعلی فروغی، علی‌اکبر دهخدا، محمدتقی بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، غلامرضا رشیددایمی، عبدالعظیم قریب، عیسی صدیق، محمد حسابدی، رضازاده شفق، علی‌اصغر حکمت، سعید نفیسی و غلامحسین رهنما
۱۳۱۷ خورشیدی (۱۹۳۸ میلادی)
اعلام نامزدی ولیعهد (محمدرضایپهلوی) با فوزیه، خواهر پادشاه مصر
۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)
درگذشت ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای - روزنامه نگار و ادیب
۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)
درگذشت علی‌اکبر سیاسی، نویسنده، پژوهشگر، استاد و رییس دانشگاه تهران
۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)
درگذشت محمدمهدی کمالیان، نوازنده و سازنده سه‌تار

۶ خرداد (۲۷ می)

۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)
درگذشت ادیب نیشابوری - ادیب، شاعر و مدرس
شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری، فرزند ملا عباس، در سال ۱۲۸۱ هجری قمری در نیشابور زاده شد. وی شاعری خوش قریحه بود و درسودن شعر از سبک قائنی



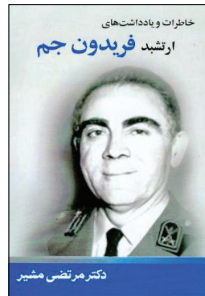
۱ خرداد (۲۲ می)

۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۷ میلادی)
ترور عبدالمجیدخان متین السلطنه - نماینده سابق مجلس و مدیر روزنامه «عصرجدید» (توسط اعضای کمیته‌ی مجازات)
۱۲۹۸ خورشیدی (۱۹۱۹ میلادی)
زادروز عباس یمینی شریف - نویسنده ادبیات کودکان و مدیر روزنامه نونهال
کلیه آثار شادروان یمینی شریف که توسط فرزند او هومن یمینی شریف منتشر می‌شود در شرکت کتاب برای فروش موجود است
۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی)
زادروز جلیل شهنان، نوازنده ی تار
اصل آثار استاد جلیل شهنان در مرکز موسیقی و فیلم ایران وابسته به شرکت کتاب برای فروش موجود است
۱۳۰۷ خورشیدی (۱۹۲۸ میلادی)
تصویب قانون اعزام محصل به خارج
۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)
زادروز نازنین بنیادی، بازیگر سینما مقیم کالیفرنیا و سخنگوی سازمان عفو بین‌الملل در آمریکا
این هنرمند به تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۱۱ با مجله ایرانشهر شماره ۱۳ با عنوان «جمهوری اسلامی حقوق بشر را به بازی گرفته است» مصاحبه کرد و جمهوری اسلامی را به نقض آشکار حقوق بشر متهم کرد.
۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)
خودکشی عباس نعلبندیان - نمایشنامه نویس و بازیگر تئاتر (متولد سال ۱۳۲۶)
۱۳۷۱ خورشیدی (۱۹۹۲ میلادی)

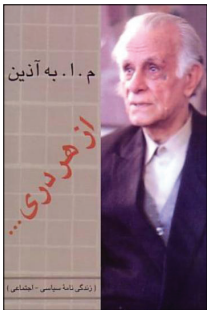
درگذشت بهرام فروشی، مؤلف و پژوهشگر تاریخ دکتر بهرام فروشی به سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۴۱ به آموزش در دانشگاه تهران مشغول شد و مدت بیست سال زبان‌های اوستایی، پارسی باستان، پارسی میانه (پهلوی)، اسطوره‌های ایرانی، خط‌های باستانی، لهجه‌شناسی ایرانی و تمدن و فرهنگ ایران را آموزش داد. بیشتر کارهای او درباره فرهنگ و تاریخ ایران باستان است. اندکی پس از انقلاب از ایران خارج و در آمریکا ساکن شد. در ۶۶ سالگی در شهر سن خوزه در کالیفرنیا ای آمریکا زندگی را بدرود گفت.
۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)
درگذشت مهدی ناظمی، نوازنده و سازنده چیره‌دست سنتور

۲ خرداد (۲۳ می)

۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۷ میلادی)
زادروز احمد صدر حاج‌سیّدجواد، بنیانگذار نهضت آزادی ایران و از اعضای نهضت مقاومت ملی.
۱۳۰۲ خورشیدی (۱۹۲۳ میلادی)
زادروز مجید محسنی - بازیگر و کارگردان سینما
۱۳۴۳ خورشیدی (۱۹۶۴ میلادی)
درگذشت حبیب کهن، بنیانگذار کنیسه کهن در ایران
۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)
درگذشت پروفیسور احمد پارسا، گیاه‌شناس و بنیانگذار موزه تاریخ طبیعی ملی ایران، فلور ایران (به زبان فرانسه) از آثار مهم اوست.
۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)
درگذشت ارتشبد فریدون جم، یکی از نزدیک‌ترین شاهدان حوادث مهم تاریخ معاصر ایران، از تحصیلکرده‌ترین امرای ارتش، اولین داماد رضاشاه، همراه و محرم او در تبعید، از معلمان نظامی آخرین پادشاه ایران، رییس ستاد ارتش شاهنشاهی و دیپلمات، پس از گذشت بیش از سی سال دوری از ایران، در سن ۹۴ سالگی در بیمارستانی خارج از شهر لندن در تنهایی



ادامه در صفحه بعد



۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)
 درگذشت دکتر حسن ارسنجانی - وزیر پیشین کشاورزی و مجری لایحه ی اصلاحات ارضی - روزنامه نگار و وکیل دادگستری
 ۱۳۸۰ خورشیدی (۲۰۰۱ میلادی)
 درگذشت شاهزاده لیلیا پهلوی، در لندن
 یادبودنامه شاهزاده لیلیا پهلوی که توسط انتشارات مهر ایران منتشر شده است در شرکت کتاب موجود است
 ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)
 درگذشت حبیبالله کسمایی فیلمنامه‌نویس
 ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
 درگذشت حسین ملک، جامعه شناس، محقق، اندیشمند فلسفه و نویسنده در سن ۸۳ سالگی در پاریس
 ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت محمود اعتمادزاده (م.به آذین) مترجم و شاعر نامدار ایرانی. متولد ۱۲۹۳ خورشیدی در شهر رشت. یکی از معروف ترین آثار او ترجمه «نون آرام» اثر میخائیل شولوخوف.
 بهادین در عرصه نمایشنامه نویسی هم قلم آزمود. نمایشنامه کاوه (۱۳۵۵) گویای حدیثی باستانی با بیان و شگردهای هنری معاصر است.
 آثار بسیاری از نویسندگان بزرگ جهان (بالزاک، رومن رولان، شکسپیر، شولوخوف...) را به فارسی شیوایی ترجمه کرد. وسواسش در انتخاب آثار، و روانی و دقت ترجمه‌هایش، به او جای ویژه‌ای در میان مترجمان مشهور ایران داده است.

کتابهای اعتمادزاده (به آذین) در شرکت کتاب موجود است.

۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)
 آندره آرزومانیان نوازنده برجسته پیانو که از بیماری سرطان استخوان رنج می‌برد در سن ۵۶ سالگی، در تهران درگذشت.
 آندره آرزومانیان نوازنده «پیانو» و سازنده موسیقی متن فیلمهای «سیمرغ» اکبر صادقی، «ماهی» کامپوزیا پرتویی، «شنکول و منگول» پرویز صبری، «رانده شده» جهانگیر جهانگیری، «سکوت» علی سجاده‌حسینی، «علی و غول جنگل» بیژن بیرنگ و مسعود رسام، «خانواده کوچک ما» شاپور قریب، «از بلور خون» جمشید عنذلیبی، «بی‌تو هرگز» هوشنگ درویشپور، بود.
 آقای آرزومانیان علاوه بر نوازندگی در ساخت موسیقی فیلم هم تا سال ۱۳۸۷ خورشیدی فعال بود، او کار خود را از سال‌های پس از انقلاب اسلامی آغاز کرده بود و از جمله درخشان‌ترین کارهایش در عرصه نوازندگی می‌توان به آلبوم پاییز طلایی اثر فریبرز لاچینی اشاره کرد.

۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)
 درگذشت عزت‌الله سحابی (متولد ۱۳۰۹، تهران - ۱۰ خرداد ۱۳۹۰، تهران) سیاستمدار ایرانی، روزنامه نگار، اقتصاددان، فعال ملی مذهبی، رهبر شورای فعالان ملی مذهبی ایران، عضو شورای انقلاب، رئیس ستاد بسیج اقتصادی کشور، عضو شورای بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی، نماینده مردم تهران در اولین مجلس خبرگان قانون اساسی و دوره اول مجلس شورای اسلامی

او همچنین رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت مهدی بازرگان بود که پس از استعفای دولت بازرگان در موقعیت اپوزیسیون قرار گرفت.
 وی فرزند پدیده سحابی از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران و پدر هاله سحابی از فعالان حقوق زنان و زندانی سیاسی بود.
 او یکی از زندانیان سیاسی سرشناس ایران بود که بیش از ۱۲ سال از عمر خود را در زندانهای حکومت پهلوی و ۳ سال را در جمهوری اسلامی سپری کرد و در سال‌های اخیر نیز به دلیل حمایت از جنبش سبز تحت بازجویی قرار گرفت.
 او مدیر مسئول نشریه ایران فردا بود که پس از دستگیری توسط دادگاه انقلاب و توقیف نشریه ایران فردا به عضویت افتخاری انجمن قلم آمریکا درآمد.
 عزت‌الله سحابی در بامداد ۱۰ خرداد ۱۳۹۰ در بیمارستان مدرس تهران و پس از ۶۰ سال فعالیت سیاسی درگذشت.

لازم بیاد آوری است او یکی از نخستین کسان در انکار هولوکاست در ایران است.

پیروی می‌کرد. اما بعد از مدتی به شیوه ترکستانی روی آورد و سرانجام خود صاحب سبکی ویژه شد. از ادیب نیشابوری علاوه بر دیوان اشعار، «بخشی از شرح مغلقات سبغه و رساله‌ای در جمع بین عروض عربی و فارسی» باقیست.

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)
 انتشار روزنامه کیهان به صاحب امتیازی عبدالرحمن فرامرزی و مدیریت و سردبیری دکتر مصطفی مصباح‌زاده.
 ۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)
 تأسیس انجمن روزنامه نگاران
 ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۹ میلادی)
 درگذشت علامه محمدقزوینی - ادیب، پژوهشگر و مؤلف «بیست مقاله»
 ۱۳۲۹ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی)
 قتل احمد دهقان - مدیر نشریه تهران و نماینده مجلس شورای ملی و صاحب تماشخانه تهران به دست حسن جعفری کارمند شرکت نفت انگلستان.
 ۱۳۳۹ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)
 زادروز مهرداد فلاح، شاعر در لاهیجان
 ۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)
 درگذشت وارطان هوانسیان از معماران و پیشگامان معماری مدرن در ایران؛ از آثار وی: ساختمان بانک ملی ایران در تهران (شعبه دانشگاه تهران)
 ۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)
 درگذشت محمدرضا اعلامی کارگردان سینما.
 این کارگردان شامگاه ششم خرداد ماه در سن ۵۴ سالگی به دلیل عارضه سکته قلبی در خانهایش به دیار باقی شتافت. او به عنوان کارگردان ساخت فیلم‌هایی چون «نقطه ضعف»، «ترنج»، «شناسایی»، «عشق و مرگ»، «فعی»، «آشوبگران»، «ساقی»، «آنسوی آیین» و «رازها» را در پرونده کاری‌اش ثبت کرده است.

۷ خرداد (۲۸ می)

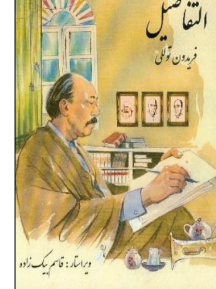
۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)
 زادروز محمد بیابانی، شاعر، در بوشهر
 ۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)
 گشایش اولین دوره مجلس شورای اسلامی
 ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)
 وقوع زلزله‌ای به قدرت ۶.۴ درجه ریشتر در استان‌های تهران، مازندران و مناطق کوهستانی شمال ایران

۸ خرداد (۲۹ می)

۱۳۳۶ خورشیدی (۱۹۵۷ میلادی)
 زادروز محسن مخملباف، نویسنده و فیلمساز، در تهران
 ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)
 درگذشت حبیب‌الله کسمایی، فیلمنامه نویس سینمای پیش از انقلاب ایران

۹ خرداد (۳۰ می)

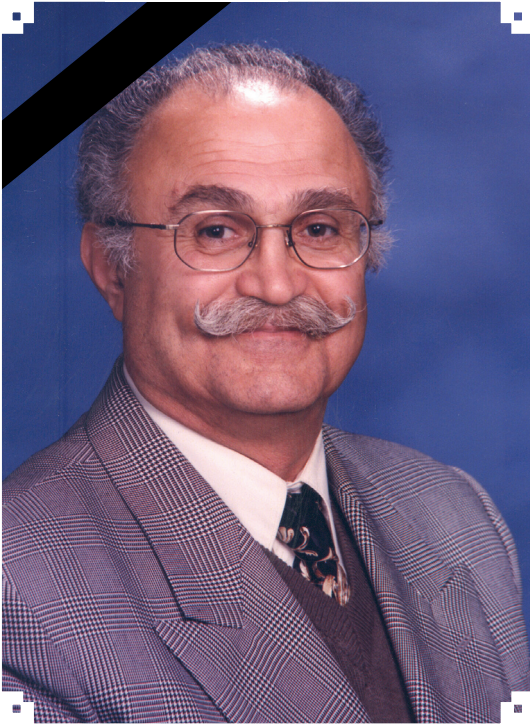
۱۲۸۶ خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی)
 انتشار اولین شماره روزنامه صوراسرافیل با همکاری میرزا قاسم خان تبریزی و میرزا جهانگیرخان شیرازی، با نویسندگی میرزا علی اکبر خان قزوینی معروف به دخو (دهخدا)



۱۲۹۸ خورشیدی (۱۹۰۹ میلادی)
 زادروز فریدون توللی، شاعر و باستان‌شناس
 ۱۳۰۳ خورشیدی (۱۹۲۴ میلادی)
 درگذشت دکتر علی اکبرخان ناظم الاطباء، پزشک و مؤلف «فرهنگ نفیسی»
 ۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)
 زادروز بیژن مفید، کارگردان و بازیگر تئاتر
 ۱۳۶۴ خورشیدی (۱۹۸۵ میلادی)
 درگذشت فریدون توللی، شاعر و باستان‌شناس
 کتابهای فریدون توللی در شرکت کتاب موجود است.

۱۰ خرداد (۳۱ می)

۱۲۹۰ خورشیدی (۱۹۱۱ میلادی)
 تصویب قانون طبابت و نظام پزشکی در مجلس



با هم و در کنار هم .

از بیرون به درون آمدم:

از منظر به نظاره به ناظر.

- نه به هیات گیاهی نه به هیات پروانه‌یی

نه به هیات سنگی نه به هیات برکه‌یی،

- من به هیات «ما» زاده شدم

به هیات پرشکوه انسان

تا در بهار گیاه به تماشای رنگین کمان پروانه بنشینم

غرور کوه را دریابم و هیبت دریا را بشنوم

تا شریطه‌ی خود را بشناسم

و جهان را به قدر همت و فرصت خویش معنا دهم

که کارستانی از این دست از توان درخت و پرنده و صخره و آبشار بیرون است.

انسان زاده شدن تجسد وظیفه بود:

توان دوست داشتن و دوست داشته شدن

توان شنفتن

توان دیدن و گفتن

توان اندوهگین و شادمان شدن

توان خندیدن به وسعت دل،

توان گریستن از سودای جان

توان گردن به غرور برافراشتن در ارتفاع شکوه‌ناک فروتنی

توان جلیل به دوش بردن بار امانت و توان غم‌ناک تحمل تنهایی

تنهایی، تنهایی، تنهایی عریان.

انسان دشواری وظیفه است...

«احمد شاملو»

مردی بزرگ

همسری فداکار، پدری مهربان، پدر بزرگی نازنین، برادری یگانه

و دوستی به غایت دوست

دارفانی را وداع گفت

مهندس فریدون ربیعی (فارغ التحصیل دانشگاه پهلوی شیراز)

به ملکوت پیوست، روانش شاد

دوستان به سوک نشسته او



کره: یک ملت دو رژیم دو اقتصاد!

شده است. این شکست‌های اقتصادی منجر به سقوط توان تولیدی کره شمالی خصوصاً در بخش کشاورزی گردیده و ظرف دو دهه اخیر چند مورد قحطی غذایی موجب مرگ حدود یک و نیم میلیون تن از مردم شد. فیلم‌ها و گزارش‌های خبری که از پیونگ‌یانگ - پایتخت کره شمالی - و سایر مناطق آن کشور تهیه شده نشان دهنده نوعی فضای اجتماعی و سیاسی عجیب و مالیخولیایی است، به طوری که رفتار مردم عادی بیشتر شبیه به روبات و آدم آهنی است تا انسان‌های طبیعی و معمولی.

در این کشور همه چیز توسط حکومت کنترل می‌شود و فهرست اعمال «ممنوع» بسیار مفصل است. داشتن دستگاه رادیو و یا تلویزیون‌های غیردولتی ممنوع است. هرگونه تماس با افراد خارجی ممنوع است. طرح پرسش در مورد وضعیت کشور ممنوع است. اگر هر فردی به هر دلیلی گرفتار پلیس و قانون شود، کسب خبر در مورد وضعیت او ممنوع است.



بار دیگر تهدیدات و اقدامات خطرناک رژیم کره شمالی و ماجراجویی‌های جنگ‌افروزان آن نگرانی‌های تازه‌ای در مورد احتمال برخورد‌های نظامی در شبه جزیره کره پدید آورده و تحولات این بحران قدیمی در صدر خبرهای جهانی قرار گرفته است.

رژیم کمونیستی کره شمالی منزوی‌ترین حکومت جهان به شمار می‌رود و هیأت حاکمه آن با یک ترکیب عجیب سیاسی و ایدئولوژیک گرچه رسماً جمهوری دموکراتیک خلق کره نام

دارد، اما نه دموکراتیک است و نه خلقی و نه جمهوری، بلکه در واقع یک نوع سلطنت موروثی است که حدود ۶۰ سال پیش توسط کیم ایل سونگ پایه‌گذاری شد و پس از او به فرزندش و سپس به نوه جوان وی منتقل گردید، در تمام شش دهه گذشته عملکرد خاندان کیم در اداره کره شمالی بسیار افراطی، بی‌رحمانه و حتی مالیخولیایی بوده. برای مثال این رژیم تمام امکانات کشور را فقط برای تولیدات نظامی و حفظ ارتش عظیم یک میلیون نفری بسیج کرده، حال آنکه کل جمعیت کشور فقط ۲۵ میلیون نفر است. این کشور از لحاظ نظامی همواره در حالت آماده‌باش جنگی قرار دارد و با گذشت حدود ۶۰ سال از جنگ خونین کره هنوز حاضر به امضای قرارداد صلح با کره جنوبی نیست.

سیاست تولید سلاح‌های اتمی که ناقض قوانین جاری سازمان ملل است موجب شده شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی بر علیه کره شمالی بیش از دو دهه ادامه یابد و اقتصاد ضعیف و لرزان آن کشور کاملاً نابود



امین اکبریان
allenakbari@yahoo.com



می‌سازد. مساحت کره شمالی حدود ۲۰ درصد بیش از همسایه جنوبی است و زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی بیشتری دارد، اما تولید اقتصادی (GDP) کره شمالی هر سال فقط ۲۸ میلیارد دلار است. اما کره جنوبی سالانه ۱۲۰۰ میلیارد دلار تولید اقتصادی دارد، یعنی ۴۰ برابر بیش از همسایه شمالی!

درآمد سرانه برای شمالی‌ها سالانه فقط ۱۳۰۰ دلار است، اما مردم کره جنوبی از درآمد سرانه ۲۴ هزار دلار در سال برخوردارند.

به گفته یک کارشناس اهل کره جنوبی که در مورد حکومت پیونگ‌یانگ تحقیقات زیادی داشته، جوک سیاسی تلخی که در بین مردم قحطی زده کره شمالی رایج شده، می‌گوید: مردم این کشور فقیر و گرسنه همگی لاغر و نحیف هستند و تنها سه تن در تاریخ کشور چاق و چله بوده‌اند! نخست کیم ایل سونگ، بنیانگذار کره شمالی، بعداً پسرش کیم جونگ ایل و آخری هم کیم جونگ اون رهبر فعلی. اما در بین سه مرد چاق تاریخ کره شمالی این آخری از همه خطرناک‌تر است!

فضای سیاسی و اجتماعی در دیکتاتوری مطلق کره شمالی کاملاً خفقان‌آور و سرکوبگرانه است. این امر حتی روحیه و رفتار مردم کشور را تحت تاثیر قرار داده تا آنجا که شهروندان عادی باید دائماً در برابر حکومت و خصوصاً «رهبر بزرگ» و مجسمه‌های پدر و پدر بزرگش «تعظیم» کنند و به اصطلاح نوعی فرهنگ سیاسی فرد پرستی بر کشور حکومت می‌کند.

در طول قرن بیستم چند نمونه از این تجربه‌های دو گانه برای ملت‌های آسیایی و اروپایی تکرار شد که نتیجه همه این تجربیات یکسان بود. آلمان در پایان جنگ جهانی به دو نیمه کمونیستی و دموکراتیک تقسیم شد و پس از گذشت چند سال آلمان غربی شکوفا و پیشرفته و مرفه شد و آلمان شرقی فقیر و توسعه‌نیافته باقی ماند.

در پایان دهه‌ی ۱۹۴۰ دو کشور چین شکل گرفت. یکی چین کمونیست و دیگری چین ملی (تایوان). چین کمونیست فقیر و محروم باقی ماند و تایوان ظرف یک دهه از اقتصادی شکوفا، صنعتی و ثروتمند برخوردار گردید.

تمامی این نمونه‌ها و دیگر موارد مشابه در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد ملت‌هایی که به نعمت دموکراسی و آزادی پایدار دست می‌یابند، در زمینه اقتصادی نیز به سعادت و رفاه می‌رسند، زیرا آزادی و دموکراسی همواره مقدمه ایجاد پیشرفت جامعه در تمامی زمینه‌ها و ایجاد رفاه عمومی بوده است.



تماشای فیلم‌های خارجی ممنوع است و خلاصه زندگی عادی و فردی دارای ممنوعیت‌های فراوان می‌باشد.

در زمینه سیاسی هیچ‌گونه فعالیتی خارج از عضویت رسمی حزب کمونیست اصولاً وجود ندارد و اگر کسی فقط «مظنون» به داشتن اندیشه‌های ممنوعه باشد ناپدید می‌شود و سر از بازداشتگاه‌های مخوف درمی‌آورد.

کره شمالی تنها حکومتی است که در قرن بیست و یکم چندین اردوگاه مرگ، مشابه دوران استالین را همچنان فعال و پر از دهها هزار نفر زندانی اداره می‌کند. تمامی این اعمال عجیب و جنون‌آمیز کشور کره شمالی رابه یک نمونه



منزوی و منفور در جهان تبدیل کرده و اخیراً حتی چین کمونیست نیز به اعمال و اقدامات تهدیدآمیز رژیم پیونگ‌یانگ اعتراض کرد.

در زمینه اقتصادی نیز کره شمالی کشوری است کاملاً عقب مانده، قحطی زده و درهم شکسته.

اما در کره جنوبی که دو سه دهه از آغاز اصلاحات سیاسی و اقتصادی آن می‌گذرد، یک نظام دموکراسی سیاسی و اقتصادی بسیار شکوفا و موفق شکل گرفته است.

مردم کره در نیمه شمالی و جنوبی از یک نژاد و دارای تاریخ و فرهنگ مشترک می‌باشند، اما دو سیستم سیاسی و اقتصادی متفاوت منجر به پیدایش دو کشور کاملاً متفاوت شده. یکی بسیار پیشرفته، ثروتمند و مدرن با مردمی برخوردار از رفاه اقتصادی و اجتماعی و کشور دیگر عقب مانده، ورشکسته، قحطی زده و منزوی در جهان.

نگاهی به وضعیت اقتصادی دو کره تفاوت آشکار بین دو نیمه متضاد این ملت را که یکی بسیار فقیر و دیگری غنی می‌باشد، آشکار

اگر اسد همچنان بماند...



در جریان نهضت‌های سیاسی موسوم به بهار عربی رژیم‌های نسبتاً میانه‌رو منطقه مانند تونس و مصر پس از چند برخورد اولیه نهایتاً تسلیم خواست عمومی شده و از قدرت کنار رفتند. حکومت پادشاهی اردن نیز تن به اصلاحات سیاسی داد. اما در لیبی معمر قذافی با توسل به ارتش خود به جنگ مخالفان رفت و در پایان جنگ داخلی یک ساله حکومتش سقوط کرد و خودش نیز کشته شد که در این میان البته حمایت نظامی ناتو از مخالفان نقش مهمی داشت.

در یمن نیز درگیری‌های نظامی بین حکومت و مخالفان چند ماهی ادامه یافت ولی نهایتاً رئیس‌جمهور آن کشور با زیرکی و مهارت همیشگی خود با گروه‌های اپوزیسیون مصالحه کرد و به طور مشروط از قدرت کنار رفت. در بحرین رژیم حاکم همچنان در برابر قیام مردم مقاومت می‌کند و حاضر به پذیرش خواست اکثریت نیست.

اما وضعیت سیاسی در سوریه بسیار پیچیده است. از یک سو بشاراسد ظاهراً حاضر نیست به هیچ قیمتی اریکه قدرت را رها کند و مانند پدرش می‌خواهد رئیس‌جمهور مادام‌العمر باقی بماند که در این راه از کشتار بی‌رحمانه مردم خود نیز ایایی ندارد. از سوی دیگر نیروهای اپوزیسیون علیرغم حمایت قابل توجهی که در میان مردم عادی داشتند هنوز نتوانسته‌اند به طور موثر در یک جریان سیاسی منسجم کنار هم قرار گیرند.

در نتیجه سوریه با ۲۳ میلیون نفر جمعیت اکنون در ورطه یک جنگ داخلی فاجعه‌بار سقوط کرده و نوعی بن‌بست سیاسی بین رژیم بشاراسد و مخالفان او ایجاد شده که گرچه هر کدام بخش‌هایی از کشور را در کنترل

پس از گذشت بیش از دو سال از آغاز قیام سیاسی سوریه، سرکوبی شدید و خونین مخالفان توسط رژیم بشاراسد موجب شده انقلابی که در آغاز مسالمت‌آمیز و عاری از خشونت بود، دچار نوعی بن‌بست شدید و پیچیده گردد و در نتیجه کشور سوریه که سابقاً به خاطر شهرهای قدیمی و طبیعت زیبای خود شهرت داشت اکنون تبدیل گشته به یک سرزمین سوخته با آینده‌ای بسیار مبهم و خطرناک.

انقلاب سوریه در ادامه قیام‌های سیاسی خاورمیانه که به بهار عربی موسوم شد از اواسط سال ۲۰۱۰ آغاز گردید و در ابتدا مردم تظاهرات مسالمت‌آمیزی در دمشق، حلب، درعا، حمص و چند شهر دیگر صرفاً با شعارهایی در حمایت از اصلاحات و آزادی سیاسی برپا می‌کردند. اما از همان ابتدا نیروهای امنیتی حزب حاکم بعث با سرکوب شدید راهپیمایان شمار زیادی از آنها را روانه زندان و شکنجه‌گاه‌ها و جوخه اعدام کردند. نکته درخور توجه ادامه روند مسالمت‌آمیز این تظاهرات بود، یعنی علیرغم برخوردهای شدید و بی‌رحمانه رژیم اسد با مخالفان، این تظاهرات برای چندین ماه همچنان توسط شهروندان با لحن و شعارهای مسالمت‌آمیز ادامه یافت. اما ادامه سرکوب شدید مخالفان و عدم قبول هرگونه مصالحه سیاسی از جانب بشاراسد فضای سیاسی سوریه را روز به روز بحرانی‌تر ساخت.



امین اکبری
allenakbari@yahoo.com



درآمد سالانه پرزیدنت آمریکا



هر سال در آمریکا، ماه آپریل زمان تدوین و ارائه گزارش‌های مالیاتی افراد و شرکت‌های گوناگون است و طبق یک سنت سیاسی قدیمی رئیس‌جمهور نیز میزان درآمد و مالیات پرداختی خود را منتشر می‌کند تا همه مردم این کشور بدانند درآمد رهبر کشور چقدر است و خلاصه در مورد دارایی و ثروت او هیچگونه پنهان‌کاری وجود نداشته باشد.

گزارش رسمی کاخ سفید حاکی است کل درآمد خانواده اوباما در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۶۶۲ هزار دلار بوده که ۴۰۰ هزار دلار آن حقوق رسمی پرزیدنت به عنوان کارمند دولت فدرال می‌باشد و مابقی درآمد اوباما عمدتاً ناشی از وجوه مربوط به فروش دو کتاب منتشره توسط او بوده است.

رئیس‌جمهور آمریکا حدود ۱۸ درصد از درآمد پارسال خود را به عنوان مالیات پرداخت کرده که این رقم ۱۱۲ هزار دلار می‌باشد و به اداره مالیات پرداخت شد. اوباما معتقد است افرادی مانند او که درآمد زیادی دارند باید مالیات بیشتری نیز پرداخت کنند و در این راستا درگیر چالش بسیار شدیدی با جمهوری خواهان بر سر تدوین بودجه دولت فدرال است.

پرزیدنت آمریکا و همسرش همچنین ۱۵۰ هزار دلار در سال گذشته به موسسات خیریه اعانه مالی پرداختند که مهمترین بخش آن به یک موسسه غیر انتفاعی حمایت از مجروحین جنگی ارتش آمریکا اختصاص یافت. اوباما در سال‌های نخست ریاست جمهوری‌اش سالانه میلیون‌ها دلار بابت فروش دو کتاب خود که قبلاً تالیف کرده بود درآمد مالی داشت اما اخیراً فروش این کتاب‌ها بسیار کمتر شده و درآمد او نیز کاهش یافته است.

دارند اما هیچ یک از دو طرف ظاهراً قادر به پیروزی قاطع و نهایی بر طرف مقابل نیست.

این رویارویی که در آغاز جنبه سیاسی و آزادی خواهانه داشت، رنگ قومی و مذهبی نیز یافته است. خاندان اسد که متعلق به اقلیت ده درصدی علوی‌ها هستند بیش از ۴۴ سال است که بر سوریه حکومت می‌کنند و البته اکثر پست‌های عالی حکومتی، نظامی و اقتصادی در اختیار هم‌کیشان علوی اسد است. این وضعیت به خودی خود همیشه موجب تنش‌هایی با اکثریت ۷۰ درصدی سنی در سوریه شده است. اما در این سرزمین ۲۰ درصد جمعیت را نیز مسیحیان، دروزی‌ها، کردها و سایر اقلیت‌های قومی تشکیل می‌دهند که این رقم قابل توجهی است.

تا همین اواخر برآورد کلی تحلیلگران حاکی از آن بود که رژیم اسد با ادامه سرکوب و کشتارهای وحشتناک آنچنان نفرت عمومی را برانگیخته که هیچ جایی در میان مردم ندارد و سقوط آن قریب‌الوقوع است. اما ادامه حمایت‌های وسیع رژیم‌های روسیه، ایران و حزب‌الله لبنان از اسد در کنار برخی مشکلات اپوزیسیون سوریه موجب شده که روند جنگ داخلی به حالت بن‌بست برسد و حکومت اسد کماکان به حیات خود ادامه دهد. یعنی حامیان اسد با اتکاء به باقیمانده ارتش خود و بر خودارای از انواع سلاح‌های سنگین و هواپیماهای متعدد دائماً مناطق تحت کنترل مخالفان را بمباران می‌کنند و افراد نظامی و غیرنظامی را به طور یکسان هدف حملات شدید قرار می‌دهند که این امر روند پیشروی نظامی و سیاسی مخالفان را به میزان زیادی متوقف کرده است.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر در جدیدترین بیانیه خود رژیم اسد را به خاطر آنکه بیمارستان‌ها، نانوائی‌ها و سایر مناطق غیرنظامی را به طور «عمدی» هدف بمباران قرار می‌دهد محکوم کرد. سازمان ملل نیز در یک گزارش تکان‌دهنده هشدار داد که فقط ظرف یک سال اخیر شمار آوارگان و پناهندگان یک میلیون نفر افزایش یافته و به مرز یک میلیون و دویست هزار نفر رسیده است. شمار تلفات انسانی نیز بین ۷۰ تا ۱۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود که اکثر آنها غیرنظامی بوده‌اند. کلمه اسد در زبان عربی به معنی «شیر» است اما رفتار سیاسی بشار اسد بیشتر به یک گرگ درنده و بی رحم شباهت دارد که فقط می‌کشد تا حکومتش ادامه یابد!

در این میان آمریکا و متحدانش که شدیداً از تجربه نافرجام مداخله نظامی در عراق سرخورده شده‌اند، از اعطای هرگونه کمک مؤثر به مخالفان پرهیز می‌کنند و ترس آنها این است که سوریه نیز دچار وضعیتی مانند عراق شود و هیچ‌کس نتواند اوضاع داخلی آن را کنترل کند.

از سوی دیگر کشورهای سنی عربستان و قطر کمک‌های مالی و تسلیحاتی خود را فقط در اختیار گروه‌های مذهبی و سنی قرار می‌دهند. علاوه بر این با طولانی شدن بحران داخلی و ایجاد نوعی خلاء سیاسی، گروه‌های افراطی و حتی برخی وابستگان القاعده نیز وارد این کارزار شده‌اند و گروه موسوم به «جبهه‌ی نصرت» که یک گروه سلفی جهادی می‌باشد سریعاً در حال گسترش فعالیت خود در جبهه‌های جنگ سوریه است.

به این ترتیب اکنون برخی از تحلیلگران هشدار می‌دهند که اگر رژیم لوزان اسد همچنان کم و بیش پابرجا بماند و بن‌بست موجود تداوم یابد، آنگاه هم فاجعه انسانی سوریه ادامه خواهد یافت و هم سایر کشورهای منطقه با خطر سرایت این بی‌ثباتی سیاسی به قلمرو همسایگان مواجه خواهند شد.





ایالت

میسیسیپی



بیستین ستاره پرچم ایالات متحده آمریکا به افتخار ایالتی نقش خورده است که در تاریخ دهم دسامبر ۱۸۱۷ به ایالات متحده آمریکا پیوست تا در حالی که با لقب ایالت مگنولیا شناخته می‌شد، بتواند با شعار «با تقوی و قوا» عضوی از بزرگترین اقتصاد جهان امروز باشد.

دکتر مهدی آقازمانی



۱۷۶۳ میلادی ختم می‌شود، این سرزمین در محدوده مستعمراتی، اسپانیایی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها دست به دست شده است. پس از انقلاب آمریکا این پهنه برای مدتی بخشی از دولت‌های ایالتی جورجیا و کارولینا بوده و سرانجام در هفتم آوریل ۱۷۹۸ به عنوان سرزمینی مستقل موجودیت جدیدی یافت و کمتر از دو دهه بعد به عنوان بیستین ایالت به اتحادیه ایالات متحده آمریکا پیوست. اگرچه سال‌های قرن ۱۹ میلادی می‌سی‌سی‌پی به جبهه‌های خونین تبدیل می‌شود و در خلال سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۷۰ فراز و نشیب‌های زیادی را متحمل می‌شود، اما به زودی با رسیدن قرن بیستم می‌سی‌سی‌پی به یکی از اصلی‌ترین جبهه‌های مبارزه مدنی آمریکائیان آفریقایی‌تبار برای دست یافتن به حقوق شهروندی برابر مبدل می‌شود. مبارزه‌ای که تا قرن حاضر ادامه می‌یابد. تا جایی که در خلال دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ میلادی گروه‌های نژادپرست موسوم به (KKK) به سلاخی سیاهپوستان مبادرت می‌کنند. اما سرانجام جنبش حقوق مدنی ایالات متحده آمریکا به رهبری دکتر مارتین

ایالت می‌سی‌سی‌پی که نام خود را از رودخانه بزرگ می‌سی‌سی‌پی گرفته است از لحاظ وسعت با ۴۸۴۳۰ مایل مربع (۱۲۵۴۴۳ کیلومتر مربع) رتبه ۳۲ جدول پهناوری ایالات ۵۰گانه آمریکا را به خود اختصاص داده است و براساس آخرین سرشماری رسمی جمعیت در سال ۲۰۱۲ میلادی خانه نزدیک به ۳ میلیون آمریکایی است که این ایالت را به رتبه سی و یکم جدول پرجمعیت‌ترین ایالات این کشور ارتقاء می‌دهد.

این سرزمین زیبا که با ایالت‌های تنسی، آلاباما، لوئیزیانا، آرکانزاس و خلیج مکزیک همجوار است، یکی از پرسابقه‌ترین ایالت‌های آمریکا در حوزه تاریخ جنوب شرق محسوب می‌شود. اگرچه سابقه زیست انسانی در پهنه این ایالت نزدیک به ۱۰ هزار سال قبل و مهاجرت بزرگ اقوام بومی و سرخپوستان باستانی به جنوب مربوط می‌شود اما شاید سرآغاز تاریخ جدید این ایالت را به قرن شانزدهم میلادی و اکتشافات فرناندو دسوتو در سال‌های دهه ۱۵۴۰ مربوط کرد. از این تاریخ تا دوران جنگ هفت‌ساله که به پیمان پاریس در سال





می‌سی‌سی‌پی مجاز دانسته شد و نرخ مالیات بردرآمد در این ایالت بین ۳ تا ۵ درصد و مالیات فروش در پایین‌ترین میزان نزدیک به ۷ درصد تعیین گردید تا بتواند به توسعه شهرنشینی و جذب جمعیت در این ایالت موثر واقع شود. با این حال همچنان میزان سرانه درآمد خانوادگی در این ایالت با تفاوتی چشمگیر از میانگین درآمد سالانه در آمریکا نزدیک به ۳۴ هزار دلار در سال تخمین زده می‌شود. در پنجاه سال گذشته دولت فدرال نیز با توسعه زیرساخت‌های نیروی هوایی و مرکز آموزشی نیروی دریایی در «مری‌دین» در این ایالت و نیز مرکز فضایی «جان سی استنیس» سعی در حمایت از برنامه‌های رفاه عمومی دولت ایالتی و رونق شغلی در می‌سی‌سی‌پی داشته است.

لازم به ذکر است که این حمایت‌های فدرال در پی خسارت‌های ناشی از طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ افزایش یافت. مرکز ایالت می‌سی‌سی‌پی شهر نیم میلیون نفری جکسون است که در سال ۱۸۸۲ پایه‌گذاری شد. این شهر با لقب تقاطع جنوب شناخته می‌شود. علاوه بر مرکزیت اداری دولت ایالتی، بزرگترین شهر می‌سی‌سی‌پی و مرکز تبادلات بانکی و اقتصادی این ایالت نیز هست. شهر جکسون از لحاظ موقعیت زمانی از نیویورک یک ساعت عقب‌تر و از لوس‌آنجلس دو ساعت جلوتر است و از لحاظ جغرافیایی شهری با آب و هوای معتدل متأثر از جغرافیای طبیعی رودخانه می‌سی‌سی‌پی شناخته می‌شود.

جکسون سیتی بی‌شک به پایتخت رقص باله در جنوب شرق آمریکا شهرت دارد و میزبان المپیک رقص باله آمریکا است که هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود. این شهر به دلیل تأثیر عمیقی که در سابقه موسیقی مذهبی مسیحیان آمریکا (به ویژه موسیقی کلیسای بردگان آزاد شده) داشته است، به نوعی پدرخوانده موسیقی‌های اعتراضی و اجتماعی آمریکای مدرن شناخته می‌شود. تا جایی که می‌توان ریشه‌های موسیقی بلوز را در این منطقه جستجو کرد.

بد نیست بدانید که جشنواره سینمایی فیلم‌های مستقل ماگنولیا نیز در ایالت می‌سی‌سی‌پی برگزار می‌شود و نیز ریشه عروسک محبوب تدی (خرس مهربان) نیز از همین ایالت برخاسته است که به دوران ریاست جمهوری تئودور روزولت باز می‌گردد.

ایرانیان در ایالت می‌سی‌سی‌پی حضور پر رنگی دارند و انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های این ایالت در طول بیست سال گذشته یکی از فعال‌ترین گروه‌های دانشجویی محسوب می‌شود که هم در زمینه‌های فرهنگی و هم در حوزه کمک‌های آموزشی تأثیر چشمگیری در افزایش استقبال ایرانیان از این ایالت داشته است.

لوترکینگ به پیروزی دست می‌یابد و سرزمینی که روزی رویای او بود، جامه واقعیت به تن می‌کند.

امروزه از جمعیت ۲/۹۸۵/۰۰۰ نفری این ایالت نزدیک به ۳۷ درصد را آمریکائیان آفریقایی‌تبار تشکیل می‌دهند در حالی که سفیدپوستان (اروپایی تباران) هنوز با ۶۲ درصد دست بالا را دارند. اما قوانین برابری نژادی توانسته است به سال‌ها خاطرات تلخ رنگین‌پوستان در این پهنه وسیع جنوب شرقی پایان بخشد.

صحبت کردن درباره ایالت می‌سی‌سی‌پی بدون پرداختن به رودخانه می‌سی‌سی‌پی که بزرگترین رودخانه قاره آمریکای شمالی و چهارمین رودخانه بزرگ دنیا است کمی غیرمنصفانه است. اگرچه سهم ایالت می‌سی‌سی‌پی از رودخانه ۲۳۲۰ مایلی (۳۷۳۴ کیلومتری) فقط روی مرز مشترک این ایالت با ایالت‌های آرکانزاس و لویزیانا (جیزی حدود یک سوم طول رودخانه می‌سی‌سی‌پی) خلاصه شده است. اما دلتای آبریز این رودخانه بزرگ، پهنه وسیعی از جلگه می‌سی‌سی‌پی را که تشکیل دهنده بخش‌های جنوبی این ایالت و ایالت لویزیانا است، آفریده است.

این دلتای عظیم موجب استعداد خاک و طبیعت این ایالت برای رشد و توسعه کشاورزی شده است.

برای قرن‌ها کشت و زرع پنبه اصلی‌ترین پایه اقتصاد ایالت می‌سی‌سی‌پی بوده است تا جایی که تا قبل از جنگ‌های داخلی آمریکا می‌سی‌سی‌پی را در جمع ۵ ایالت ثروتمند اتحادیه قرار می‌داد. در دوره معاصر نیز زیرساخت کشاورزی به عنوان موتور محرک اقتصاد ایالت می‌سی‌سی‌پی حفظ شده است و با رشد سریع تکنولوژی و بهره‌گیری از آخرین فناوری‌های توسعه یافته کشاورزی، همچنان اصلی‌ترین منبع درآمد ناخالص داخلی این ایالت را مزارع گسترده و پیشرفته در دلتای می‌سی‌سی‌پی تشکیل می‌دهند.

با این حال ثروت ملی تولید شده در دهه‌های گذشته به صورت چشمگیری در صنایع زیربنایی مانند راه‌آهن، جاده‌سازی، مدارس و مراکز دانشگاهی و نیز توسعه خدمات و رفاه شهری سرمایه‌گذاری شده است. تا جایی که ایالت می‌سی‌سی‌پی را به رقم ناخالص درآمد داخلی معادل کشور اسلواکی با میزان ۷۵ میلیارد دلار درآمد ناخالص داخلی رسانده است، با این حال در مقایسه با ایالت‌های همجوار، می‌سی‌سی‌پی با مشکلات اجتماعی و رفاه عمومی بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند که موجب کاهش نرخ رشد و توسعه مدنی در این منطقه از آمریکا شده است.

شاید به همین دلیل است که براساس قانون ایالتی مصوب ۱۹۹۵ تأسیس کازینوها و قمارخانه‌هایی در ساحل شرقی رودخانه

Westside Pharmacy

داروخانه وست ساید

به مدیریت دکتر فرزاد جک پیروز

با همکاری دکتر جواد فردوسی - دکتر ژانت آحادی و دکتر هما سعادت و تکنیسین های مجرب

واقع در سانتا مونیکا بلوارد ، بین سانتا مونیکا کاشرمارکت و رستوران جوان

- قبول کلیه بیمه ها - مدیکل و مدیکر
- انواع ویتامین ها و داروهای گیاهی
- تحویل رایگان دارو به منازل و محل کار
- پذیرش نسخه های ترکیبی و هورمون های طبیعی
- نماینده کلیه محصولات دکتر سهراب خوشبین در لوس آنجلس

سفارشات پستی پذیرفته می شود

۷ روز هفته : دوشنبه تا جمعه ۹:۰۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

شنبه ۱۲ ظهر تا ۵ بعد از ظهر

یکشنبه ۱۲ تا ۲:۳۰ بعد از ظهر (با وقت قبلی)



(310) 479 0200

11504 SANTA MONICA BLVD, LOS ANGELES, CA 90025

نشانی: ۱۱۵۰۴ سانتا مونیکا بلوارد